

۶۳) محمد بن اسعد بخاری ، مؤلف مسالك العارفين در تصوف .

۶۴) ابوسلیمان محمد حسینی شیرازی ، از خاندان معروف آل بنجیر سادات علوی شیراز، مؤلف اخبار الاخیار در احوال بزرگان خانواده اش که پسرش رکن الدین یحیی بنام مقاله الابرار در آغاز قرن نهم تلخیص و تہذیب کرده است .

۶۵) حاج شیخ محمد بن احمد بن علی بن محمد طاهری بیغمی ، مؤلف داراب نامه .

۶۶) احمد نخجوانی ، مؤلف مصباح الارواح در تصوف .

۶۷) نصرالله بن عبدالمومن سمرقندی ، مؤلف کتاب منشات کہ بنام ناصرالدین عمر وزیر پایان رسانیده است .

۶۸) کمال الدین عبدالرزاق کاشانی ، از بزرگان مشایخ طریقه سهروردی و خلیفه نورالدین عبدالصمد بن علی اصفهانی و وی از اصحاب شیخ نجیب الدین علی ابن بزغش شیرازی بوده و ظاهراً در شیراز می زیسته و در آجا در ۳ محرم ۷۳۶ در گذشته و در خانقاه زینی ماستری داخل شهر در جوار مسجد جامع اورا بنجا سپرده اند . تاریخ رحلت وی را ۷۳۰ و ۷۳۵ نیز نوشته اند . وی از بزرگان مؤلفان صوفیه در زمان خود بوده و تألیفات مهم بزبان تازی و پارسی دارد از آن جمله شرح منازل السائرین عبدالله انصاری کہ در ۲۲ رجب ۷۳۱ پایان رسانیده و شرح فصوص الحکم کہ در ۷۲۰ تمام کرده و اصطلاحات الصوفیه و تحفة الاخوان فی خصایص الفتیان در آیین فتوت کہ نخست بتازی نوشته و سپس خود پیارسی تحریر کرده و فوت نامه بزبان فارسی کہ پس از آن دو کتاب نوشته است .

۶۹) مجد خوافی ، از واعظان دانشمند زمان خود بوده و در نظم و نثر فارسی دست داشته و سفرهای چند در خراسان و کرمان کرده و مؤلفات چند از او مانده است یکی دیوان اشعار ، دیگر ترجمه منظوم جواهر اللغه زمخشری ، دیگر کتاب کنز الحکمه و دیگر روضه خلد کہ تقلیدی از گلستان سعدیست و در بهار ۷۳۳ آنرا پایان رسانیده و سپس تکمیل کرده و روایت دیگری در ۷۳۷ انتشار داده است .

۷۰) نظام الدین احمد بن محمد بن احمد ، معروف بشجاع الدین درودباشی

بیهقی مؤلف جامع الهدایه فی علم الرمایه در تیر اندازی که در ۱۵ جمادی الاخره ۷۱۸ پس از کتاب نظام الملک حسن بن اسحق بیهقی نوشته است .

۷۱) محمود بن عثمان ، مؤلف فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه در مناقب ابواسحق ابراهیم بن شهریار بن زادن فرخ بن فیروز کازرونی عارف شهیر که در ۷۲۸ تألیف کرده است .

۷۲) تاج سلمانی ، مؤلف کتابی در تاریخ بنام شمس الحسن که در محرم ۷۶۵ پایان رسانده است .

۷۳) سید محمد بن سید مبارک بن محمد علوی کرمانی معروف بامیر خرد ، از سادات علوی کرمان بود . جدش بهندرفت و از مریدان فریدالدین شکر گنج شد و با نظام الدین اولیا معاشرت داشت . پدرش سید مبارک نیز از متصوفه بود خود در آغاز بر ریاضت پرداخت و دانش آموخت و سپس مرید نصیرالدین چراغ دهلی شد و در ۷۹۰ در گذشت . معاصر فیروز شاه تغلقی در گذشته در ۷۱۱ و مؤلف سیر الاولیا فی محبة الحق جل و علا در احوال صوفیه .

۷۴) فتح الله بن احمد بن محمود شهرستانی ، که اشتباها در صحیفه ۲۷۲ نام وی در قرن نهم ضبط شده است ، مؤلف تحفة الائمة العلیه فی الحکمة العملیه و رساله در اصول و قواعد خط و اخلاق ظهیری یا اخلاق ظهیری که در حدود ۷۵۰ برای سلطان محمد بن تغلقشاه بن غیاث الدین تغلق معروف بسطان محمود جوته نوشته است .

۷۵) فیروز شاه تغلقی ؛ از پادشاهان دهلی ، پسر ملک رجب و برادر غیاث الدین تغلق ، پسر عمش محمد بن تغلق در گذشته در ۲۱ محرم ۷۵۲ او را تربیت کرد و ترقی داد و پس از مرگ وی بتخت نشست و پریشانی هایی را که در کار روی داده بود جبران کرد . در ۷۵۴ و ۷۶۱ دو بار ببنگاله و در ۷۶۱ باوریه و در ۷۶۲ بنگر کوت و در ۷۶۳ بته لشکر کشید . پس از آن بیشتر از عمر خود را بساختن و شکار و تفریح می گذراند و آبادانی بسیار کرد و شهرها و کاخها و مزارها و کاریزها و مساجد و مدارس بسیار ساخت و باندازه ای نرم بود که باتبه کاران نیز مدارامی کرد

ودوتن از پسرانش را در سلطنت شریک کرد و خراجهای بسیار را بخشید و بهمین جهت زیر دستانش وی را بسیار دوست می‌داشتند و سرانجام پس از هشتاد سال عمر در ۲۹ شعبان ۷۹۰ در گذشت. وی مردی دانش دوست بوده و سیدمطهر کره شاعر مداح وی بوده و شمس سراج عقیق و ضیاء الدین برنی دو کتاب بعنوان تاریخ فیروز شاهی در شرح سلطنت او نوشته‌اند. خود نیز در زبان فارسی دست داشته و شرحی از لشکر کشیهای خود نوشته که بفتوحات فیروز شاهی معروفست.



گذشته از کتابهای نثر که پیش ازین بدانها اشاره رفت در قرن هشتم چند کتاب دیگر بزبان فارسی نوشته شده که مؤلف آنها معلوم نیست. یکی رساله در اعتقادات مذاهب شامل معتقدات هفتاد و سه ملت، دیگر مورخی که نام خود را نیاورده در ۷۳۷ در اصفهان برای محمود بن جمال الدین وزیر اصفهان نسخه‌ای از ترجمه تاریخ طبری ابوعلی بلعمی فراهم کرده و سپس تاریخ جهان گشای جوینی را گذاشته و در میان آنها مختصری در تاریخ صفاریان و سامانیان و غزنویان و ملوک غور و آل سلجوق در سه صحیفه بقطع رحلی نوشته است. دیگر کتابیست در جغرافیا که مؤلف آن معلوم نیست و بنام مبارزالدین محمد بن مظفر نوشته و در ۷۴۸ پایان رسانیده و بنام صورالاقالیم یا مسالك ممالك معروفست و دیگر کنایی در اخلاق و سلوک بنام تحفه.



در باره شاعران قرن هشتم این مطالب را باید افزود:

ص ۱۹۹ ش ۱: بهاء الدین سلطان ولد، تولد وی در ۶۲۲ و وفاتش را در ۲۱ رجب ۷۱۲ هم ضبط کرده‌اند.

ص ۱۹۹ ش ۲: اوحدی حتما از مردم اصفهان بوده و در آن شهر نشو و نمایافته و چون مدتی در مراغه بوده بمرانگی معروف شده است.

ص ۱۹۹ ش ۳: خواجو، وفات وی را در ۷۵۰ نیز ضبط کرده‌اند و این درست نیست.

ص ۲۰۰ ش ۴: ابن یمن، وی فخرالدین لقب داشته و دیوانش در جنگ ملک معزالدین ابوالحسین محمد کرت باخواججه وجیهالدین سربدار و شیخ حسن جویری در میان زاوه و خواب از میان رفته است .

ص ۲۰۲ ش ۶: عماد فقیه . خانقاهی در کرمان ساخته است که تاریخ بنای آنرا ۶۶۶ نوشته اند و پیداست که درست نیست شاید در اصل ۶۹۶ بوده باشد . وی در زمان خویش شهرت بسیار داشته چنانکه تاج الدین محمد معروف بملک اخستان هندی سابق الذکر از هند با و نامه نوشته است .

ص ۲۰۵ ش ۱۴: حافظ: ممدوح وی حاجی قوام الدین حسن شیرازی که بصاحب عیار معروف بوده در ۷۵۲ نایب قلم امیر مبارزالدین محمد بن مظفر و در ۷۵۳ از جانب او حکمران کرمان شده و در گذشت وی را در جمعه ۶ جمادی الاخره ۷۵۴ نیز ضبط کرده اند . مدفن او را در شیراز در محله کت نوشته اند . برخی حافظ را از متصوفه دانسته اند چنانکه بعضی وی را از پیروان قوام الدین ابواسحق ابن ابوطاهر بن ابوالمعالی بنجیری در گذشته در ۷۶۴ و شمس الدین ابو محمد عبدالله بنجیری در گذشته در ۷۸۲ دانسته اند که ذکرشان پس ازین خواهد آمد و برخی وی را از مریدان شیخ محمود عطار شمرده اند که در باره اش اطلاعی نیست. نوشته اند که حافظ کتاب کشف کشف را نزد قوام الدین خوانده است. در تاریخ فرشته چنین آمده است که محمود شاه بن علاء الدین حسن کانکوی بهمینی از پادشاهان سلسله بهمینی دکن در هندوستان که ذکرش پس ازین خواهد آمد مرد ادب پرور بخشنده ای بود و چون آوازه وی بحافظ رسید وی نیز رغب سفر دکن شد اما بواسطه برخی از موانع نتوانست برود. این خبر بمیر فیض الله انجو که منصب صدارت وی را داشت رسید و وی اندک زاد و راهی برای حافظ بشیراز فرستاد که اگر با نیجارود مقدم وی را گرامی خواهند داشت و وی را بشیراز باز پس گردانند . حافظ بیش از پیش خواستار این سفر شد و از آنچه میر فیض الله فرستاده بود برخی بخواهر زادگان خود و زنان بی شوی بخشید و برخی را برای گزاردن و امه های خود بکار برد و سامان راه

کرد و از شیراز بیرون رفت و چون بلار رسید آنچه داشت یکی از آشنایان غارت زده بخشید و تهی دست شد. خواجه زین العابدین همدانی و خواجه محمد کازرونی که از زرگانان مالدار بودند و آهنگ سفر هند داشتند بعهده گرفتند خرج راه وی را دهند و حافظ را با خود بهر موز مردند اما در برخی از کارها کوتاهی کردند و وی را از خود رنجانیدند و با این همه حافظ بکشتی محمود شاه که از دکن آمده بود نشست و از قضا موز کشتی براه نیفتاده بود که باد مخالف فوزیدودریا شورید. حافظ یکسره از آن سفر تضرع شد و بیاران خود گفت با برخی از دوستانم که در هر موز ندو دعانکرده ام می روم ایشان را ببینم و در ساعت باز می گردم و بدین بهانه از کشتی بیرون رفت و غزلی را که مطلعش اینست :

دمی باغم بسر بردن جهان یکسر نمی آرزد بمی بفروش دل قیما گزین بهتر نمی آرزد
سرود و بدست یکی از یاران نزد میر فیض الله انجو فرستاد و خود بشیراز رفت. چون این غزل بمیر فیض الله رسید روزی بتقریبی آن داستان را بمحمود شاه گفت. شاه گفت چون حافظ باندیشه رسیدن بما قدم در راه نهاده بود بر ما واجبست که او را محروم نکنیم. سپس بملاقاسم مشهدی که از دانشمندان دربارش بود هزار سکه طالاداد که انواع کالای هند بخرد و برای حافظ بشیراز ببرد.
ص ۲۰۸ ش ۱۸: امین الدین کازرونی، نام و نسب وی بدین گونه است: امین-الدین محمد بن علی بن ضیاء الدین مسعود، از مریدان شیخ اوحد الدین بن ضیاء الدین مسعود پسر عم خود بوده و در ۱۱ اذی قعد ۷۴۵ در کازرون در گذشته است.
ص ۲۰۸ ش ۱۹: رکن الدین صاین، نسب وی بدین گونه است رکن الدین صاین بن شمس الدین محمود بن رکن الدین صاین هروی. وی لقب و نام جد خود را داشته که او نیز از مردان محتشم دربار ایلخانان مغول بوده و در ۷۰۰ بفرمان غازان خان کشته شده است. وی در ۷۰۸ ولادت یافته و در ۷۴۸ وزیر فارس شده است.

ص ۲۰۹ ش ۲۴: شمس مغربی، نام و نسب وی بدین گونه است محمد

ابن عزالدین بن عادل بن یوسف تبریزی ملقب به محمد شیرین متولد در ۷۴۹ .
 درباره زادگاه وی اختلافست برخی در روستای امند ، برخی در امند در بلوک
 رودقات تبریز نوشته اند و برخی نام آنرا انبندات و ابندات ضبط کرده اند . تاریخ
 در گذشت وی را ۸۰۷ و ۸۱۹ نیز نوشته اند اما ۸۰۹ درست ترست . برخی نوشته اند در
 در حظیرة با بایزید در محله سرخاب مدفونست و اینک قبر وی در اصطهبانات معروفست .
 آثار وی بجز دیوان اشعارش ؛ نزهة السانیه (!) ، مرآة العارفين در تفسیر سوره
 فاتحة الكتاب ، در در الفرید فی معرفة التوحید ، جام جهان نمایا کلیات علم توحید
 یا مراتب وجود ترجمه و تلخیص از مشارق الدراری الزهر فی کشف حقایق نظم-
 الدر از سعد الدین سعید فرغانی که شرح خمیه ابن فارض است و جام جم شروح
 متعدد دارد از آن جمله شرح وجه الدین علوی و نعمة الله نام بنام مدام جان فزا
 و شرح احمد بن موسی رشتی استادی شاگرد وی و سه شرح دیگر که مؤلف آنها
 معلوم نیست .

ص ۲۱۰ ش ۲۵ : لطف الله نیشابوری ، در سال ۸۰۸ که در نیشابور زلزله آمده
 وی در آنجا بوده و اشعاری درین زمینه سروده است .

ص ۲۱۰ ش ۲۶ : تاج الدین حلاوی ، نسبت او را حلوایی هم نوشته اند .
 ص ۲۱۳ ش ۳۳ : شیخ کجج تبریزی ، نام و نسب او بدین گونه است : خواجه
 شیخ غیاث الدین محمد متخلص بکجج پسر خواجه ابراهیم بن خواجه صدیق
 کججانی از مردم کججان یا کجج در بلوک مهران رود تبریز . خواجه محمد
 کججانی از مشاهیر زمان خود بوده و در زمان ملک اشرف و سلطان اویس و
 سلطان حسین جلایر شیخ الاسلام بوده است . در ۷۶۰ که اخوی جوق و علی پیل تن
 قصد سلطان اویس را کردند وی خبر شد و او را آگاه کرد در نتیجه بد رفتاری
 سلطان حسین از آذربایجان رفت و مدتی در بغداد و دمشق و مصر ساکن بود و در مصر
 احترام بسیار بوی کردند و سرانجام در ۷۷۸ در گذشت . وی شعر بسیار گفته و
 دیوانش نزدیک ده هزار بیت می شده و اقسام مختلف شعر سروده است . ظاهراً

پسری داشته است بنام شمس‌الدین کججی که در ۸۰۹ که سلطان احمد جلایر از بغداد بتبریز رفته بود وی را بریاست دیوان خود گماشت .

ص ۲۱۴ ش ۳۵ : فضل‌الله نعیمی استرآبادی ، اطلاعاتی که درباره او هست چندان روشن نیست ، برخی نام و نسبش را شاه فضل‌الله بن ابومحمد نعیمی تبریزی ، برخی شهاب‌الدین فضل‌الله بن بهاء‌الدین حسن بن محمد یمانی علی بن حسین بن محمد بن هاشم بن حسن بن علی بن هاشم بن محمد بن جعفر بن امام موسی کاظم و برخی ابوالفضل عبدالرحمن فضل‌الله و پدرش را ابومحمد تبریزی دانسته‌اند و نوشته‌اند که بسید فضل‌الله حلال‌خوار معروف بود زیرا که بسیار پرهیزگار بود و هرگز از خوراک هیچ کس نخورد و از طاقیه‌دوزی گذران می‌کرد و پدرش قاضی القضاة استرآباد بود و وی خردسال بود که او در گذشت . در سال ۷۴۰ یا ۷۴۲ ولادت یافته که دو سال پس از مرگ حاجی بکتاش ولی باشد که طریقه بکناشی باو منسوبست و چون چندی در مشهد ومدتی در تبریز می‌زیسته بمشهدی و تبریزی نیز معروف شده است . سفرهای چند کرده از آن جمله در ۷۷۱ باصفهان و در ۷۷۵ بحج رفت و نیز بسمیرم فارس و خوارزم و آذربایجان و باکو و شروان و نخجوان رفته است . در ۷۸۸ طریقه حروفی را اعلان کرده بهمین جهت او را تکفیر کردند و تیموریان با او در افتادند و او را در باکو و شروان زندانی کردند و سرانجام میرانشاه پسر تیمور دستور داد وی را از شروان بنخجوان بردند و بفتوای فقها بپناه کفر و الحاد در روز پنجشنبه یا جمعه ۶ ذی‌قعدة ۷۹۶ بسن ۵۶ سالگی او را بدست خود کشت و پیکرش را ریسمان بستند و در شهر نخجوان گردانند و سپس در النجه یا النجق ویا النجک در خاک نخجوان بخاک سپردند . اما روز ششم ذی‌قعدة ۷۹۶ روز چهارشنبه بوده است . چنان می‌نماید که در ۸۰۴ پیکرش را بدستور تیمور از خاک بر آورده و سوزانیده‌اند . وی مرد دانشمندی بوده و در علوم غریبه از جفر و علم حروف و اسماء و حکمت دست داشته و قصیده و غزل می‌سروده است و نعیمی تخلص می‌کرده . آثاری که از او مانده کتاب نوم‌نامه است که حوادث زندگی خود را از سال ۷۶۵ تا

۷۹۶ در آن نوشته است و آن ذیل جاودان نامه اوست ، دیگر جاودان کبیر که در ۷۹۶ در زندان شروان نوشته و دیگر کتاب جاودان صغیر ، رساله در اصول حروفیه ، ذیل جاودان نامه ، عرش نامه ، محبت نامه و نیز وصیت خود را در زندان با کون نوشته است . وی نه خلیفه انتخاب کرده بود که چهار تن محرم اسرارش بودند و پس از کشته شدنش چند تن از خلفایش مانند ابوالحسن علی الاعلی و سید عمادالدین نسیمی با سیای صغیر گریختند و عقاید خود را در میان بکاشیان انتشار دادند و بسیاری ازیشان آن عقاید را پذیرفتند . دختر فضل الله و یکی از مریدانش یوسف نام در زمان جهانشاه دوباره در تبریز بنای دعوت را گذاشتند ولی ایشان و مریدانشان گرفتار شدند و نزدیک پانصد تن ازیشان را کشتند . این دختر شاعر بوده است . پیروان طریقه حروفی در ایران در خفا می زیسته اند تا آنکه در دوره صفویه برخی ازیشان طریقه نقطوی را پذیرفته اند .

ص ۲۱۴ ش ۳۶ : فریدون بن عکاشه ، رساله رباعیه را در ۷۳۷ نوشته است

ص ۲۱۵ ش ۴۵ : جنید شیرازی ، وی برادری داشته است بنام جمال الدین ابواسحق بن جلال الدین محدث کازرونی معروف بشیخ ابواسحق شیرازی که از خلفای ابواسحق ابراهیم بن شهریار کازرونی بوده و در روز چهارشنبه ۱۳ ذیقعدة ۸۲۸ در هرات در گذشته و در گازر گاه مدفون شده است .

ص ۲۱۷ ش ۵۱ : ابن عماد ، نام و نسب وی را حافظ علاء الدین محمد بن حافظ عمادالدین هروی ضبط کرده اند و نوشته اند که مادرش دختر حاج قوام الدین صاحب عیار ممدوح معروف حافظ بوده و وی در شیراز ولادت یافته و سرانجام بهرات رفته و در آنجا در ۸۳۸ از بیماری و با در گذشته و شعر تازی و پارسی می سروده و در فرائد استاد بوده و دیوان اشعار و خلاصة التزیل در قرائت از او مانده است . چنان می نماید ۸۳۸ تاریخ وفات او درست نباشد زیرا که ۷۰ سال پس از اتمام ده نامده ۴۴۴ سال پس از اتمام روضة المحبین اوست .

ص ۲۱۷ ش ۵۴ : محمود گلستانه ، نسب کامل او محمود بن محمود بن علی

گلستانه است .

ص ۲۱۸ ش ۵۷ : نظام‌الدین اولیا ، کتاب فواید الفوائد را که شامل ملفوظات اوست برخی تالیف علاء‌الدین نیلی قاری سجزی و برخی تالیف میرعلاء‌الدین حسن دانسته اند اما درست‌تر اینست که مؤلف آن امیر حسن بن علاء سکزی نام داشته و پس از ۷۰۷ تالیف کرده است . کتاب راحة القلوب را وی در چهارشنبه ۱۵ رجب ۶۵۵ پایان رسانیده است .

ص ۲۲۰ ش ۶۲ : بهاء‌الدین نقشبند ، از مؤلفات اوست : رساله اسیه و رساله قدسیه که عبدالرحمن جامی شرحی بر آن نوشته است بعنوان الحاشیه القدسیه بر کلمات قدسیه بهاء‌الدین نقشبند . کتابهایی که در مناقب وی نوشته اند یکی رساله قدسیه از خلیفه او خواجه محمد پارساست و دیگر کتابی بنام جامع المقامات تالیف ابوالبقا ابن عالی که در محرم ۱۰۲۶ تمام کرده و معلوم نیست در مقامات او یا مقامات بهاء‌الدین دیگرست و خواجه محمد پارسا کتاب مفصل‌تری در مقامات وی نوشته است با اسم انیس الطالبین و عدة السالکین .

ص ۲۲۰ ش ۶۳ : خواجه محمد پارسا ، شمس‌الدین لقب داشته است ، وی رادر قبرستان بقیع بخاک سپرده اند ، از مؤلفات اوست رساله عقاید و رساله فی طریق ذکر الخفی و انیس الطالبین سابق‌الذکر و عبدالرحمن جامی رساله‌ای دارد بعنوان سخنان خواجه پارسا .

ص ۲۲۱ ش ۶۴ : ابوبکر تاییادی ، از کرامات وی نوشته اند که در سال ۷۸۰ ملک غیاث‌الدین پیر علی کورت شهر بندنوهرات را می‌ساخت . وی پیغام داد که بدین دیوار بالای خدایان نگاه نتوانی داشت مردم را زحمت مده او پاسخ داد که ائمه را با کار ملک چه کار ؟ وی خشمگین شد و ازهرات رفت و گفت ملک را عزل کردند و ملک وی را بترکی که درپایش عیبی هست دادند و بزودی تیمور سلطنت خاندانش را منقرض کرد . پادشاهان کورت و تیموری بوی بسیار احترام می‌کرده‌اند . رحلتش را بجای روز آدینه روز پنجشنبه هم ضبط کرده‌اند اما سلخ محرم ۷۹۱ روز آدینه بوده است .



بر صحیفه ۲۲۵ بر شاعران قرن هشتم این چند تن را باید افزود :

(۹۸) **صاحب دیباکاری**؛ از شاعران دربار ملوک شبانکاره بوده و منظومه‌ای به بحر متقارب در تاریخ شاهان این سلسله بنام دفتر دلگشای سروده که در اردی بهشت ۷۲۰ بپایان رسانیده و پیدا است که شاعر زبردستی بوده است و این منظومه در حدود یازده هزار شعر دارد و تا وقایع سلطنت شاه مظفر شبانکاره می‌رسد .

(۹۹) **صدرالدین موسی**، پسر شیخ صفی‌الدین اردبیلی در روز عید فطر سال ۷۰۴ ولادت یافت و پس از مرگ پدر جانشین او شد و حظیره پدر را در اردبیل ساخت و ده سال مشغول ساختمان آن بود و در ۵۹ سالگی در ۷۹۴ در گذشت و غزل می‌سرود .

(۱۰۰) **خواجه علاءالدین محمد بن محمد بخاری**، معروف بعلاءالدین عطار، در بخارا ولادت یافت و از کودکی در حلقه اصحاب بهاءالدین نقشبند در آمد و سپس از خلفای او شد و بیشتر در سرزمین چغانیان می‌زیست و در شب چهارشنبه ۴ رجب ۸۰۲ در گذشت . مزارش اکنون در خاک تاجیکستان در ۱۲ کیلومتری جنوب شهر ده نوست که تا دوشنبه پای تخت تاجیکستان نزدیک ۳۰۰ کیلومتر فاصله دارد و زیارتگاهست . از وی اشعار خوبی مانده است . وی پسری دانتته است بنام کمال‌الدین حسن که در ۸۲۷ که از شیراز به بههان بسفر حج می‌رفته در راه در گذشته است .

(۱۰۱) **شرف‌الدین یعقوب قاضی یزدی**؛ از معاریف شهر یزد بوده و شعر تازی و پارسی می‌گفته و شرف تخلص می‌کرده و پسری بنام مجدالدین فضل‌الله داشته است .

(۱۰۲) **امیر شمس‌الدین محمد بن امیر جلال‌الدین خضر شاه بن امیر قطب‌الدین مسعود یزدی** ، از خاندانی معروف از اعیان یزد . پسرش قطب‌الدین خضر شاه و برادرزاده اش قطب‌الدین مسعود نیز از ارای یزد بوده‌اند و خود شاعر توانایی بشمار می‌رفته است .

(۱۰۳) **معین‌الدین جمال‌الاسلام محتسب یزدی**، نیز از مشاهیر آن شهر و

شاعر بوده و تا سال ۷۱۹ می زیسته است

(۱۰۴) **شرف الدین حضر یزدی** ؛ از مشایخ نامی یزد بود و پادشاهان آل مظفر وی را گرامی می داشتند و در ۷۵۵ خانقاهی در یزد ساخته و در ۷۶۰ در گذشته است . پسرش ظهیرالدین محمد نیز مردی دانشمند و زاهد بوده و شرح پنابیع را تا آداب قضا نوشته و او را نیز در کنار پدر در محله بین الدارین بخاک سپرده اند . شرف الدین شاعر زبردستی بوده است .

(۱۰۵) **غیاث الدین همتی بلخی** ؛ از منشیان و شاعران زمان خود بوده است .
 (۱۰۶) **محمد و دثاه بن علاء الدین حسن کنگوی بهمینی** ؛ از پادشاهان سلسله بهمینی دکن که از ۷۸۰ تا ۲۱ رجب ۷۹۹ پادشاهی کرده ، مرد بسیار مہذب بوده چنانکه نوشتند در شادی و غم خودداری می کرده و در سراسر زندگی جز بایک زن معاشرت نداشته و در ضمن مردی دانشمند بود و قرآن را از برداشت و خط را خوب می نوشت و از علوم متداول آگاه بود و فارسی و عربی را خوب می دانست و بسیار شاعر نواز بود در زمان وی شعرای عرب و ایران بدر بارش می رفتند و از بخشش او برخوردار می شدند چنانکه حافظ را دعوت کرد و یک تن از شاعران ایران که بدکن رفته بود قصیده ای بتوسط میر فیض الله انجو که منصب صدارت وی را داشت فرستاد و وی در مجلس اول یک هزار تنگ طلا که عبارت از هزار توله پول آن روز هند باشد باوداد و او بایران بازگشت . وی غزل را استادانه می سروده است .

(۱۰۷) **ملک ضیاء الدین مشهدی** ، از امرای دربار سلطان فیروزشاه تغلقشاهی در هند و شاعر توانایی بوده و تا ۷۶۰ می زیسته است .

(۱۰۸) **اعزاز الدین خالدخانی** ؛ نیز از شاعران آن روزگار بوده و کتابی در حکمت طبیعی و شگون و مقالات بنظم آورده که دلایل فیروزشاهی نام گذاشته است و شامل اقسام حکمت علمی و عملی بوده است .

(۱۰۹) **سلطان محمد بن تغلقشاه** ، معروف بسطان محمد چونه از پادشاهان نامی هند از سلسله تغلقی بوده و در ربیع الاول ۷۲۵ پادشاهی نشسته و در محرم ۷۵۲

در کنار رود سند نزدیک شهر تته در گذشته است. وی پادشاه داد گستر نیکو سیرتی و مردی دانشمند بوده و بذله گوی و سخن سرای بشمار می رفته و شعر فارسی را استادانه می سروده و شاعران نامی آن زمان از آن جمله خسرو دهلوی و بدرالدین چاچی در دربار وی بوده اند و از بخشش هایش بر خودار شده اند و ضیاءالدین برنی مورخ معروف هند نیز در دربار وی بوده است.

(۹۱۰) عارف اردبیلی، از شاعران نامی آذربایجان، نخست در دربار سلطان اویس جلایر بوده و سپس بدعوت شروانشاه کیکاوس بن کیقباد (۷۴۵-۷۷۴) بشروان رفته و آموزگار پسر وی شده و در آنجا مثنوی فرهاد نامه را بوزن خسرو و شیرین نظامی سروده و در آخر تابستان ۷۷۱ پایان رسانده است.

(۹۱۱) سیدعلاء الدین خراسانی؛ ساکن هند و از مریدان نظام الدین اولیا و شاعر بوده است.

(۹۱۲) شهابی، از شاعران قرن هشتم بوده و یک مثنوی در اخلاق بنام عروۃ الوثقی از او مانده که بوزن خسرو و شیرین نظامی در ۷۵۹ شامل پنجهزار بیت پایان رسانیده و در هند می زیسته است.

(۹۱۳) حاج جلال لارندی، از شاعران قصیده سرای این دوره بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست.

(۹۱۴) شیخ ضیاءالدین آهریزی، از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و در چرنداب مدفون بوده و از ورباعی مانده است.

(۹۱۵) ابو محمد شمس الدین عبدالله بننجیری؛ از خاندان معروف سادات آل بنجیر در شیراز و از مشایخ نامی زمان خود بوده است. چنانکه در احوال حافظ گذشت وی را از مریدان او دانسته اند و نیز قوام الدین ابواسحق که ذکرش پس ازین خواهد آمد و شیخ زین الدین علی کلاه را که نیز پس ازین مذکور خواهد شد از مریدان او شمرده اند و امیر مبارز الدین محمد بن مظفر نیز مرید او بوده و شعر عربی و فارسی را نیکومی سروده است.

(۱۱۹) قوام‌الدین ابواسحق بن ابوطاهر بن ابوالاعالی بنجیری ، از همان خاندان آل پنجیر و از شاگردان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۶۴ در گذشته و مردی دانشمند بوده و حافظ کشف کشاف را نزد او درس خوانده و شاعر نیز بوده و قوام تخلص می کرده است .

(۱۱۷) شیخ زین‌الدین علی کلاه‌شیرازی ؛ از دانشمندان نامی شیراز بوده و چون در شیراز رنگ سیاه را کلاه می گفته‌اند و وی دستار سیاه بر سر می گذاشته این لقب را باو داده بودند. وی از مریدان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۸۰ در گذشته و در مراتب اسماء و تسخیرات در زمان خود یگانه بوده و کارهای شگرف از وحاکایت کرده‌اند و در شعر نیز دست داشته است .

(۱۱۸) شهاب‌الدین مظفر بن ابی ذرقبزدانی خوافی معروف بمظفر خوافی ، از دانشمندان و حکمای زمان خود بوده و از شاعران نامی بشمار می رفته و در ربیع‌الثانی ۷۸۱ در گذشته و در دم مرگ اشعار خود را که شامل قصاید و رباعیات بوده شسته و از میان برده است .

(۱۱۹) جلال‌الدین محمود زنگی عجم قلندر کرمانی ، از دانشمندان و مشایخ محتشم زمان خود بوده و باو شیخ‌المشایخ می گفته‌اند و در نزد تیمور مقرب بوده و در یکی از سفرهای وی که با اردوی او همراه بوده در ۸۰۶ در گذشته است . وی شاعر توانایی بوده و دیوان اشعار خود را فراهم کرده بود و یک مثنوی در باره برخی از وقایع تاریخ تیمور سروده است .

(۱۲۰) پهلوان محمود قتالی خوارزمی معروف بیوربای ولی ؛ شهرت وی را بخط پوریار نوشته و برخی بوریار ولی را نام پدرش دانسته‌اند اما پیدا است که این کلمه در اصل پوربای بوده و بای همان کلمه بیگ در زبان ترکی تر کمانانست که سروسر کرده معنی می دهد . وی از عارفان معروف قرن هشتم بوده و ظاهراً در شهر خیوه می زیسته و در ضمن پهلوان نامداری بوده و هنوز ورزشکاران ایران نام او را بر زبان می رانند و ایشمارش را در زورخانهها می خوانند و در ۷۲۲ در گذشته و قبرش در شهر خیوه یا خیوق هنوز زیارتگاه است . وی شاعر زبردستی بوده و در ۷۰۳ مثنوی

کنزالحقایق را پایان رسانیده است .

۱۴۱) **خواجه معین الدین محمد معینی جوینی**؛ نسب خود را بسنجر می‌رسانیده و از دانشمندان صوفی مشرب بوده و در ۷۸۳ در گذشته و ظاهراً در شعر معینی تخلص می‌کرده است .

۱۴۲) **ابوالحسن**؛ از شاعران پیرو طریقهٔ حروفی بوده و در ۷۷۱ در نوزده سالگی در اصفهان بخدمت شاه فضل الله نعیمی حروفی رسیده و در ۸۰۲ جاودان نامهٔ وی را بنظم آورده است .

۱۴۳) **ابوالمحاسن محمد بن سعد بن محمد نخجوانی معروف بابن الساوجی**، خوشنویس و شاعر بوده و منظومه‌ای بنام درة المعانی سروده و نسخه‌ای از ترجمهٔ فارسی مسالك و ممالك تألیف ابواسحق ابراهیم اصطخری در دست است که در ۷۲۶ نوشته و بهمین جهت بخطای وی را مترجم آن کتاب دانسته‌اند .

۱۴۴) **معروف بغدادی**، از هنرمندان نامی زمان خود بوده و از خوشنویسان زبردست بشمار می‌رفته و در ضمن در موسیقی استاد بوده و شعر را خوب می‌گفته است. نخست در بغداد می‌زیست . چون سلطان احمد بن اویس جلایر در ۷۸۴ بغداد را گرفت بخدمت او پیوست و وی که در موسیقی و خط و شعر دست داشت وی را بکتابت در دستگاه خود گماشت و چون مردی تند خوی بود معروف از بغداد باصفهان رفت و وارد دستگاه میرزا اسکندر گورکانی شد و کاتب او بود . نوشته‌اند که يك بار سه روز بکنایت نپرداخت و چون متعهد شده بود که روزی پانصد بیت بنویسد و میرزا اسکندر از او بازخواست کرد پذیرفت که کار سه روزه را در يك روز بکند . میرزا اسکندر دستور داد که در میدان اصفهان سایبان و بارگاه برپا کردند و او نشست و يك تن از شاگردانش قلم می‌تراشید و او می‌نوشت و تا نماز دیگر هزار و پانصد بیت در منتهای خوبی نوشته بود . در سال ۸۱۷ که شاهرخ باصفهان آمد و حکمرانی آنجا را به میرزا ابوالقاسم داد هنگام بازگشت بهرات معروف را با خود برد و درین سفر شمس الدین هروی خوشنویس معروف که استاد بایسنقر بوده

نزد وی شاگردی کرده است . نوشته‌اند که مردی بسیار قانع و بلند همت بوده است چنانکه يك بار بایسنغر مقداری کاغذ نزد او فرستاد که وی نسخه‌ای از خمسة نظامی برایش بنویسد و وی پس از چندی آن کاغذها را نانوخته پس فرستاد . سرانجام در سال ۸۳۰ که احمد لر از پیروان فضل‌الله حروفی شاهرخ را کاردزد چون با چندتن از دانشمندان معاشرت داشته و ایشان گرفتار شده‌اند معروف راهم دستگیر کردند و در قلعه اختیارالدین هرات او را زندانی کردند و اندک زمانی پس از آن در زندان در گذشت . معروف در حوالی سالهای ۷۸۰ و ۷۹۰ دو مجموعه از اشعار فارسی بخط خود برای سلطان احمد جلایر نوشته که سپس آنرا بمیرزا اسکندر داده و اینک در کتابخانه سلطنتی در طهرانست . مجموعه دوم را کنزاللالی نام گذاشته و این دو مجموعه شامل اشعار برگزیده بسیاری از شاعرانست از آن جمله چند تن از شاعران قرن هشتم اند و کسانی که نامشان در کتابهای رایج نیست بدین گونه‌اند : ابن بنا ، ابن منور ، ابن همگر (شاید مجد همگر بوده باشد) ، ابوالفراش ، ادیب کاشی ، امرء القیس ، بدیع‌الدین ، بدیع‌الزمان ، بهشتی آملی ، حسن شهرویه ، رفیع ابهری ، رفیع نسوی ، سحر آفرین ، سراج بلخی ، سعد بها ، شاه اسفرنگی ، شرف‌الدین مقبل ، صاحبی ، صدر بلخی ، صفی نیشاپوری ، عبدالعزیز ، عزشروانی ، فتح مستوفی ، سلطان محمود بخاری .

(۱۲۵) احمد بن محمد نخشی مسعود بیک بخاری ، از بزرگان متصوفه هندوستان ، نوشته‌اند که بشیرخان معروف بوده و از خویشاوندان فیروز شاه سلطان دهلی بوده و از جانب وی در بخارا حکمرانی داشته و بهمین جهت بخاری معروف شده است . پس از چندی انقلابی در نهاد وی رخ داده و دارایی خود را ترک کرده و از مریدان شیخ رکن‌الدین بن شهاب‌الدین امام از مشایخ زمان خود و وارد طریقه چشتی شده و بسیار مجذوب بوده و نوشته‌اند که سخنان مستانه می‌گفته است که برخی از آنها با شریعت سازگار نبوده است و بهمین جهت وی را در سال ۸۰۰ کشتند و در دهلی مدفون شد . وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و در شعر

مسعود تخلص می کرده و دیوان قصاید و غزلیات و رباعیاتش معروفست و بیشتر قصایدی در مدح مرشد خود دارد. دیگر از آثار وی در تصوف کتاب تمهیداتست که بتقلید از تمهیدات عین القضاة همدانی نوشته و دیگر کتاب مرآة العارفین که از مهم ترین کتابهای صوفیه هندست.

۱۳۶) سلطان احمد جلایر، از پادشاهان نامی خاندان جلایر، پس از مرگ پدرش سلطان اويس بن شیخ حسن نویان در ۱۱ صفر ۷۸۴ برابرش سلطان سلطان حسین قیام کرد و بر و مسلط شد و آذربایجان را گرفت و در تبریز او را کشت و در آنجا بتخت نشست سپس بغداد را از کار گزاران شاه شجاع آل مظفر گرفت و آن شهر را پای تخت خود کرد و عراق و فارس نیز خراج گزار او شد و از ۷۸۴ تا ۷۸۸ بر آذربایجان و بین النهرین و عراق استیلا داشت. در ۷۹۵ تیمور آذربایجان را ازو گرفت و او در برابر سپاهیان تیمور بمصر گریخت و تا سال ۸۰۷ در آنجا بود و پس از مرگ تیمور دوباره از مصر بعراق آمد و با تیموریان در افتاد و تا ۸۱۳ در آنجا مشغول تاخت و تاز بود تا آنکه در روز آدینه ۲۸ ربیع الثانی ۸۱۳ در دو فرسنگی تبریز در جنگ باقرا یوسف شکست خورد و در مجرای آب باغی پنهان شد و همان روز او را یافتند و کشتند. وی مرد بخشنده و شعر دوست و هنر پرور بوده و عبدالقادر گوینده موسیقی دان معروف و معروف بغدادی خوشنویس در درباره او بوده اند و حافظ وی را مدح کرده و خود نیز شعر را نیکومی سروده است.

۱۳۷) سید محمد بن علی همدانی، پسر میر سید علی همدانی عارف مشهور بود. ظاهرا پس از مرگ پدر و نوشته اند در ۲۲ سالگی باششصد تن در زمان سلطان سکندر بن قطب الدین بکشمیر رفته و این پادشاه مرید وی شده و بسنت نام وزیر و سپهسالارش بدست وی اسلام آورده و ۱۲ سال در آنجا مانده و در ۷۹۷ سلطان سکندر خانقاهی برای وی ساخته که در سال ۸۰۰ تمام شده و چند دهکده وقف بر آن کرده است. سپس بحج رفت و در بازگشت در گولاب در گذشت. وی نیز مانند پدر نویسنده و شاعر بوده و رساله ای در تصوف و شرح شمسیه از منطق ازو مانده است.

قرن نهم

ص ۲۳۷ ش ۱۲ : حافظ ابرو، در گذشت وی در روز یکشنبه ۴ شوال ۸۳۸ هنگام بازگشت شاهرخ از آذربایجان در سرجم در خاک زنجان روی داده و پیکرش را در زنجان نزدیک مزار ابوالفرج زنجانى بجاك سپرده اند . مجموعه تاریخی خود را مجمع التواریخ سلطانی نام گذاشته و قسم اول زبدة التواریخ را در ۶ محرم ۸۲۹ پایان رسانیده است .

ص ۲۳۸ ش ۱۵ : فصیح خوانی، نسب خود را چنین آورده است: فصیح الدین احمد بن جلال الدین محمد بن نصیر الدین یحیی بن علاء الدین محمد بن ظهیر الدین ابوالقاسم محمد بن جلال الدین محمد بن نصیر الدین ابوالقاسم بن ظهیر الدین محمد ابن ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد بن ابوالقاسم بن جلال الدین محمد بن احمد بن ابونصر علی بن محمد بن علاء الدین عیسی بن ابوبکر بن ابوالقاسم احمد ابن محمد بن قتیبة بن ابوامامه صدی عجلان بن وهب باهلی . از ۸۰۷ تا ۸۱۲ از کار گزاران دربار تیموریان بوده و چندی زندانی شده و سفرهای چند کرده است . روز پنجشنبه غره جمادی الاولى ۷۷۷ در هرات ولادت یافته است .

ص ۲۴۲ ش ۲۳ : فیض الله صدر جهان، نسبت او را گاهی بنیانی و گاهی بنیانی نوشته اند ، شاید در اصل بلیانی بوده باشد که بدین گونه تحریف کرده اند . تاریخ خود را در زمان همان محمود شاه پادشاه گجرات که بمحمود شاه بیگاره معروف بوده نوشته است .

ص ۲۴۳ ش ۲۹ : اصیل الدین واعظ : در زمان ابوسعید گورکان (۸۵۵-۸۷۳) از شیراز بهرات رفته است . تاریخ در گذشتش را در جمادی الاخره ۸۸۳ نیز نوشته اند و پس از مرگش پادشاه سیورغالهای وی را بفرزندانش بخشیده است . کتاب مقصد الاقبال را برای ابوسعید گورکان نوشته و کتاب دیگری در مزارات هرات دارد و دیگر ازه و لقات او شرح شفای قاضی عیاض را باید دانست .

ص ۲۴۴ ش ۲۹ : جمالی اردستانی ، مصباح الارواح را در ۲۰ صفر ۸۶۸ پایان

رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : مشکوة المحیین ، استقامت نامه ، نور اعلی نور ، ناظر و منظور .

ص ۲۴۵ ش ۳۵ : ملاحسین کاشفی ، در گذشت وی را در ۹۰۶ ضبط کرده اند و این درست نیست .

ص ۲۴۸ ش ۳۷ : شرف الدین علی یزدی ، نام و نسبش را شرف الدین علی ابن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین رضی نیز نوشته اند ، از خاندان معروفی بوده ، برادرش مجدالدین حسن در گذشته در ۷۸۷ و پسران او ضیاء الدین محمد و شمس الدین ابوبکر و از بازماندگان مجدالدین حسن شاه معز الدین محمد رضی و میرزا مجدالدین حسن که در قرن یازدهم می زیسته اند در تاریخ معروفند . وی در طریقت مرید سلطان حسین اخلاطی بوده و دیگر از مؤلفات وی بجز دیوان اشعارش کتاب موطن را باید دانست .

ص ۲۵۱ ش ۴۲ : فضل الله بن روز بهان ، شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی را در ۹۱۸ نوشته اند .

ص ۲۵۳ ش ۴۶ : جعفری یزدی ، نام و نسب او بدین گونه است : سید جلال الدین جعفر بن محمد بن حسن متخلص بجعفری از سادات حسینی یزدی ، تاریخ یزد را در حدود ۸۵۰ بنام ضیاء الدین مسعود وزیر شاهرخ تألیف کرده و در ۸۴۵ بتألیف تاریخ کبیر آغاز کرده و در ۸۵۰ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات او تاریخ واسط تا حوادث سال ۸۱۷ می رسد و وی شاعر هم بوده است .

ص ۲۶۳ ش ۵۱ : ادریس بدلیسی ، دیگر از مؤلفات او کتابیست بنام مرآة الجمال .

ص ۲۵۵ ش ۵۸ : عبدالغفور لاری ، لقب او را رضی الدین هم ضبط کرده اند و از بازماندگان سعد عباده از اصحاب رسول بوده است . در خاتمه حاشیه تفحات الانس شرح حال مفصل و دقیقی از جامی دارد .

ص ۲۵۶ ش ۶۱ : نجم الدین طارمی ، تذکره اوصاف خواجه محمد کججانی

تالیف محمدحسن پلاسی شیرازی را نیز بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۲۵۸ ش ۷۹ : شرف الدین منیری ، بلقب شرف جهان معروف بوده و در منیر (بکسر میم و سکون نون و فتح یا) از توابع دهلی ولادت یافته ، مکاتیب خود را بیشتر به حاج رکن الدین نام از مریدان خود نوشته و بهمین جهت آنرا فواید رکنی نام گذاشته و دیگر از تألیفات اوست ارشاد السالکین و شرح آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی .

ص ۲۵۹ ش ۸۰ : محمود قاوان ، نوشته اند در ۸۰۸ در روستای قاوان یا کلوان در گیلان ولادت یافته و بهمین جهت بمحمود قاوان معروف شده بود . پدرانش وزیران پادشاهان گیلان بوده اند و یکی ازیشان در رشت پادشاهی کرده و بدست شاه طهماسب سلطنت او منقرض شده است . چون مادرش از خاندان مشایخ گیلان بود و وی را در خطر می دید او را بسفر و ادار کرد و درین میان در عراق و خراسان وزارت را بوی پیشنهاد کردند نپذیرفت . در ۴۳ سالگی بعزم بازرگانی سفر هندوستان کرد و از راه دریا وارد بندر دابل شد و از آنجا بدکن رفت و سپس برای دیدار شاه محب الله و مشایخ دیگر آن زمان و برای تجارت با احمدآباد بیدر رفت و خواست بدیدار مشایخ دهلی برود علاء الدین احمد بهمینی پادشاه دکن نگذاشت و همایون شاه باو لقب ملک التجار داد . سپس وزیر شمس الدین ابوالمظفر محمدشاه بهمینی (۸۶۷ - ۸۸۷ صفر) شد و مناصب دیگر یافت و ده هزار سوار مغول خدمتگزار وی بودند . سلطان حسین بایقرا سید کاظم نام را از هرات و از راه قندهار و لاهور نزد او بدکن فرستاد و او را دعوت کرد . محمدشاه اجازه بازگشت بایران را باو نداد و وی سید کاظم را با تحف و هدایای بسیار بخراسان برگرداند و نامه ای بسطان حسین نوشت و ازو عنبر خواست . سید کاظم در بازگشت از راه دریا بفارس رفت و در شیراز ماند و در آنجا در گذشت و آن هدایا بمقصد نرسید . سرانجام در ۵ صفر ۸۸۶ در ۷۸ سالگی کشته شد . ملا عبدالکریم همدانی مؤلف تاریخ محمودشاهی که شاعر نیز بوده و از شاگردان و مریدانش بشمار می رفته کتابی در احوال او نوشته است .

مرد دانشمندی بوده و در علوم نقلی و عقلی مخصوصاً در ریاضی و طب و حساب و نظم و نثر فارسی دست داشته و دیوان اشعار و کتاب روضة الافشای تألیف خود را برای دانشمندان عراق و خراسان هدیه فرستاده و جامی با او مکاتبه داشته و قصیده‌ای در ستایش وی سروده است. در ضمن مرد نیکوکاری بوده و درد کن آبادی بسیار کرده از آن جمله در شهر احمدآباد پیدر دو سال پیش از کشته شدن خود مدرسه‌ای با مسجد و بازار بزرگ و چهارطاقی ساخته که تا اوایل قرن یازدهم باقی مانده است. ص ۲۵۹ ش ۸۱: عبدالله مروارید، تاریخ درگذشت وی را در ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۸ نیز نوشته‌اند و این درست نیست. کتابی هم در صنعت انشا نوشته است و منشآت او رساله شرفیه نام دارد.

ص ۲۶۱ ش ۹۳: صاعد بن علی گرگانی، کتاب مسالك ممالك يا عجایب البلدان او بیشتر متکیست بر کتاب مسالك والممالك ابن خرداذبه.

ص ۲۴۱ ش ۹۴: عبدالقادر مراغی، لقب وی راهم کمال‌الدین و هم نظام‌الدین و کنیه اش را ابوالفضایل نوشته‌اند. نام پدرش راهم غنی و هم عینی و هم غیبی ضبط کرده‌اند اما در نسخه‌ای از کتاب مقاصد الاحیان که بخط خود در ۱۲ رمضان ۸۲۱ نوشته و در کتابخانه آستان رضویست نام خود را عبدالقادر بن غیبی الحافظ المراغی و نام پدرش را آنکارا غیبی نوشته است. در ۲۰ ذی‌قعدة ۷۵۴ متولد شده، در ۴ سالگی بمکتب رفته و در ۸ سالگی حافظ قرآن شده و در ۱۰ سالگی از فرا گرفتن صرف و نحو و معانی و بیان فراغت یافته است. نخست در دربار شیخ اویس جالیز (۷۵۷-۷۷۶) بوده و سپس ملازم سلطان احمد شده و درین مدت در تبریز و بغداد می‌زیسته. در ۷۹۵ تیمور او را از بغداد بسمرقند برد و سپس در آن شهر در دستگاه میرانشاه و شاهرخ بوده و در ۸۳۷ در هرات از بیماری و با درگذشته و این که برخی تاریخ درگذشتن را در ۸۳۸ نوشته‌اند درست نیست. جامع الاحیان را برای پسرش نورالدین عبدالرحمن نوشته و مقاصد الاحیان را در پنجشنبه ۱۲ رمضان ۸۲۱ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست: لحنیه و کنز الاحیان و شعر فارسی و ترکی می‌گفته و

عبدالقادری تخلص می کرده است .

ص ۲۶۳ ش ۱۱۲ : عبیدالله احرار، نسب او عبیدالله بن محمود بن شهاب الدین بوده است . در رمضان ۸۰۶ در روستای باغستان از توابع تاشکند ولادت یافت . پدرش نیز از مشایخ تصوف بود. نخست در شهر شاش می زیست و سفرهایی بسمرقند و بخارا کرد و مرید و خلیفه بهاءالدین نقشبند شد . در شب شنبه سلخ ربیع الاول ۸۹۵ در گذشت . وی را در خانقاهی که در شهر سمرقند داشت بخاک سپردند و بازماندگانش نیز در آنجا مدفونند و آخرین کس که از ایشان در آنجا بخاک رفته نیازخواجه در گذشته در ۱۲۲۹ است و ایشان فرزندان خواجه محمد یحیی پسروی بوده اند . گذشته از سلسله العارفین که محمد بن برهان الدین معروف بمحمد قاضی در سیرت او نوشته عبدالحمی بن ابوالفتح حسینی نیز که از مریدانش بوده رساله ای در مناقب او و اعقابش تألیف کرده است . دیگر از مؤلفات وی انفاس نفیسه و فقرات الخطیره یا فقرات و مجموعه مکاتبات و افادات را باید دانست .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۷ : زین الدین خوافی، نام و نسب وی ابوبکر بن محمد بوده و در خواف در ۷۵۷ ولادت یافته و نیز از مریدان تاج الدین حسن شمشیری بوده است . در ۸۱۲ قطب الدین علی بن ملک محمود و شاه محمود پادشاهان سیستان وی را بشفاعت بدربار تیمور فرستادند و شفاعت او کارگر شد و در ۸۱۵ قطب الدین علی ابن ملک محمود بشفاعت او از سیستان بهرات رفت . در عید گاه هرات در گذشت . دیگر از مؤلفات اوست : وصایا القدسیه و تقریرات و رسایل و وصیه العارفین بزبان تازی .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۸ : یعقوب چرخچی، نسب او را سروری هم نوشته اند . قبر وی اینک در کالخور لنین دره کیلومتری دوشنبه پایتخت تاجیکستان در وادی چغانیان در جایستی که سابقاً شهر حصارشادمان در آنجا بوده و بعد بحصارات معروف شده و اینک اثری از آن شهر نیست و تنها یک حمام و دو مزار از آن مانده است . قبر پسرش یوسف چرخچی که جانشین پدر شده تقریباً در ۴۰ کیلو متری دوشنبه است

درجایی که اینک بنام چرتک معروفست و ساختمانی بسبک قبر تیموردارد و در آنجا در کمر کوه خاتقاهی بسیار بزرگ کنده‌اند و اندرون آن چند حجره است .

ص ۲۶۵ ش ۱۱۹ : شهاب‌الدین زاوی ، دیگر از مؤلفات اوست حواشی بر تفسیر بیضاوی .

ص ۲۶۵ ش ۱۲۰ : جلال‌الدین دوانی ، شرح هیاکل النور او شواکل الحور نام دارد و آنرا در زاویه مظفریه تبریز هنگام عزیمت بدیار بکر در شب پنجشنبه ۱۱ شوال ۸۷۲ پایان رسانده است .

ص ۲۶۷ ش ۱۲۱ : میرحسین میبیدی ، دیگر از مؤلفات اوست شرح صد کلمه علی بن ابی طالب . وی شعر فارسی نیز می‌سروده است .

ص ۲۶۸ ش ۱۲۲ : عبدالؤمن بن صفی‌الدین ، لقب وی را ضیاء‌الدین و لقب جدش را بجای عزیزالدین عزالدین و نام کتابش را بهجة الروح نیز نوشته‌اند .
ص ۲۶۱ ش ۱۲۳ : غیاث‌الدین جمشید ، دیگر از مؤلفات اوست رسالته فی العمل با سهل آله من قبل النجوم .

ص ۲۷۲ ش ۱۴۴ : ابوالمحاسن گرگانی ، جلاءالاذهان او بنام تفسیر گازر نیز معروفست .

ص ۲۷۴ ش ۱۶۰ : صابن‌الدین ترکه ، نام و نسب او بدین گونه است :
صابن‌الدین ابومحمد علی بن افضل‌الدین محمد بن صدرالدین ابوحامد محمد ترکه ، رحلت وی را در دوشنبه ۴ ذیحجه یا ۱۴ ذیحجه ۸۳۵ نیز ضبط کرده‌اند .
۴ ذیحجه آن سال شنبه و ۱۴ سه‌شنبه بوده و ممکنست شب پیش از ۱۴ در گذشته باشد .
اسرار الصلوة را در پنجشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۸۲۱ و ضوع اللمعات را در ۱۵ پی‌ان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : شرح قواعد التوحید جدش صدرالدین ابوحامد محمد بنام تمهید القواعد و کتابی در علم حروف و مناظره عقل و عشق که در ۸۰۸ نوشته و رساله در تحقیق انا نقطه التي تحت الباء و رساله در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن و شرح گلشن راز و رساله در شوق القمر و منشآت .

ص ۲۸۳ ش ۱۸۶ : محمد بن برهان‌الدین از ۸۸۵ تا ۱۲ سال مرید عبیدالله
احرار بوده و پس از مرگ وی کتاب سلسله العارفين خود را نوشته است .
ص ۲۸۵ ش ۱۹۹ فخرالدین علی صفی ، از مریدان خواجه ناصر هروی
بوده است .



برصحیفه ۲۸۵ از نویسندگان قرن نهم این چندتن را باید افزود :
(۳۰۴) یارعلی شیرازی ، مؤلف شرحی برلمعات فخرالدین عراقی بنام
اللمعات فی شرح اللمعات .

(۳۰۴) رکن‌الدین یحیی بن محمد حسینی شیرازی ، از خاندان معروف
آل بنجیر سادات علوی شیراز مؤلف مقاله‌الابرار در احوال بزرگان خاندان خود
که تلخیصی از کتاب اخبارالاخیر تألیف ابوسلیمان محمد شیرازی مورخست .
(۳۰۵) رکن‌الدین محمد خوافی ، در گذشته در ۸۳۴ مؤلف تذکره الشعراء .
(۳۰۶) علی بن طیفور بسطامی ، ظاهراً از متصوفه قرن نهم بوده و کتاب
انوار التحقیق را فراهم کرد که تلخیص و مجموعه‌ای از رسایل مختلف عبدالله
انصاریست .

(۳۰۷) سید خلیل‌الله بن سید محمود زیارتگاهی هروی ، مؤلف شرح
جوهر الاسلام در عقاید از مولانا نظام‌الدین شریف هروی که در ۸۴۴ پایان
رسانده است .

(۳۰۸) ملا داود بیدری ، از مورخان هند مؤلف تحفة السلاطین در تاریخ
سلسله بهمنی دکن که بنام تاج‌الدین فیروزشاه بهمنی (۸۰۰ - ۸۲۰) نوشته است .
(۳۰۹) عبدالله بن محمد بن گیاه‌اندزانی ، که رساله فلکیه را در علم
سیاقت در حدود سال ۸۶۵ تألیف کرده است .

(۳۱۰) شرف‌الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی ، بجز شرف‌الدین علی
مورخ معروف و از دبیران زبردست زمان خود بوده و کتابی در فقه حنفی بنام شقایق

دقایق نعمانی نوشته و منشآت او نیز در دستت و برادرش قوام الدین محمد نیز شاعر بوده است .

(۴۱۱) امیر حسن بن منوچهر بن جمال الدین ابوظاهر بن عمار بن عمران بن موسی بن امام محمد تقی ، مؤلف منشور مبارک یا رساله انسانیه در انساب پادشاهان طبرستان که برای مرشد الدین شاه عبدالله معروف بسید میرزا و پسر او محمد برکت علاءالدوله نوۀ دختری سلطان حسین بایقرا نوشته است .

(۴۱۲) عبدالحی بن ابوالفتح حسینی ، از مریدان خواجه ناصر الدین عبیدالله احرار بوده و رساله‌ای در مناقب وی و خاندانش نوشته است و نیز کتاب سلسله‌عالیه را در همین زمینه تالیف کرده است .

(۴۱۳) تاج الدین محمد بن ابراهیم کازرونی ، از مشایخ متصوف زمان خود بوده و در ۹۰۱ در گذشته و کتابی در تصوف بنام بحر السعاده نوشته است .

(۴۱۴) شیخ الاسلام زکریا بن محمد انصاری ، وی نیز از مشایخ تصوف بوده و در ۸۹۳ در گذشته و شرحی بر رساله قشیریه بنام احکام الدلاله نوشته است .

(۴۱۵) عبدالرؤف هروی ، مؤلف رساله صید که برای بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین بایقرا فراهم کرده است .

(۴۱۶) قاسم علی قاینی ، از دانشمندان زمان خود بوده و رساله‌ای در اسطراب نوشته است .

(۴۱۷) قاضی شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن طاهر آجاد کانی طوسی ، مؤلف نسیم المقربین شرح منازل السائرین عبدالله انصاری که در ظهر پنجشنبه ۱۰ رمضان ۸۶۸ پایان رسانیده است .

(۴۱۸) احمد مدون بن محمد نیشابوری ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و با جامی معاشرت داشته و مؤلف کتابیست بنام آیه الایات الفرقانی در کشف الایات که در ۸۸۵ بتالیف آن آغاز کرده و در ۸۹۱ در هرات پایان رسانیده است .

(۴۱۹) جلال الدین یوسف جامی ، از دانشمندان معاصر شاهرخ مؤلف فواید غیائی شامل مکاتب تاریخی از آغاز اسلام تا زمان مؤلف .

- (۲۴۰) نورالدین عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغی ، پسر عبدالقادر مراغی موسیقی‌دان معروف که پدرش کتاب جامع الالحن را در ۸۱۶ برای او نوشته و او هم در موسیقی استاد بوده و در خاک عثمانی می‌زیسته و کتاب مقاصد الادوار را در موسیقی بنام بایزید آل عثمان (۸۸۶ - ۹۱۸) نوشته است .
- (۲۴۱) مولانا عبدالرحیم مشهدی ، مؤلف کتابی در جغرافیا بنام مسالك الممالك .
- (۲۴۲) خواجه عبدالشهید خاوند محمود بن خواجگی خضر بن عبیدالله احرار ، مافند پدران خود از مشایخ طریقه نقشبندی بوده و رساله‌ای در تصوف ازومانده است .
- (۲۴۳) میرعلی حسینی ، وی بجز میرعلی حسینی خوشنویس معروف قرن نهم بوده و مؤلف کتابیست در تصوف بنام ریاحین القلوب .
- (۲۴۴) علی بن محمد معروف بن نظام شامی ، وی نیز بجز نظام الدین عبدالواسع مورخ مشهور معروف بن نظام شامی و از متصوفه زمان خود بوده و مختصر منہاج العابدین در تصوف ازوست .
- (۲۴۵) امام الدین محمد بن ابوطالب تبریزی معروف به امام طبیب ، در ۷۳۳ ولادت یافته و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در هیئت وطب و ریاضیات دست داشته و مؤلفات چند ازومانده است از آن جمله کتاب الارشاد فی معرفة الاعداد بفارسی که بنام شیخ ابراهیم بن سلطان محمد بن کیقباد نوشته و شرح تلخیص محمود ابن محمد چغمینی که در ۷ جمادی الاخره ۸۲۴ در ۹۱ سالگی پایان رسانیده است .
- (۲۴۶) حکیم محمود بن محمد بن عبداللہ ، مؤلف تحفه خانی در طب که در ۹۰۲ تمام کرده است .
- (۲۴۷) برهان مسکین ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و مؤلفات چند ازومانده است از آن جمله کتاب ارشاد المسلمین شرح عقاید اهل الاسلام نجم الدین نسفی که در هرات در ۹۱۴ پایان رسانیده است و انیس الواعظین اربعین در احادیث رسول در دو دفتر یکی شرح احادیث و دیگر شرح آیات و روضه الاتقیاء فی ذکر

الاولیا و انیس العابدین در عبادات و سراج المتعلمین در نحو و اوراد الاوقات و کنوز الاعمال در ادعیه و اذکار و خلاصه الاوراد .

(۴۲۸) احمد بن محمد بن حسن معروف بخلیفه نیشابوری ، مؤلف ترجمه ملخص تاریخ نیشابور تألیف امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد ابن حمدویه بن نعیم بن حکم ضبی معروف بحاکم ابو عبدالله بن الیبیع مؤلف مستدرک و تاریخ نیشابور از اکابر علمای حدیث که در ۳۲۱ ولادت یافته در ۴۰۶ در ۸۵ سالگی در گذشته و کتاب تاریخ خود را نخست در رمضان ۳۸۹ پایان رسانیده و سپس در ۴۰۲ آنرا تکمیل کرده است و درین ترجمه حوادث سال ۸۳۲ را ضبط کرده است .

(۴۲۹) ابوالمکارم بن علاءالملک ، از بازماندگان احمد جام ژنده پیل که در ۸۴۰ کتابی در مقامات وی بنام خلاصه المقامات تألیف کرده است .

(۴۳۰) سیدیحیی بن بهاءالدین شروانی ، در شهر شماخی ولادت یافت و پدرش مردی مالدار بود و در جوانی خوش صورت بود ، روزی که با جوانان گوی بازی می کرد پیرزاده پسر شیخ حاج عزالدین خلوتی از مریدان شیخ صدرالدین خلوتی و از پیشوایان خلوتیان برو گذشت و چون او را پسندید دعوتش کرد و وی پذیرفت و وارد طریقه خلوتی شد که یکی از فروع نقشبندیان بوده است . سپس از شماخی بها کورفت و در آنجا ماند و بارشاد مردم پرداخت و نوشته اند نزدیک ده - هزارتن برو گرد آمدند و مریدش شدند و خلفای خود را باطراف فرستاد و در ۸۶۸ در باکو در گذشت . وی از بزرگان طریقه خلوتی بوده و در باکو مسجد و مدرسه و خانقاه داشته و خلفای معروف او مولانا یوسف مخدوم و قاضی ضیای شروانی و و شه قباد شروانی و عبدالمجید شروانی بوده اند . از مؤلفات چند هم مانده است مانند اسرار الطالبین و شفاء الاسرار و اسرار الوحی و شرح گلشن راز .

(۴۳۱) ابویزید عبدالرحمن بن محمد بن علی بسطامی ، از بررگان متصوفه زمان خود بوده و در ۸۵۸ در گذشته و کتابهای چند بفارسی و عربی در

تصوف نوشته است از آن جمله مناهج التوسل و شمس الافاق والادعیه و الفواتح المسکیه که در ۸۴۴ بیابان رسانده و ظاهراً شرح فتوحات المکیه ابن العربیست .
(۲۳۲) عبدالکریم همدانی ، در دکن می زیسته و مرید و شاگرد خواجه محمد قاوان دانشمند معروف این زمان بوده و کتابی در تاریخ دکن بنام تاریخ محمودی برای خواجه محمود نوشته و کتاب دیگری در احوال خواجه محمود پرداخته است .

(۲۳۳) سعدالدین کاشغری ، نخست جامه فروش بود، از بزرگان مشایخ نقشبندی در زمان خود و از مریدان نظام الدین خاموش در گذشته هنگام نماز آدینه چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۶۰ و مدفون در خیابان هرات بوده و بسیاری از متصوفه آن زمان از آن جمله عبدالرحمن جامی باو معتقد بوده اند و در هرات می زیسته است . در ۸۴۴ با گروهی از دانشمندان بحج رفته و هنگام نماز پیشین چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۷۰ در هرات در گذشته است. دودختر پسرش خواجه اکبر معروف بخواجه کلان یکی زن عبدالرحمن جامی و دیگری زن فخرالدین علی صفی پسر ملاحسین کاشفی بوده اند. اصحاب وی ملفوظات او را بنام تقریرات گرد آورده اند.

(۲۳۴) محمود پسیخانی ، از مردم پسیخان گیلان و نخست پیرو طریقه حروفی و از شاگردان فضل الله حروفی بود و فضل الله او را طرد کرد و در سال ۸۰۰ طریقه نقطوی را اعلان کرد . درباره اش اطلاع کامل نیست و بهمین اندازه معلومست که طریقه وی تا پایان قرن دهم در برخی از نواحی ایران رایج بوده و منتشرین آنرا کفر می دانسته اند و بسیاری از پیروانش را بهمین جرم کشته اند. معارف پیروان وی تشبیهی کاشانی و فیهمی کاشانی و حیاتی کاشانی و میرسید احمد کاشانی و درویش کمالی و سلیمان طبیب ساوجبی و ترابی و خسرو درویش و بذاق بیک استاجلو و یوسف ملحد معروف بترکش درز بوده که در سال ۱۰۰۰ که اختر شناسان قران نحسین را پیش بینی کرده و خطری متوجه شاه عباس می دانستند وی را برای فریب ستارگان بتخت نشانند و نام سلطنت باو دادند و پس از گذشتن قران وی را کشتند . این طریقه

در هندوستان نیز تا اندازه ای رواج یافته است . نوشته‌اند که محمود ۱۷ مجلد کتاب و هزار و یک رساله در نقطه و اعداد و بیان طریقه خود تألیف کرده است .

(۲۳۵) شیخ حسن بن ظاهر بهاری ، پدرش نیز مرد دانشمندی بود و برای کسب دانش از ملتان به بهار رفت و وی در آنجا تولد یافت و برای دانش آموختن بجانپور رفت و سپس بدعوت سکندر شاه لودی با گره و از آنجا بدلهلی رفت و در ۹۰۹ در گذشت . وی از متصوفه دانشمند زمان خود بوده و مؤلفاتی در تصوف و سلوک و توحید دارد از آن جمله کتاب مفتاح الفیض .

(۲۳۶) جلال الدین ابو محمد محمد بن نجم الدین محمد قاینی ، جدش شهاب الدین عبیدالله بن حسام الدین بن عماد الدین عمر بن کمال الدین صمصام بن شمس الدین محمد بن نجم الدین نسفی از بازماندگان نجم الدین نسفی دانشمند معروف و خود از فقهای زمان خود بوده و در روز سه شنبه ۱۰ ذی قعدة ۸۳۸ در گذشته و کتابی بفارسی بنام تبیان الکبایر در گناهان کبیره از او مانده است .
(۲۳۷) قوام ، از ادیبان این قرن بوده و در حدود سال ۸۷۸ مجموعه‌ای از منشیات دیران معروف قرن هشتم و نهم تدوین کرده است .

(۲۳۸) ابوالکریم بن علی اشکذری ، مؤلف تحفه نصرتی شامل قواعد و دستورانشا و ترسل که برای نصرة الدین شاه یحیی آل مظفر (۷۸۹ - ۷۹۵) تألیف کرده است .

(۲۳۹) نصرالله بن حسنعلی بن مجد الدین حسن نافجی ، از اصحاب فضل الله حروفی بوده و کتابی بنام خواب نامه نوشته که جزئیاتی از احوال فضل الله در آن هست .

(۲۴۰) ابوالیقین غیاث الدین محمد بن حسین بن محمد حسین خراسانی استرآبادی ، وی نیز از پیروان طریقه حروفی بوده و کتابی در عقاید حروفیان بنام استوانه پس از رمضان ۸۴۶ نوشته است .



درباره شاعران قرن نهم این مطالب را باید افزود :

ص ۲۹۱ ش ۵ : قاسم انوار، در ۲۳ ربیع الثانی ۸۲۹ که شاهرخ روز آدینه پس از نماز از جامع هرات بیرون می آمد احمد لار که از مریدان فضل الله استرآبادی حروفی بود او را کارد زد و وی را در همان حال کشتند و در ضمن قاسم انوار را با وی همدست دانستند و از هرات بیرون کردند و با امیر مخدوم نیشابوری نیز همین معامله را کردند.

ص ۲۹۳ ش ۷ : آذری طوسی، در جوانی در مشهد جلب توجه الغ بیک گورکان را کرده و از انعام او بهره مند شده و سپس از اسفراین بسفر حجاز رفته و حج اکبر کرده و از آنجا به بند رفته و در ۸۳۲ ملازم دربار احمد شاه بهمنی (۸۲۰-۲۸ رجب ۸۳۸) شده و از وی بسیار متنعم گشته و منصب ملک الشعرائی دربار را باو داده اند . پس از چندی آرزوی وطن کرده و اجازه بازگشت بایران را خواسته است . درین زمان بدستور احمد شاه بنظم بهمن نامه آغاز کرده بود و آنچه را که سروده بود برای او خواند . احمد شاه گفت از مرگ سید محمد گیسو دراز دلگیرم و نمی توانم دوری ترا نیز تحمل کنم . وی ناچار فرزندان خود را از خراسان بدکن خواست . اما با اجازه بازگشت خواست و شاه او را نزد خود خواند و دستور داد چهل هزار تنگه سفید که هر تنگه يك توله نقره بوده است باو داده اند . چون آذری آن تنگه ها را دید گفت : « لا یحمل عطایا کم الامطایا کم » . شاه خندید و گفت بیست هزار تنگه هم خرج راه باو بدهند و در همان مجلس خلعت خاص باو داد و پنج غلام هندی باو بخشید و باو اجازه رفتن داد . وی دردم رفتن عهد کرد که تا زنده است از اتمام بهمن نامه غافل نباشد و تا زنده بود در خراسان اشعاری بر آن می افزود و هر سال هر چه گفته بود بدکن می فرستاد و با این همه ناتمام ماند و تا داستان سلطان همایون شاه بهمنی از آذریست و قسمت های بعد را نظیری و سامعی و شاعران دیگر تا پایان دولت بهمنی سروده اند و برخی ازیشان خطبه آن کتاب را تغییر داده و اشعار آذری را هم بنام خود کرده اند . آذری در زادگاه خود آبادی بسیار کرده و بقاع و رباط های چند ساخته است .

ص ۲۹۶ ش ۱۲ : خواجه عصمت‌الله بخاری ، دیوانش را خود در ۸۱۵
گرد آورده است

ص ۲۹۹ ش ۲۰ : سیمی نیشابوری ، درباره هنرش در نویسندگی و شاعری
آورده اند که روزی در میدان‌ی که جمع بسیاری گرد آمده بودند دو هزار بیت بدیبه
گفت و نوشت و در روز یکشنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۸۲۴ صد و بیست مکتوب بلیغ نوشت
که هر يك ده سطر داشت. سپس روز چهارشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی ۸۲۵ در حضور جمع از
بر آمدن تا فرورفتن آفتاب چهار حکایت در چهار ورق بزرگ در چهار بحر خمسة
نظامی روی هم رفته دو هزار بیت در کمال سلاست سرود و بخط نسخ تعلیق خوب
نوشت در حالی که سازندگان و خوانندگان و تقارح‌چیان معر که را گرم کرده بودند
و در ضمن نماز پیشین و پسین راهم بشرايط خواند. نیز نوشته‌اند که بسیار پر خوار
بوده چنانکه روزی دو حریف با يك دیگر شرط بسته بودند که بیست من خرما را
می‌توان خورد یا نه. بیست من خرما نزد او بردند و وی با آن که بیمار و بستری بود
دست از زیر لحاف بیرون آورد و همه را خورد. سپس پرسید شما با هسته شرط بسته
بودید یا بی هسته؟ گفتند خرما را کسی با هسته نمی‌خورد. گفت من با هسته خوردم
که با يك دیگر نزاع نکنید .

ص ۳۰۲ ش ۲۹ : ابن حسام خوافی ، خاوران‌نامه شامل بیست و دو هزار
بیتست .

ص ۳۰۹ ش ۱۵ : درویش اشرف ، کتابهای نظم او بقرکی و فارسیت و
خمسه او بزبان ترکیست و خسرو و شیرین او ریاض‌العاشقین نام دارد .

ص ۳۱۱ ش ۵۴ : شاه داعی شیرازی ، نسایم گلشن را که شرح گلشن‌راز
باشد نسایم‌الاسحار نام گذاشته است. مثنوی چهار چشمه زندگانی بنام چشمه زندگانی
نیز معروفست ، شرح مثنوی را بدرخواست یکی از مریدان خود سید ابوالوفا
نوشته است . دیگر از آثار اوست : رساله‌الشدد متعلقة بالعدد ، رساله فی‌المحبه .

ص ۳۱۲ ش ۵۶ : فضل‌الله جمالی دهلوی ، رجوع کنید بآنچه در صحایف

- ۴۰۴ و ۴۰۵ آمده است و آنچه درباره شاعران قرن دهم در تکمله خواهد آمد.
- ص ۳۱۳ ش ۵۹ : نظام الدین استرابادی ، دختری داشته که شعر را خوب می سروده و قطعه ای در مرثیه او گفته که بر سنک قبرش کنده اند .
- ص ۳۱۷ ش ۶۸ : الف ابدال بلخی ، تازمان شاه طهماسب می زیسته است .
- ص ۳۱۷ ش ۷۰ : حیدر کلیچه پز ، نامش را حیدر کلوج هم ضبط کرده اند .
- ص ۳۱۸ ش ۷۱ : ضیایی اردوبادی ، برخی او را اردبیلی دانسته اند . در خراسان مداح غریب میرزا بوده است و پس از ضعف گورکایان با آذربایجان بازگشته و در ۹۰۲ قصیده ای در جلوس احمد بیک بن اغورلو محمد بن حسن پادشاه سروده و در تبریز در گذشته و در آنجا بخاک رفته است .
- ص ۳۱۸ ش ۷۲ : حسامی قراکولی ، شست سال بقناعت روزگار گذرانده و درین مدت تنها دو کپنک داشته است . محمدخان شیبانی باو احترام بسیار کرده و هنگام لشکر کشی بخراسان بدینار وی رفته اما او بوی اعتنا نکرده و هم چنان مشغول وصله دوختن بکپنک خود بوده است .
- ص ۳۱۸ ش ۷۴ : محیی لاری ، از شاعران دربار سلطان یعقوب بوده و تازمان شاه طهماسب می زیسته و بزیاارت حرمین رفته و مثنوی فتوح الحرمین را درین سفر برون مخزن الاسرار نظامی بنام سلطان مظفر بن محمود شاه سروده و نیز شرحی بر قصیده نائیه ابن الفارض نوشته است .
- ص ۳۱۸ ش ۷۷ : سید محمد نوربخش ، جدش از مردم احسا و پدرش از مردم قطیف بوده اند . در زمان شاهرخ گرفتار شد و برادرش را کشتند . دیگر از مؤلفات اوست : رساله الهدی بزبان تازی ، مکارم الاخلاق ، کتاب الاعتقاد بزبان تازی و معراجیه . معاش السالکین او بنام رساله المعاش نیز معروفست .
- ص ۳۲۱ ش ۸۵ : ابوالوقا خوارزمی ، از مریدان شیخ ابوالفتح پسر بهاء الدین نقشبند و در ضمن از مشایخ سلسله کبروی بوده و از بس خوی خوش داشته و را فرشته روی زمین لقب داده بودند . کمال الدین حسین خوارزمی عارف مشهور شاگرد وی بوده و یکی از مؤلفات او رساله کنز الجواهرست .

ص ۳۲۲ ش ۸۹ : شیخ زاده لاهیجی ، پدرش میرشمس الدین محمد لاهیجی متخلص باسیری بوده است . در شیراز دانش آموخته و در لاهیجان می زیسته است . رحلتش را بجای ۹۲۷ در جای دیگر ۹۲۷ ضبط کرده اند و این درست نیست زیرا که پدرش در ۹۱۲ در گذشته و اگر در ۹۷۷ رحلت کرده باشد ۶۵ سال پس از پدر زنده بوده است و این دشوار می نماید و اگر در ۹۲۷ در گذشته باشد ۱۵ سال پس از رحلت کرده است . وی شرحی بر گلشن راز نوشته است .

ص ۳۳۰ ش ۱۳۳ : میراسلام غزالی ، نام وی را شیخ الاسلام برهان الدین میراسلام غزالی ضبط کرده اند و وی بجز غزالی مشهدی شاعر معروف قرن دهم بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست که تا ۸۴۴ زنده بوده است .

ص ۳۳۰ ش ۱۳۷ : سید کاظمی ، نام وی را سید کاظم هروی نیز ضبط کرده اند . تحف و هدایایی که خواجه محمود قاوان بتوسط وی برای سلطان حسین بایقرا فرستاده بود چون وی در راه در گذشت بمقصد نرسید و وی شهر آشوبی سروده است .

ص ۳۳۴ ش ۱۵۱ : مقصود تیرگر هروی ، در پایان زندگی در بخارامی زیست و نزدیک مسجد جامع بیکم خانه محقری داشت و در ۹۰ سالگی در گذشت و در همان شهر مدفون شد .

ص ۳۳۵ ش ۱۵۶ : نرگسی ابهری ، ابوالمکارم نام داشته و بمبرک معروف بوده و بیشتر در هرات می زیسته است . در پایان زندگی بقندهار رفته و در ۹۲۸ در ۶۰ سالگی در آنجا در گذشته و در مزار ایوب انصاری وی را بخاک سپرده اند . دیوان غزلیات از او مانده و یک مثنوی بتقلید مخزن الاسرار نظامی سروده که ناتمام مانده است .

ص ۳۳۵ ش ۱۵۸ : نسیمی شیرازی ، نام درست وی سید عمادالدین یانسیم الدین ابوسعید ، از مریدان نزدیک سید شاه فضل الله نعیمی حروفی بوده و در شیراز در خارج زرقان وی را بخاک سپرده اند و دیوانش روی هم رفته شامل سه هزار بیت است . برخی نوشته اند در ۸۲۱ در حباب او را کشته و پوستش را کنده اند .

ص ۳۳۷ ش ۱۶۲ : شهیدی قمی، درباره اش نوشته اند که پادشاه بوی اجازه داده بود بخزانه برود و هر چه زر می خواهد بردارد. وی ناتوانی خود را عند آورده بود و با این همه دو بار بخزانه رفت و هر بار همیانی که ۲۵ هزار من (۱) زر داشت گرفت و شاه که این داستان را شنید خندید و گفت حق داشته که خود را ناتوان می دانسته است.

ص ۳۳۹ ش ۱۷۶ : عبدالله شبستری، در اوایل سلطنت سلطان سلیمان آل عثمان در گذشته و دیگر ازمؤلفات اوست : دو حاشیه بر حواشی شرح تجرید سید شریف گرگانی و حاشیه شرح مطالع و حاشیه بر کافیه.

بر صحیفه ۳۴۲ و بر شاعران قرن نهم این چندتن را باید افزود :

۱۹۵) مغیث الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان، از پسران شاهرخ و از معارف شاهزادگان تیموری بوده، در ۸۱۲ ولادت یافته و چون پدرش در ۸۱۷ فارس را گرفته پس از چندی وی را بحکمرانی آن سرزمین فرستاده و سپس حکمرانی لرستان و نواحی مرکزی ایران را هم بوی داده و سرانجام در جوانی در ۸۳۸ در گذشته است. وی شاهزاده ای با ذوق و هنرمند و دانش دوست و بسیار کریم و بزرگوار بوده و در قلمرو خود مخصوصاً در فارس آبادانی بسیار کرده و ساختمانهای مجللی از وی مانده و در برخی از آنها کتیبه هایی بخط نسخ بسیار زیبای او هست و در پرورش دانشمندان و شاعران و فراهم کردن نسخه های بسیار ممتاز از کتابهای ادب مخصوصاً دواوین شعرا کوشش بسیار کرده و عصمه بخاری شاعر مداح وی بوده و شرف الدین علی یزدی ظفر نامه را بدستور وی نوشته و خود شاعر و نویسنده توانایی بوده و منشآت او در دست است و کتابی در تاریخ تیمور داشته است.

۱۹۶) قوام الدین محمد بن ابوبکر بن علی یزدی، برادر شرف الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی سابق الذکر بوده و او نیز دبیر و شاعری توانا بشمار می رفته و از اشعار و منشآت او چیزی مانده است.

۱۹۷) ابوالحسن علی الاعلی، نخستین خلیفه فضل الله حروفی بوده و

برای تبلیغ طریقه وی بخاک روم رفته و در آنجا ساکن شده و در بیان این طریقه چند مثنوی سروده است : یکی بشارت نامه ببحر رمل و وزن مثنوی مولانا جلال الدین که در حدود ۸۰۳ پایان رسانیده ، دیگر کرسی نامه بهمان وزن که در روز چهارشنبه ۱۰ جمادی اولالی ۸۱۰ تمام کرده است ، دیگر قیامت نامه ببحر هزج که در ۸۱۴ پایان رسانیده ، دیگر توحید نامه بوزن مثنوی و نیز کتابی بشر بنام محشر نامه از زمانده است .

(۱۹۸) سید اسحق استرآبادی ، وی نیز از اصحاب فضل الله حروفی بوده و مرشد خراسان لقب داشته است و در ۷۷۱ ولادت یافته و بنظم و نشر آثاری در بیان عقاید حروفیان نوشته است از آن جمله کتاب محرم نامه که در ۸۳۱ نوشته و کتاب تراب نامه که برخی بخط نام آن را شراب نامه ضبط کرده اند و سه مثنوی سروده است یکی بشارت نامه ، دیگری اشارت نامه که در ۸۰۷ پایان رسانیده و دیگری نامه نامی که آنرا نیز در ۸۰۷ تمام کرده است .

(۱۹۹) ملا احمد کشمیری ، از شاعران دربار سلطان زین العابدین (۸۲۳ - ۸۷۳) پادشاه کشمیر بوده و تاریخ کشمیر را از زبان کشمیری بفارسی ترجمه کرده است .

(۴۰۰) سید ظاهر استرآبادی ، از شاعران دربار همایون شاه بهمنی در دکن بوده و در اواسط قرن نهم می زیسته و تا ۸۶۴ زنده بوده است .

(۴۰۱) میرمخدوم بن سید محمد بن بهاء الدین نیشابوری ، نام وی را چنانکه در صحیفه ۳۲۵ آمده مختوم هم ضبط کرده اند اما کلمه مختوم در نامهای اشخاص سابقه ندارد . چنانکه گذشت از مشاهیر عرفای خراسان و جدش امیر سید بهاء الدین از سادات مدینه بزیارت بمشهد رفته و در بازگشت در نیشابور مانده و بازماندگانش در آن شهر بوده اند و وی نیز در آنجا بجهان آمده و بیشتر در آن می زیسته و سرانجام بهرات رفته است و در آن شهر با شاه قاسم انوار محشور بوده است . در ۱۳ ربیع الثانی ۸۲۹ که احمدلر از پیروان فضل الله حروفی شاهرخ را

هنگام بیرون آمدن از مسجد کارد زد کسانی را که با او محشور بودند گرفتار کردند و وی را نیز بزندان بردند و تا ۸۳۳ زندانی بود در آن سال او را از زندان بیرون آوردند و از شهر بیرون کردند و روغن گداخته بر فرقش ریختند و روشنی شمع را بکثرت روغن خاموش کردند و بدین وسیله کشتند. پس اینکه تاریخ در گذشتش را ۸۳۰ و ۸۶۲ نوشته اند درست نیست. وی از مشاهیر زمان خود بوده است و در اقسام مختلف شعر دست داشته و دیوان غزلیات او فراهم شده و مشنوی محبت نامه را برای امیر غیاث الدین علی ترخان سروده است.

(۳۰۲) قبولی سیروزی، از شاعران خاك عثمانی و مداح سلطان محمد آل عثمان معروف بسطان محمد فاتح و پس از آن مداح بایزید دوم بوده است. در ۸۴۱ ولادت یافته و در ۸۸۳ در گذشته و پیرو طریقه مولوی بوده و با جامی روابط داشته و از پادشاهان عثمانی صلوات گران گرفته و چندی در اماسیه زیسته و ظاهراً از ایران بخاك عثمانی رفته است. دیوان اشعار خود را در ۳۹ سالگی تمام کرده و در ۸۸۰ جمع کرده است و شعر ترکی و فارسی می سروده و احتمال می رود همان قبولی یزدی بوده باشد.

(۳۰۳) حامدی اصفهانی، از شاعران متصوف پیرو طریقه دولوی بوده است. در جوانی در اصفهان دانش آموخته و در همان شهر بشاعری آغاز کرده و پس از مرگ برادرانش بجهانگردی پرداخته و سی سال سفر کرده و کسب دانش کرده تا آنکه بخاك عثمانی رسیده و بدربار سلطان محمد فاتح راه یافته و صلوات گران بها از آن جمله پنج تن غلام زر خرید باو داده اند و در ۸۸۱ در دربار وی بوده است. نخست سمت شیخی مزار خونکار را باو می دهند که مراد تربت مولانا جلال الدین درقونیه باشد. وی باصر این کار را می پذیرد زیرا که می پنداشته است بدخواهان وسیله فراهم کرده اند او را از دربار برانند و در آنجا سی تن حافظ قرآن زیر دستش بوده اند و پس از چندی که بتهمت می خوارگی او را از مقام شیخی عزل کرده بودند با سلطان محمد بجهاد رفت و پس از آن سفر از استانبول بشهر برسه رهسپار شد و

زندگی گوشه نشینی را پیش گرفت . چون مشاهره اش را قطع کرده بودند تنگ . دست می شود و شیخی مزار میردامیردش را باو می دهند . بجز دیوان اشعاری که از زمانده مؤلفات دیگر دارد و اشعاری در پاسخ معماهای جامی سروده و پسر می محمود نام داشته که در ۸۷۵ بجهان آمده و زایجه ای برای او بفارسی شامل ۳۲ سؤال وضع کرده و در پاسخ هر سؤال يك یا دو بیت فارسی سروده و آنرا جام سخن گوی نام گذاشته و نیز ۳۵۳ غزل حافظ را تضمین کرده و برخی از غزلیات او را استقبال کرده است . در ضمن خوشنویس بوده چنانکه مفردات ابن بیطار و دلایل الاعجاز را بخط خوش برای سلطان نوشته است .

۴۰۴) خواجه سلطان علی بن صدرالدین موسی، معروف بخواجه علی سیاه پوش نواده صفی الدین اردبیلی و از مشایخ طریقه صفوی . پس از مرگ پدر جانشین او شد و ۳۸ سال پس از مرگش این طریقه بود در پایان زندگی بیت المقدس رفت و در آنجا در روز سه شنبه ۱۸ رجب ۸۳۰ در گذشت و قبرش در آنجا بزار سید علی عجم معروف بوده است . دیوان غزلیات او از کتابهای معروف طریقه صفوی بوده و در شعر علی تخلص می کرده است .

۴۰۵) سلطان یعقوب آق قویونلو، ششمین پادشاه این سلسله پسر امیر حسن بيك علی بن قرا عثمان یا قرا یولغ معروف باوزون حسن پادشاه معروف بود که پدراش در زمان اغوزخان از ترکستان چین آمده ساکن دیار بکر شده بودند و سپس در دشت قبیچاق در ماوراء قفقاز می زیسته اند . وی نخست حاکم دیار بکر بود و پس از مرگ پدر و جلوس برادرش سلطان خلیل باذر بایجان آمد و با او در افتاد و وی را در روز چهارشنبه ۱۴ ربیع الثانی ۸۸۳ در حوالی خوی در جنگ کشت و بتخت نشست و سرانجام در ۸۹۶ در گذشت . وی پادشاه دانش دوست و هنر پروری بوده و ازین حیث بر همه فرمانداران عصر خود برتری داشته و عده کثیر از دانشمندان و سخن سرایان چنانکه در شرح حالشان آمده است از پادشاهای وی برخوردار شده اند و در بارش میعاد بزرگان عصر بوده و خود شعر فارسی را استادانه

می سروده است .

۴۰۶) مظفرالدین جهان‌شاه قراقویونلو، سومین پادشاه این خاندان پسر قرایوسف مؤسس سلسله، پس از مرگ برادرش میرزا اسکندر و کشتن برادرزاده اش قباد در ۸۳۹ در آذربایجان بتخت نشست و شاهرخ وی را بدین سمت شناخت . در ۸۵۶ عراق را گرفت و در فارس و کرمان کشتار کرد و در ۸۶۲ بر خراسان استیلا یافت و هرات را پای تخت خود کرد . چون پسرش حسن که او را زندانی کرده بود در آذربایجان از زندان گریخته و قیام کرده بود و ابوسعید تیموری نیز با وی بجنگ برخاسته بود با او صلح کرد و خراسان را باو باز گذاشت و با شتاب بسیار که بسیاری از چهارپایان را تلف کرد با آذربایجان رسید و پسر را اسیر و تبعید کرد . پس دیگریش پیر بندق که وی را از حکمرانی فارس بواسطه بدرفتاری عزل کرده و بغداد تبعید کرده بود در ۸۶۹ قیام کرد و يك سال در محاصره بود و سرانجام بحيله وی را گرفتار کرد و کشت و پسردیگر محمد میرزا را بجای او گماشت . در ۸۷۱ در اندیشه لشکر کشی بدیار بکر بود که زمستان مانع شد و در بازگشت ازین سفر در شکار گاه اوزون حسن پادشاه معروف آق قویونلو او را بغفلت گرفت و هنگامی که فرامی کرد گرفتار شد و در ۱۲ ربیع الثانی ۸۷۲ در ۷۰ سالگی و ۳۲ سال پادشاهی در آذربایجان و عراقین و کرمان و سواحل دریای عمان کشته شد و پیکرش را در تبریز در عمارت مظفریه که در کنار مسجد معروف خود ساخته بود بخاک سپردند . وی در ضمن آنکه مردی جنگجو بوده بدانش و هنر و آبادانی توجه داشته و برخی از ادیبان و دانشمندان و هنرمندان زمانه از بخششهایش برخوردار شده اند و خود شعر فارسی را نیکومی سروده و نسخه ای از دیوان خود را برای جامی بهرات فرستاده است . از آثار مهم وی مسجد بزرگ و زیبای بیست که در تبریز در کنار کاخی که ساخته و آنرا بمناسبت لقب خود مظفریه نام گذاشته بود بنا کرده و چون ایوان باشکوهی پوشیده از کاشیهای کبود دارد بگونه مسجدیامسجد کبود معروف شده و در ربیع الاول ۸۷۰ بپایان رسیده و سپس از زلزله خراب شده و اینک یکی از طاقهای باشکوه آن

باقیست و از بناهای جالب قرن نهم بشمار می رود . وی در شعر حقیقی تخلص می کرده است .

(۲۰۷) **خواجه عبدالرحیم بن شمس الدین محمد اقطاعی مشرقی خلوتی** تبریزی ، پندش که در ۸۱۲ در گذشته از مشاهیر عرفی زمان خود بوده است ، وی مردی دانشمند و هنرمند بشمار می رفته و در نوشتن شش خطسر آمد خوش نویسان زمان خود بوده و خطاطان آذربایجان شاگردان وی یا شاگردان شاگردانش بوده اند و در غره محرم ۸۵۹ در گذشته و در حظیره با پامزید وی را بخاک سپرده اند . گذشته از آنکه شاعری توانا بوده و خلوتی تخلص می کرده مؤلفات چند از و مانده است از آن جمله مفاتیح الغیب و حاشیه بر اصطلاحات صوفیه عبدالرزاق کاشانی و شرح رباعی حورائیه ابوسعید ابوالخیر و تعلیقات بر گلشن راز .

(۲۰۸) **قطب الدین محمد بن شمس الدین مطهر بن احمد جام** ، نواده عارف مشهور و از مشایخ زمان خود بوده و در غزل سرایی دست داشته و گاهی ابن مطهر و گاهی قطب تخلص کرده است .

(۲۰۹) **تاج الدین فیروز شاه بن داود شاه بهمنی** ، هشتمین پادشاه از سلسله بهمنی دکن و بروز افزون شاه معروف بود و در گلبرگه پادشاهی می کرد . در سال ۸۰۰ بتخت نشست و در روز دوشنبه ۱۵ شوال ۸۲۵ در گذشت . وی پادشاهی دانشمند و دانش پرور بوده و چندین کتاب بنامش نوشته اند و مخصوصاً بادییات توجه خاص داشته و غزل را خوب می سروده و گاهی فیروزی و گاهی عروجی تخلص کرده است .

(۲۱۰) **لطفی شیرازی** ، مردی مجرد و از تربیت شدگان میرزا بایسنقر بوده و بیشتر بسیاحت می پرداخته و در ایران و هند سفر بسیار کرده و در هند در گذشته و غزل سرای بوده است . وی بجز لطفی شیرازی بوده که در قرن دهم می زیسته است .

(۲۱۱) **سامعی** ، از شاعران دربار محمد شاه بهمنی در دکن و مداح و ندیم خواجه محمود قانان وزیر معروف بوده و قسمتی از بهمن نامه را که آذری ناتمام

گذاشته بود وی سروده و تا ۸۸۲ زنده بوده است .

(۴۹۲) دده عمر روشنی بردعی ، از معاریف مشایخ صوفیه در قرن نهم و از خلفای سید یحیی شروانی و مؤسس طریقه روشنی در تصوف بوده که پیروان آن هنوز در مصر و ترکیه هستند وی برادر علاءالدین خلوتی از مشایخ معروف طریقه خلوتی بوده و مدتها در گنجه و بردعه یا بردع و شروان بدعت و ارشاد می برداخته و از آنجا باردیبل و سپس بتبریز رفته و سلطان حیدر صفوی و اوزون حسن او را محترم شمرده اند و جمعی از مردم آذربایجان از آن جمله سلجوق خاتون مادر سلطان یعقوب آق قویونلو مرید او شده اند و خانقاهی در زاویه مظفریه در تبریز برای او ترتیب داده اند و همان جادر ۸۹۲ در گذشته و در محله مقصودیه تبریز مدفون گشته و پسرش نعمه الله روشنی زاده قاضی مدینه جانشین او شده است . وی شعر عارفانه را نیکو می سروده است .

(۴۹۳) بابا علی شاه ابدل عراقی هروی ، از مشایخ تصوف ساکن هرات بوده و با جامی ملاقات کرده و او نیز شعر عارفانه را خوب می گفته است .

(۴۹۴) هند و ترکستانی ، نوشته اند از شیخ زادگان ترکستان و از مریدان خواجه عیدالله احرار و از شاعران صوفی مشرب بوده است .

(۴۹۵) بهاء الدین احمد جامی ، از بازماندگان احمد جام زنده پیل عارف مشهور بوده و در شیراز می زیسته و منظومه ای بر وزن لیلی و همچون نظامی در مقامات جدش بنام ابوالفتح سلطان ابراهیم تیموری سروده است .

(۴۹۶) سید شرف الدین رضا ، از دانشمندان زمان خود و از کارگزاران خراسان در زمان شاهرخ بوده و پس از چندی از کار دیوان کناره گرفته و شاعر بوده است .

(۴۹۷) قاضی مسیح الدین عیسی ساوجی ، در آغاز کار مدتی در قزوین بوده و سپس وزیر سلطان یعقوب آق قویونلو شده و در دربار وی می زیسته و در ۸۰۶ در گذشته و شاعر بوده است .

(۳۱۸) حافظ نصرالله، از شاعران خراسان بوده و تا اواسط قرن نهم می زیسته و جزین دیگر درباره اش آگاهی نیست.

(۳۱۹) شهاب الدین محمود شاه بهمنی، چهاردهمین پادشاه از سلسله بهمنی دکن، پس از مرگ پدرش محمد شاه سوم در اول صفر ۸۸۷ در ۱۲ سالگی پادشاهی رسید و در مدت ۳۶ سال سلطنت همیشه قیم داشت مخصوصاً وزیرش قاسم برید - الممالک ترک از ۸۹۵ و پسرش امیر علی که در ۹۱۰ جانشین پدر شد و حکمرانان جنارو برار که دست نشانده اش بودند بروقیام کردند و مستقل شدند و چند جنگ در میان وی و ایشان در گرفت تا آنکه در ذیحجه ۹۲۴ در گذشت. وی پادشاهی سست رای و خوش گذران بوده و در ضمن شعر فارسی را خوب سروده است.

(۳۲۰) غیاث الدین بایسنغر میرزا تیموری، پسر شاهرخ و نوه تیمور از شاهزادگان معروف این خاندان، در ۸۰۱ تولد یافت و در ۸۲۰ در جوانی پدرش سمت قاضی القضاة دربار خود را باو داد و در صفر ۸۳۵ پس از مرگ قرا یوسف مأمور گرفتن آذربایجان شد و تبریز را گرفت. در صفر ۸۳۵ حکمران استراپاد شد. درین موقع چون اختر شناسان پیش گوئی کرده بودند که بیش از چهل سال نخواهد زیست وی بمی گساری و نوش خواری و عیاشی پرداخت و بهمین جهت سخت ناتوان و بیمار شد و در روز دوشنبه ۷ جمادی الاولی ۸۳۷ در هرات در گذشت و پیکرش را در مقبره گوهرشاد بخاک سپردند. وی شاهزاده باذوق هنرمند هنر - پروری بوده و یکی از مؤثرترین کسان در پرورش سخن سرایان و هنرمندان بشمار می رفته است. خود در نقاشی و تذهیب دست داشته و از خوشنویسان زبردست زمان خود بشمار می رفته و در خط شاگرد شمس الدین هروی خوش نویس معروف آن زمان بوده و هنوز اوراق بسیار جالب از قرآنهاییکه که بخط بسیار جلی نوشته در دست است. میرعلی خوشنویس معروف واضح خط نسخ تعلیق و عدة کثیر از خوشنویسان مشهور روزگار در کتابخانه وی کار می کرده و برای او کتاب می نوشته اند نسخه ای از شاهنامه بدستور وی فراهم کردند و مقدمه ای بر آن نوشتند که بدیباچه بایسنگری معروفست و نسخه اصل آنرا بهزاد نقاش نامی آن عصر مصور کرده است و شکی نیست

که در ترقی خط و نقاشی وجودش بسیار مؤثر بوده و در شعر فارسی نیز دست داشته و پس از مرگش عده کثیر از شاعران آن زمان که برخی از ایشان خوشنویس هم بوده اند برای وی مرثیه سروده اند از آن جمله کمال الدین جعفر تبریزی خوشنویس معروف، زاهدی، جلال کرمانی، جلال الدین یوسف امیری، لطفی، ولی، آصفی هروی، واحدی، منشی، زین الدین طیبی، محمد جرده. بسیاری از دانشمندان عصر هم کتابهایی بنام وی پرداخته اند. در پایان زندگی که بمی خواری و عیاشی مشغول بود بی رحم و مردم آزار شده بود و درین دوره کارهای ناشایسته کرده است.

(۲۲۱) **مولانا نظیری**، وی بجز نظیری نیشابوری شاعر معروف قرن دهم و ظاهراً از مردم مشهد بوده و در هندوستان در سرزمین دکن در دربار همایون شاه بهمنی معروف بهمایون شاه ظالم (۸۶۲-۸۶۴) می زیسته و از تربیت شدگان خواجه محمود قانان وزیر معروف بوده و چندی زندانی بوده و تا ۸۶۵ می زیسته است و چون آدری شاعر معروف در گذشت و بهمن نامه او ناتمام ماند وی قسمتی از آنرا که شامل تاریخ پادشاهان بهمنیست سروده است.

(۲۲۲) **رزق الله دهلوی**، عم شیخ عبدالحق محدث دهلوی دانشمند معروف بوده و در ۸۹۷ در گذشته و بزبان هندی و فارسی شعر می گفته، در هندی رنجن و در فارسی مشتاقی تخلص می کرده است.

(۲۲۳) **عمرانی شیرازی**، از یهود ایران ساکن شیراز بوده و اشعاری بزبان فارسی سروده که مطابق معمول دانشمندان یهود در ایران آنها را بخط عبری نوشته اند.

(۲۲۴) **امینا**، وی نیز از یهود ایران بوده و اشعاری ازو بخط عبری مانده است.

(۲۲۵) **نورالدین شاه خلیل الله**، پسر شاه نعمه الله ولی عارف مشهور در کوبنان کرمان نیم ساعت از روز گذشته آدینه ۱۱ شعبان ۷۷۵ ولادت یافت. پس از مرگ پدر جانشین او شد و در ضمن بدعت شاهرخ از کرمان بهرات رفت و هدایای بسیار گران بها که بزرگان زمانه برای پدرش فرستاده بودند نزد او برد

و شاهرخ باو بسیار احترام کرد . در پایان زندگی به هندوستان نزد مریدان پدرش بدکن رفت و در آنجا در ۲۳ شوال ۸۵۳ که ۷۸ سال و دو ماه و دوازده روز از عمرش گذشته بود در گذشت و در آنجا وی را بخاک سپردند و مزارش بنام خلیفه از زیارتگاهها بوده است . وی نیز اشعار عارفانه سروده است .

(۲۳۹) ناصرالدین کوسوی، از مشایخ تصوف و از مردم کوسویه از توابع هرات و از اصحاب زین الدین ابوبکر تایبادی بوده و در ۸۲۸ در گذشته و او را در هرات در حظیره امام فخرالدین رازی بخاک سپرده اند و شعر عارفانه می سرده است .

(۲۴۲) ابوالفتح محمد فاتح آل عثمان ، هفتمین پادشاه این سلسله، در رجب ۸۳۲ ولادت یافت و در سلطنت پدرش سلطان مراد دوم حکمران مغنیا بود و پس از مرگ برادرش علاء الدین در ۸۴۸ ولیمه پدر شد. پیش از آنکه رسماً بتخت بنشیند دو بار دعوی سلطنت کرده و در آدرنه بتخت نشسته بود بدین معنی که پس از استعفای سلطان مراد در صفر ۸۴۸ که ده سال بود ترکان عثمانی با مجارستان صلح کرده بودند و با این همه با مجارستان و متحدین آن وارد جنگ شدند مراد از مغنیا وارد میدان جنگ شد و در ۲۸ رجب ۸۴۸ در وارنا فتح کرد . سپس مراد بار دیگر استعفا کرد اما شورش بنی چریان خلیل پاشا وزیر اعظم را ناگزیر کرد وی را دوباره بسلطنت بخواند و بار دیگر حکمرانی اناتولی را بسلطان محمد دادند و پس از مرگ پدرش در ۷ محرم ۸۵۵ وارد آدرنه شد و بتخت نشست . نخست چندی پادشاه صلح جویی بنظر می آمد و پدرش مراد نیز با کنستانتین پالئولوگ امپراتور قسطنطنیه مدارا کرد بود . اما وی در ۸۵۵ قلعه روملی حصار را ساخت و بنای محاصره شهر قسطنطنیه را گذاشت و توپخانه مهمی آماده کرد و آن شهر را در ۹ جمادی الاولی ۸۵۷ مطابق با ۲۹ مه ۱۴۵۳ گرفتند و این واقعه باندازه ای در تاریخ آن زمان اهمیت داشت که آنرا مبدأ تاریخ دانستند و وی را سلطان محمد فاتح لقب دادند . سال بعد در سرستان فتح کرد و آخرین امپراتور خانواده پالئولوگ از شکست

خورد . در ۸۶۰ باردیگر در سرستان جنگ کرد و در کنار دریای اژه شهر آینوس و جزیره لمنوس را گرفت. در همان سال شهر بلگراد را محاصره کرد و نتیجه نگرفت اما در ۸۶۳ و ۸۶۴ سر تاسر سرستان جزو قلمرو خاک عثمانی شد و در ۸۶۳ سمندره را گرفت و در آن سال و سال بعد بموره لشکر کشید و در ۸۶۴ با اسکندر بیک در آلبانی عهد نامه ای امضاء کرد . در ۸۶۵ آماسارا (آماستریس) را از کار گزاران جمهوری ژن گرفت و در مشرق شهر سینوپ را از آخرین بازمانده خاندان اسفندیار اغلو گرفت و سپس طرابوزن را گرفت و چون اوزون حسن پادشاه معروف آق قویونلو با پادشاهان یونانی اناطولی خویشی داشت و با ایشان متحد بود در میان وی و سلطان محمد اختلاف در گرفت . در ۸۶۶ ولاد دراکول را که والاشی بنای جنگ را گذاشته بود شکست داد و در پایان آن سال فرمانروایی مردم ژن بر لسبوس پایان رسید . در ۸۶۷ و ۷۶۸ سر زمین بوسنه را گرفت و بنای جنگ با دولت ونیز را گذاشت که ۱۷ سال کشید و در دریای اژه هم جنگهای دریایی کرد . در ۸۶۸ ابراهیم قرمان اوغلو آخرین امیر این خاندان در گذشت و محمد سرزمین ایشان را هم گرفت و در همان سال در آلبانی هم فتح کرد. در ۸۷۵ جزیره نگرپون (اوبه) را گرفت و در همان سال با بازماندگان ابراهیم قرمان اوغلو که اوزون حسن از ایشان یاری می کرد جنگید و با ناوگان دول نصاری در دریای اژه جنگ کرد و چون اوزون حسن بحال تعرض در آمد و شهر توقات را گرفت تهیه بسیاری دید و در ۸۷۸ ارزنجان را گرفتند . اما تا ۸۸۵ همه حواس وی متوجه اروپا بود چنانکه در ۸۷۵ قلعه سا با کس (بوگوردلن) نزدیک بلگراد را گرفتند و سپس لشکریانش بنای تاخت و تاز در مجارستان را گذاشتند و بمرزهای اتریش رسیدند . جنگ با جمهوری ونیز هم تا ۸۷۹ دوام داشت . در ۸۸۰ شهر کافارا را از مردم ژن گرفتند و خانهای قریم (کریمه) درین سال دست نشانده دولت عثمانی شدند . در ۸۸۱ باز در مولداوی فتح کرد اما در سالهای بعد در جنگ با دولت ونیز و آلبانی در جنوب مور چندان پیشرفتی نکرد و سرانجام در ۸۸۳ خود با آلبانی

در کنار رود سند نزدیک شهر تته در گذشته است. وی پادشاه داد گستر نیکو سیرتی و مردی دانشمند بوده و بذله گوی و سخن سرای بشمار می رفته و شعر فارسی را استادانه می سروده و شاعران نامی آن زمان از آن جمله خسرو دهلوی و بدرالدین چاچی در دربار وی بوده اند و از بخشش هایش بر خودار شده اند و ضیاءالدین برنی مورخ معروف هند نیز در دربار وی بوده است .

(۱۱۰) عارف اردبیلی ، از شاعران نامی آذربایجان ، نخست در دربار سلطان اویس جلایر بوده و سپس بدعوت شروانشاه کیکاوس بن کيقباد (۷۴۵-۷۷۴) بشروان رفته و آموزگار پسر وی شده و در آنجا مثنوی فرهاد نامه را بوزن خسرو و شیرین نظامی سروده و در آخر تابستان ۷۷۱ پایان رسانده است .

(۱۱۱) سید علاء الدین عراقی ؛ ساکن هند و از مریدان نظام الدین اولیا و شاعر بوده است .

(۱۱۲) شهابی ، از شاعران قرن هشتم بوده و يك مثنوی در اخلاق بنام عروۃ الوثقی ازומانده که بوزن خسرو و شیرین نظامی در ۷۵۹ شامل پنجهزار بیت پایان رسانیده و در هند می زیسته است .

(۱۱۳) حاج جلال لارندی ، از شاعران قصیده سرای این دوره بوده و جزین از احوالش اطلاعی نیست .

(۱۱۴) شیخ ضیاء الدین تبریزی ، از شاعران اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم بوده و در چرنداب مدفون بوده و از ورباعی مانده است .

(۱۱۵) ابو محمد شمس الدین عبد الله بن جیری ؛ از خاندان معروف سادات آل بنجیر در شیراز و از مشایخ نامی زمان خود بوده است . چنانکه در احوال حافظ گذشت وی را از مریدان او دانسته اند و نیز قوام الدین ابواسحق که ذکرش پس ازین خواهد آمد و شیخ زین الدین علی کلاه را که نیز پس ازین مذکور خواهد شد از مریدان او شمرده اند و امیر مبارز الدین محمد بن مظفر نیز مرید او بوده و شعر عربی و فارسی را نیکومی سروده است .

۱۱۶) قوام‌الدین ابواسحق بن ابوطاهر بن ابوالمعالی بنجیری ، از همان خاندان آل بنجیر و زشاگردان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۶۴ در گذشته و مردی دانشمند بوده و حافظ کشف کشاف را نزد او درس خوانده و شاعر نیز بوده و قوام تخلص می کرده است .

۱۱۷) شیخ زین‌الدین علی کلاه‌شیرازی ؛ از دانشمندان نامی شیراز بوده و چون در شیراز رنگ سیاه را کلاه می گفته‌اند و وی دستار سیاه بر سر می گذاشته این لقب را باو داده بودند. وی از مریدان ابومحمد شمس‌الدین سابق‌الذکر بوده و در ۷۸۰ در گذشته و در مراتب اسماء و تسخیرات در زمان خود یگانه بوده و کارهای شگرف از وحکایت کرده‌اند و در شعر نیز دست داشته است .

۱۱۸) شهاب‌الدین مظفر بن ابی ذر قبز دانی خوافی معروف بمظفر خوافی ، از دانشمندان و حکمای زمان خود بوده و از شاعران نامی بشمار می رفته و در ربیع‌الثانی ۷۸۱ در گذشته و در دم مرگ اشعار خود را که شامل قصاید و رباعیات بوده شسته و از میان برده است.

۱۱۹) جلال‌الدین محمود زنگی عجم قلندر کرمانی ، از دانشمندان و مشایخ محترم زمان خود بوده و باو شیخ‌المشایخ می گفته‌اند و در نزد تیمور مقرب بوده و در یکی از سفرهای وی که با اردوی او همراه بوده در ۸۰۶ در گذشته است. وی شاعر توانایی بوده و دیوان اشعار خود را فراهم کرده بود و یک مثنوی در باره برخی از وقایع تاریخ تیمور سروده است .

۱۲۰) پهلوان محمود قتالی خوارزمی معروف ببوربایولی ؛ شهرت وی را بخط پوریار نوشته و برخی بوریارولی را نام پدرش دانسته‌اند اما پیدا است که این کلمه در اصل پوربای بوده و بای همان کلمه بیک در زبان ترکی تر کمان است که سروسر کرده معنی می دهد . وی از عارفان معروف قرن هشتم بوده و ظاهراً در شهر خیوه می زیسته و در ضمن پهلوان نامداری بوده و هنوز ورزشکاران ایران نام او را بر زبان می رانند و اشعارش را در زورخانها می خوانند و در ۷۲۲ در گذشته و قبرش در شهر خیوه یا خیوق هنوز زیارتگاه است . وی شاعر زبردستی بوده و در ۷۰۳ مثنوی

کنزالحقایق را بیابان رسانیده است .

۱۳۱) **خواجه معین الدین محمد معینی جوینی**؛ نسب خود را بسنجری رسانیده و از دانشمندان صوفی مشرب بوده و در ۷۸۳ در گذشته و ظاهراً در شعر معینی تخلص می کرده

۱۳۲) **ابوالحسن**؛ از شاعران پیرو طریقه حروفی بوده و در ۷۷۱ در نوزده سالگی در اصفهان بخدمت شاه فضل الله نعیمی حروفی رسیده و در ۸۰۲ جاودان نامه وی را بنظم آورده است .

۱۳۳) **ابوالحسن محمد بن محمد بن خجوانی معروف بابن السارچی**، خوشنویس و شاعر بوده و منظومه‌های بنام درة المعانی سروده و نسخه‌ای از ترجمه فارسی مسالك و ممالك تألیف ابواسحق ابراهیم اصطخری در دست است که در ۷۲۶ نوشته و بهمین جهت بخطای وی را مترجم آن کتاب دانسته اند .

۱۳۴) **معروف بغدادی**، از هنرمندان نامی زمان خود بوده و از خوشنویسان زیر دست بشمار می رفته و در ضمن در موسیقی استاد بوده و شعر را خوب می گفته است . نخست در بغداد می زیست . چون سلطان احمد بن اویس جلایر در ۷۸۴ بغداد را گرفت بخدمت او پیوست و وی که در موسیقی و خط و شعر دست داشت وی را بکتابت در دستگاه خود گماشت و چون مردی تند خوی بود معروف از بغداد باصفهان رفت و وارد دستگاه میرزا اسکندر گورکانی شد و کاتب او بود . نوشته اند که يك بار سه روز بکتابت پرداخت و چون متعهد شده بود که روزی پانصد بیت بنویسد و میرزا اسکندر از او بازخواست کرد پذیرفت که کار سه روزه را در يك روز بکند . میرزا اسکندر دستور داد که در میدان اصفهان سایبان و بارگاه برپا کردند و او نشست و يك تن از شاگردانش قلم می تراشید و او می نوشت و تا نماز دیگر هزار و پانصد بیت در مستهای خوبی نوشته بود . در سال ۸۱۷ که شاهرخ باصفهان آمد و حکمرانی آنجا را بمیرزا ابوالقاسم داد هنگام بازگشت بهرات معروف را با خود برد و درین سفر شمس الدین هر وی خوشنویس معروف که استاد بایسنقر بوده

نزد وی شاگردی کرده است . نوشته‌اند که مردی بسیار قانع و بلند همت بوده است چنانکه يك بار بایسنغر مقداری کاغذ نزد او فرستاد که وی نسخه‌ای از خمسة نظامی برایش بنویسد و وی پس از چندی آن کاغذها را نانوشته پس فرستاد . سرانجام در سال ۸۳۰ که احمد لُر از پیروان فضل‌الله حروفی شاهرخ را کاردزد چون با چندتن از دانشمندان معاشرت داشته و ایشان گرفتار شده‌اند معروف راهم دستگیر کردند و در قلعه اختیارالدین هرات او را زندانی کردند و اندک زمانی پس از آن در زندان در گذشت . معروف در حوالی سالهای ۷۸۰ و ۷۹۰ دو مجموعه از اشعار فارسی بخط خود برای سلطان احمد جلایر نوشته که سپس آنرا بمیرزا اسکندر داده و اینک در کتابخانه سلطنتی در طهرانست . مجموعه دوم را کنزاللالی نام گذاشته و این دو مجموعه شامل اشعار برگزیده بسیاری از شاعرانست از آن جمله چند تن از شاعران قرن هشتم‌اند و کسانی که نامشان در کتابهای رایج نیست بدین گونه‌اند : ابن بنا ، ابن منور ، ابن همگر (شاید مجد همگر بوده باشد) ، ابوالفراس ، ادیب کاشی ، امرء القیس ، بدیع‌الدین ، بدیع‌الزمان ، بهشتی آملی ، حسن شهرویه ، رفیع ابهری ، رفیع نسوی ، سحر آفرین ، سراج بلخی ، سعد بها ، شاه اسفرنگی ، شرف‌الدین مقبل ، صاحبی ، صدر بلخی ، صفی نیشابوری ، عبدالعزیز ، عزشروانی ، فتح مستوفی ، سلطان محمود بخاری .

(۱۲۵) احمد بن محمد نخشی مسعود بیک بخاری ، از بزرگان متصوفه هندوستان ، نوشته‌اند که بشیرخان معروف بوده و از خویشاوندان فیروز شاه سلطان دهلی بوده و از جانب وی در بخارا حکمرانی داشته و بهمین جهت بخاری معروف شده است . پس از چندی انقلابی در نهاد وی رخ داده و دارایی خود را ترک کرده و از مریدان شیخ رکن‌الدین بن شهاب‌الدین امام از مشایخ زمان خود و وارد طریقه چشتی شده و بسیار مجذوب بوده و نوشته‌اند که سخنان مستانه‌می گفته است که برخی از آنها با شریعت سازگار نبوده است و بهمین جهت وی را در سال ۸۰۰ کشتند و در دهلی مدفون شد . وی در نظم و نثر فارسی استاد بوده و در شعر

مسعود تخلص می کرده و دیوان قصاید و غزلیات و رباعیاتش معروفست و بیشتر قصایدی در مدح مرشد خود دارد . دیگر از آثار وی در تصوف کتاب تمهیداتست که بتقلید از تمهیدات عین القضاة همدانی نوشته و دیگر کتاب مرآة العارفين که از مهم ترین کتابهای صوفیه هندست .

۱۳۹ (**سلطان احمد جلایر** ، از پادشاهان نامی خاندان جلایر ، پس از مرگ پدرش سلطان اويس بن شيخ حسن نویان در ۱۱ صفر ۷۸۴ برابر ادش سلطان سلطان حسین قیام کرد و بر و مسلط شده آذربایجان را گرفت و در تبریز او را کشت و در آنجا بتخت نشست سپس بغداد را از کار گزاران شاه شجاع آل مظفر گرفت و آن شهر را پای تخت خود کرد و عراق و فارس نیز خراج گزار او شد و از ۷۸۴ تا ۷۸۸ بر آذربایجان و بین النهرین و عراق استیلا داشت . در ۷۹۵ تیمور آذربایجان را ازو گرفت و او در برابر سپاهیان تیمور بمصر گریخت و تا سال ۸۰۷ در آنجا بود و پس از مرگ تیمور دوباره از مصر بعراق آمد و با تیموریان در افتاد و تا ۸۱۳ در آنجا مشغول تاخت و تاز بود تا آنکه در روز آدینه ۲۸ ربیع الثانی ۸۱۳ در دو فرسنگی تبریز در جنگ باقرا یوسف شکست خورد و در مجرای آب باغی پنهان شد و همان روز او را یافتند و کشتند . وی مرد بخشنده و شعر دوست و هنر پرور بوده و عبدالقادر گوینده موسیقی دان معروف و معروف بغدادی خوشنویس در دربار وی بوده اند و حافظ وی را مدح کرده و خود نیز شعر را نیکومی سروده است .

۱۴۷ (**سید محمد بن علی همدانی** ، پسر میرسید علی همدانی عارف مشهور بود . ظاهرا پس از مرگ پدر و نوشته اند در ۲۲ سالگی باششصد تن در زمان سلطان سکندر بن قطب الدین بکشمیر رفته و این پادشاه مرید وی شده و بسنت نام وزیر و سپس الارش بدست وی اسلام آورده و ۱۲ سال در آنجا مانده و در ۷۹۷ سلطان سکندر خاتقاهی برای وی ساخته که در سال ۸۰۰ تمام شده و چند دهکده وقف بر آن کرده است . سپس بحج رفت و در بازگشت در گولاب در گذشت . وی نیز مانند پدر نویسنده و شاعر بوده و رساله ای در تصوف و شرح شمسیه از منطق ازو مانده است .

قرن نهم

ص ۲۳۷ ش ۱۲ : حافظ ابرو، در گذشت وی در روز یکشنبه ۴ شوال ۸۳۸ هنگام بازگشت شاهرخ از آذربایجان در سرجم در خاک زنجان روی داده و پیکرش را در زنجان نزدیک مزار ابوالفرج زنجانی بخاک سپرده‌اند . مجموعه تاریخی خود را مجمع التواریخ سلطانی نام گذاشته و قسم اول زبدة التواریخ را در ۶ محرم ۸۲۹ پایان رسانیده است .

ص ۲۳۸ ش ۱۵ : فصیح خوافی . نسب خود را چنین آورده است : فصیح‌الدین احمد بن جلال‌الدین محمد بن نصیرالدین یحیی بن علاء‌الدین محمد بن ظهیرالدین ابوالقاسم محمد بن جلال‌الدین محمد بن نصیرالدین ابوالقاسم بن ظهیرالدین محمد ابن ابوالقاسم محمد بن احمد بن محمد بن ابوالقاسم بن جلال‌الدین محمد بن احمد بن ابونصر علی بن محمد بن علاء‌الدین عیسی بن ابوبکر بن ابوالقاسم احمد ابن محمد بن قتیبة بن ابوامامه صدی عجلان بن وهب باهلی . از ۸۰۷ تا ۸۱۲ از کار گزاران دربار تیموریان بوده و چندی زندانی شده و سفرهای چند کرده است . روز پنجشنبه غرة جمادی الاولى ۷۷۷ در هرات ولادت یافته است .

ص ۲۴۲ ش ۲۳ : فیض‌الله صدر جهان ، نسبت او را گاهی بنبانی و گاهی بنیانی نوشته‌اند ، شاید در اصل بلیانی بوده باشد که بدین گونه تحریف کرده‌اند . تاریخ خود را در زمان همان محمود شاه پادشاه گجرات که بمحمود شاه بیگاره معروف بوده نوشته است .

ص ۲۴۳ ش ۲۹ : اصیل‌الدین واعظ : در زمان ابوسعید گورکان (۸۵۵-۸۷۳) از شیراز بهرات رفته است . تاریخ در گذشتش را در جمادی الاخره ۸۸۳ نیز نوشته‌اند و پس از مرگش پادشاه سیورغالم‌های وی را بفرزندانش بخشیده است . کتاب مقصد الاقبال را برای ابوسعید گورکان نوشته و کتاب دیگری در مزادات هرات دارد و دیگر ازه و لغات او شرح شغای قاضی عیاض را باید دانست .

ص ۲۴۴ ش ۲۹ : جمالی اردستانی ، مصباح الارواح را در ۲۰ صفر ۸۶۸ پایان

رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : مشکوة المحبین ، استقامت نامه ، نوراعلی نور ، ناظر و منظور .

ص ۲۴۵ ش ۳۵ : ملاحسین کاشفی ، در گذشت وی را در ۹۰۶ ضبط کرده اند و این درست نیست .

ص ۲۴۸ ش ۳۷ : شرف الدین علی یزدی ، نام و نسبش را شرف الدین علی ابن ضیاء الدین حسین بن شرف الدین علی بن شمس الدین رضی نیز نوشته اند ، از خاندان معروفی بوده ، برادرش مجدالدین حسن در گذشته در ۷۸۷ و پسران او ضیاء الدین محمد و شمس الدین ابوبکر و از بازماندگان مجدالدین حسن شاه معز الدین محمد رضی و میرزا مجدالدین حسن که در قرن یازدهم می زیسته اند در تاریخ معروفند . وی در طریقت مرید سلطان حسین اخلاطی بوده و دیگر از مؤلفات وی بجز دیوان اشعارش کتاب موطن را باید دانست .

ص ۲۵۱ ش ۴۲ : فضل الله بن روز بهان ، شرح وصایای عبدالخالق غجدوانی را در ۹۱۸ نوشته اند .

ص ۲۵۳ ش ۴۶ : جعفری یزدی ، نام و نسب او بدین گونه است : سید جلال الدین جعفر بن محمد بن حسن متخلص بجعفری از سادات حسینی یزد ، تاریخ یزد را در حدود ۸۵۰ بنام ضیاء الدین مسعود وزیر شاهرخ تألیف کرده و در ۸۴۵ بتألیف تاریخ کبیر آغاز کرده و در ۸۵۰ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات او تاریخ واسط تا حوادث سال ۸۱۷ می رسد و وی شاعر هم بوده است .

ص ۲۶۳ ش ۵۱ : ادریس بدلیسی ، دیگر از مؤلفات او کتابیست بنام مرآة الجمال .

ص ۲۵۵ ش ۵۸ : عبدالغفور لاری ، لقب او را رضی الدین هم ضبط کرده اند و از بازماندگان سعد عباده از اصحاب رسول بوده است . در خاتمه حاشیه صفحات الانس شرح حال مفصل و دقیقی از جامی دارد .

ص ۲۵۶ ش ۶۱ : نجم الدین طارمی ، تذکرة اوصاف خواجه محمد کججانی

تالیف محمدحسن پلاسی شیرازی را نیز بفارسی ترجمه کرده است .

ص ۲۵۸ ش ۷۹ : شرف الدین منیری ، بلقب شرف جهان معروف بوده و در منیر (بکسر میم و سکون نون و فتح یا) از توابع دهلی ولادت یافته ، مکاتیب خود را بیشتر بحاج رکن الدین نام از مریدان خود نوشته و بهمین جهت آنرا فواید رکنی نام گذاشته و دیگر از تألیفات اوست ارشاد السالکین و شرح آداب المریدین ابوالنجیب سهروردی .

ص ۲۵۹ ش ۸۰ : محمود قاوان ، نوشته اند در ۸۰۸ در روستای قاوان یا کاوان در گیلان ولادت یافته و بهمین جهت بمحمود قاوان معروف شده بود . پندراش وزیران پادشاهان گیلان بوده اند و یکی ازیشان در رشت پادشاهی کرده و بدست شاه طهماسب سلطنت او منقرض شده است . چون مادرش از خاندان مشایخ گیلان بود و وی را در خطر می دید او را بسفر و ادار کرد و درین میان در عراق و خراسان وزارت را بوی پیشنهاد کردند پذیرفت . در ۴۳ سالگی بعزم بازرگانی سفر هندوستان کرد و از راه دریا وارد بندر دابل شد و از آنجا بدکن رفت و سپس برای دیدار شاه محب الله و مشایخ دیگر آن زمان و برای تجارت باحمدآباد بیدرفت و خواست بدیدار مشایخ دهلی برود علاء الدین احمد بهمینی پادشاه دکن نگذاشت و همایون شاه باو لقب ملک التجار داد . سپس وزیر شمس الدین ابوالمظفر محمدشاه بهمینی (۸۶۷ - ۸۸۷ صفر) شد و مناصب دیگر یافت و ده هزار سوار مغول خدمتگزار وی بودند . سلطان حسین بایقرا سید کاظم نام را از هرات و از راه قندهار و لاهور نزد او بدکن فرستاد و او را دعوت کرد . محمد شاه اجازه بازگشت بایران را باو نداد و وی سید کاظم را باتحف و هدایای بسیار بخراسان برگرداند و نامه ای بسطان حسین نوشت و ازو عذر خواست . سید کاظم در بازگشت از راه دریا بفارس رفت و در شیراز ماند و در آنجا در گذشت و آن هدایا بمقصد نرسید . سرانجام در ۵ صفر ۸۸۶ در ۷۸ سالگی کشته شد . ملا عبدالکریم همدانی مؤلف تاریخ محمود شاهی که شاعر نیز بوده و از شاگردان و مریدانش بشمار می رفته کتابی در احوال او نوشته است .

مرد دانشمندی بوده و در علوم نقلی و عقلی مخصوصاً در ریاضی و طب و حساب و نظم و نثر فارسی دست داشته و دیوان اشعار و کتاب روضة الانشای تالیف خود را برای دانشمندان عراق و خراسان هدیه فرستاده و جامی با او مکاتبه داشته و قصیده‌ای در ستایش وی سروده است . در ضمن مرد نیکوکاری بوده و درد کن آبادی بسیار کرده از آن جمله در شهر احمدآباد بیدردو سال پیش از کشته شدن خود مدرسه‌ای بامسجد و بازار بزرگ و چهارطاقی ساخته که تا اوایل قرن یازدهم باقی مانده است .
ص ۲۵۹ ش ۸۱ : عبدالله مروارید ، تاریخ درگذشت وی را در ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۸ نیز نوشته‌اند و این درست نیست . کتابی هم در صنعت انشا نوشته است و منشآت او رساله شرفیه نام دارد .

ص ۲۶۱ ش ۹۳ : صاعد بن علی گرگانی ، کتاب مسالك ممالك يا عجایب البلدان او بیشتر متکیست بر کتاب مسالك والممالك ابن خردادبه .

ص ۲۴۱ ش ۹۴ : عبدالقادر مراغی ، لقب وی راهم کمال الدین و هم نظام الدین و کنیه اش را ابوالعضایل نوشته‌اند . نام پدرش راهم غنی و هم عینی و هم غیبی ضبط کرده‌اند اما در نسخه‌ای از کتاب مقاصد الاحسان که بخط خود در ۱۲ رمضان ۸۲۱ نوشته و در کتابخانه آستان رضویست نام خود را عبدالقادر بن غیبی الحافظ المراغی و نام پدرش را آشکارا غیبی نوشته است . در ۲۰ ذیقعده ۷۵۴ متولد شده ، در ۴ سالگی بمکتب رفته و در ۸ سالگی حافظ قرآن شده و در ۱۰ سالگی از فرا گرفتن صرف و نحو و معانی و بیان فراغت یافته است . نخست در دربار شیخ اویس چلاپیر (۷۵۷-۷۷۶) بوده و سپس ملازم سلطان احمد شده و درین مدت در تبریز و بغداد می‌زیسته . در ۷۹۵ تیمور او را از بغداد بسمرقند برد و سپس در آن شهر در دستگاه میرانشاه و شاهرخ بوده و در ۸۳۷ در هرات از بیماری وبا در گذشته و این که برخی تاریخ درگذشتن را در ۸۳۸ نوشته‌اند درست نیست . جامع الاحسان را برای پسرش نورالدین عبدالرحمن نوشته و مقاصد الاحسان را در پنجشنبه ۱۲ رمضان ۸۲۱ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : لحنیه و کنز الاحسان و شعر فارسی و ترکی می‌گفته و

عبدالقادری تخلص می کرده است .

ص ۲۶۳ ش ۱۱۲ : عبیدالله احرار، نسب او عبیدالله بن محمود بن شهاب الدین بوده است . در رمضان ۸۰۶ در روستای باغستان از توابع تاشکند ولادت یافت . پدرش نیز از مشایخ تصوف بود . نخست در شهر شاش می زیست و سفرهایی بسمرقند و بخارا کرد و مرید و خلیفهٔ بهاءالدین نقشبند شد . در شب شنبهٔ سلخ ربیع الاول ۸۹۵ درگذشت . وی را در خاتقاهی که در شهر سمرقند داشت بخاک سپردند و بازماندگانش نیز در آنجا مدفونند و آخرین کس که از ایشان در آنجا بخاک رفته نیازخواجه در گذشته در ۱۲۲۹ است و ایشان فرزندان خواجه محمد یحیی پسروی بوده اند . گذشته از سلسلهٔ العارقیین که محمد بن برهان الدین معروف بمحمدقاضی در سیرت او نوشته عبدالحی بن ابوالفتح حسینی نیز که از مریدانش بوده رساله‌ای در مناقب او و اعتقایش تألیف کرده است . دیگر از مؤلفات وی انقاس نفیسه و فقرات الخطیره یا فقرات و مجموعهٔ مکاتبات و افادات را باید دانست .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۷ : زین الدین خوافی، نام و نسب وی ابوبکر بن محمد بوده و در خواف در ۷۵۷ ولادت یافته و نیز از مریدان تاج الدین حسن شمشیری بوده است . در ۸۱۲ قطب الدین علی بن ملک محمود و شاه محمود پادشاهان سیستان وی را بشفاعت بدربار تیمور فرستادند و شفاعت او کارگر شد و در ۸۱۵ قطب الدین علی ابن ملک محمود بشفاعت او از سیستان بهرات رفت . در عید گاه هرات درگذشت . دیگر از مؤلفات اوست : وصایا القدسیه و تقریرات و رسایل و وصیه العارقیین بزبان تازی .

ص ۲۶۴ ش ۱۱۸ : یعقوب چرخی، نسب او را سروری هم نوشته اند . قبر وی اینک در کالجوز لنین در ۵ کیلومتری دوشنبه پایتخت تاجیکستان در وادی چغانیان در جایبست که سابقاً شهر حصارشادمان در آنجا بوده و بعد بحصارات معروف شده و اینک اثری از آن شهر نیست و تنها یک حمام و دو مزار از آن مانده است . قبر سرس یوسف چرخی که جانشین پدر شده تقریباً در ۴۰ کیلومتری دوشنبه است

درجایی که اینک بنام چرتک معروفست و ساختمانى بسبك قبر تیموردارد و در آنجا در کمر کوه خانقاهی بسیار بزرگ کنده‌اند و اندرون آن چند حجره است .

ص ۲۶۵ ش ۱۱۹ : شهاب‌الدین زاوی ، دیگر از مؤلفات اوست حواشی بر تفسیر بیضاوی .

ص ۲۶۵ ش ۱۲۰ : جلال‌الدین دوانی ، شرح هیاکل النور او شواکل الحور نام دارد و آنرا در زاویه مظفریه تبریز هنگام عزیمت بدیار بکر در شب پنجشنبه ۱۱ شوال ۸۷۲ پایان رسانده است .

ص ۲۶۲ ش ۱۲۱ : میرحسین میبیدی ، دیگر از مؤلفات اوست شرح صد کلمه علی بن ابی طالب . وی شعر فارسی نیز می‌سروده است .

ص ۲۶۸ ش ۱۲۲ : عبدالمؤمن بن صفی‌الدین ، لقب وی را ضیاء‌الدین و لقب جدش را بجای عزیزالدین عزالدین و نام کتابش را بهجة الروح نیز نوشته‌اند .
ص ۲۶۱ ش ۱۲۳ : غیاث‌الدین جمشید ، دیگر از مؤلفات اوست رسالته فی العمل باسهل آله من قبل النجوم .

ص ۲۷۲ ش ۱۴۴ : ابوالمحاسن گرگانی ، جلای‌الاذهان او بنام تفسیر گازر نیز معروفست .

ص ۲۷۴ ش ۱۶۰ : صاین‌الدین ترکه ، نام و نسب او بدین گونه است :
صاین‌الدین ابومحمد علی بن افضل‌الدین محمد بن صدرالدین ابوحامد محمد ترکه ، رحلت وی را در دوشنبه ۴ ذیحجه یا ۱۴ ذیحجه ۸۳۵ نیز ضبط کرده‌اند .
۴ ذیحجه آن سال شنبه و ۱۴ سه‌شنبه بوده و ممکنست شب پیش از ۱۴ در گذشته باشد .
اسرار الصلوة را در پنجشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۸۲۱ و ضوء اللمعات را در ۸۱۵ پایان رسانیده و دیگر از مؤلفات اوست : شرح قواعد التوحید جدش صدرالدین ابوحامد محمد بنام تمهید القواعد و کتابی در علم حروف و مناظره عقل و عشق که در ۸۰۸ نوشته و رساله در تحقیق اناقطة التي تحت الباء و رساله در بیان معنی قابلیت و تصور تحقق آن و شرح گلشن راز و رساله در شق القمر و منشآت .

ص ۲۸۳ ش ۱۸۶ : محمد بن برهان‌الدین از ۸۸۵ تا ۱۲ سال مرید عبیدالله
احرار بوده و پس از مرگ وی کتاب سلسله العارفين خود را نوشته است .
ص ۲۸۵ ش ۱۹۹ فخرالدین علی صفی ، از مریدان خواجه ناصر هروی
بوده است .



برصحیفه ۲۸۵ از نویسندگان قرن نهم این چندتن را باید افزود :
۴۰۳) یارعلی شیرازی ، مؤلف شرحی بر لمعات فخرالدین عراقی بنام
اللمعات فی شرح اللمعات .

۴۰۴) رکن‌الدین بهیمی بن محمد حسینی شیرازی ، از خاندان معروف
آل پنجیر سادات علوی شیراز مؤلف مقاله الأبرار در احوال بزرگان خاندان خود
که تلخیصی از کتاب اخبار الاخیار تألیف ابوسلیمان محمد شیرازی مورخست .
۴۰۵) رکن‌الدین محمد خوافی ، در گذشته در ۸۳۴ مؤلف تذکره الشعراء .
۴۰۶) علی بن طیفور بسطامی ، ظاهراً از متصوفه قرن نهم بوده و کتاب
انوار التحقیق را فراهم کرد که تلخیص و مجموعه ای از رسایل مختلف عبدالله

۴۰۷) سید خلیل‌الله بن سید محمود زیارتگاهی هروی ، مؤلف شرح
جواهر الاسلام در عقاید از مولانا نظام‌الدین شریف هروی که در ۸۴۴ پایان
رسانده است .

۴۰۸) ملا داود بیدری ، از مورخان هند مؤلف تحفة السلاطین در تاریخ
سلسله بهمنی دکن که بنام تاج‌الدین فیروز شاه بهمنی (۸۰۰ - ۸۲۰) نوشته است .
۴۰۹) عبدالله بن محمد بن کیا هازندرانی ، که رساله فلکیه را در علم
سیاحت در حدود سال ۸۶۵ تألیف کرده است .

۴۱۰) شرف‌الدین علی بن ابوبکر بن علی یزدی ، بجز شرف‌الدین علی
مورخ معروف و از دبیران زبردست زمان خود بوده و کتابی در فقه حنفی بنام شقایق

دقایق نعمانی نوشته و منشآت او نیز در دستت و برادرش قوام الدین محمد نیز شاعر بوده است .

(۲۱۱) امیر حسن بن منوچهر بن جمال الدین ابوطاهر بن عمار بن عمران بن موسی بن امام محمد تقی ، مؤلف منشور مبارک یا رساله انسانیه در انساب پادشاهان طبرستان که برای مرشد الدین شاه عبدالله مهرورف بسید میرزا و پسر او محمد برکت علاءالدوله نوه دختری سلطان حسین بایقرا نوشته است .

(۲۱۲) عبدالرحی بن ابوالفتح حسینی ، از مریدان خواجه ناصر الدین عبیدالله احرار بوده و رساله ای در مناقب وی و خاندانش نوشته است و نیز کتاب سلسله عالییه را در همین زمینه تالیف کرده است .

(۲۱۳) ناج الدین محمد بن ابراهیم کازرونی ، از مشایخ متصوف زمان خود بوده و در ۹۰۱ در گذشته و کتابی در تصوف بنام بحر السعاده نوشته است .

(۲۱۴) شیخ الاسلام زکریا بن محمد انصاری ، وی نیز از مشایخ تصوف بوده و در ۸۹۳ در گذشته و شرحی بر رساله قشیرییه بنام احکام الدلاله نوشته است .

(۲۱۵) عبدالرؤف هروی ، مؤلف رساله صید که برای بدیع الزمان میرزا پسر سلطان حسین بایقرا فراهم کرده است .

(۲۱۶) قاسم علی قاینی ، از دانشمندان زمان خود بوده و رساله ای در اسطرلاب نوشته است .

(۲۱۷) قاضی شمس الدین محمد بن محمد بن محمد بن طاهر آپادکانی طوسی ، مؤلف نسیم المقرین شرح منازل السائرین عبدالله انصاری که در ظهر پنجشنبه ۱۰ رمضان ۸۶۸ پایان رسانیده است .

(۲۱۸) احمد هدون بن محمد نیشابوری ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و باجمعی معاشرت داشته و مؤلف کتابیست بنام آیه الایات الفرقانی در کشف الایات که در ۸۸۵ بتالیف آن آغاز کرده و در ۸۹۱ در هرات پایان رسانیده است .

(۲۱۹) جلال الدین یوسف جامی ، از دانشمندان معاصر شاهرخ مؤلف فرزاید غیائی شامل مکاتیب تاریخی از آغاز اسلام تا زمان مؤلف .

(۴۲۰) نورالدین عبدالرحمن بن عبدالقادر مراغی ، پسر عبدالقادر مراغی موسیقی‌دان معروف که پدرش کتاب جامع‌الآلحان را در ۸۱۶ برای او نوشته و او هم در موسیقی استاد بوده و در خاک عثمانی می‌زیسته و کتاب مقاصد‌الادوار را در موسیقی بنام یازید آل عثمان (۸۸۶ - ۹۱۸) نوشته است .

(۴۲۱) مولانا عبدالرحیم مشهدی ، مؤلف کتابی در جغرافیا بنام مسالك الممالك .

(۴۲۲) خواجه عبدالشهید خاوند محمود بن خواجگی خضر بن عبیدالله احرار ، مانند پدران خود از مشایخ طریقه نقشبندی بوده و رساله‌ای در تصوف از او مانده است .

(۴۲۳) میرعلی حسینی ، وی بجز میرعلی حسینی خوشنویس معروف قرن نهم بوده و مؤلف کتابیست در تصوف بنام ریاحین القلوب .

(۴۲۴) علی بن محمد معروف بن نظام شامی ، وی نیز بجز نظام الدین عبدالواسع مورخ مشهور معروف بن نظام شامی و از متصوفه زمان خود بوده و مختصر منهاج العابدین در تصوف ازوست .

(۴۲۵) امام‌الدین محمد بن ابوظالب تبریزی معروف به امام طبیب ، در ۷۲۳ ولادت یافت و از دانشمندان نامی زمان خود بوده و در هیئت و طب و ریاضیات دست داشته و مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله کتاب الارشاد فی معرفة الاعداد بفارسی که بنام شیخ ابراهیم بن سلطان محمد بن کیقباد نوشته و شرح تلخیص محمود ابن محمد چغمینی که در ۷ جمادی‌الآخره ۸۲۴ در ۹۱ سالگی پایان رسانیده است .

(۴۲۶) حکیم محمود بن محمد بن عبداللّه ، مؤلف تحفه خانی در طب که در ۹۰۲ تمام کرده است .

(۴۲۷) برهان مسکین ، از دانشمندان ساکن هرات بوده و مؤلفات چند از او مانده است از آن جمله کتاب ارشاد المسلمین شرح عقاید اهل‌الاسلام نجم‌الدین نسفی که در هرات در ۹۱۴ پایان رسانده است و انیس‌الواعظین اربعین در احادیث رسول در دو دفتر یکی شرح احادیث و دیگر شرح آیات و روضة‌الالتقیا فی ذکر

الاولیا و انیس العابدین در عبادات و سراج المتعلمین در نحو و اوراد الاوقات و کنوز الاعمال در ادعیه و اذکار و خلاصة الاوراد .

(۲۲۸) احمد بن محمد بن حسن معروف بخليفة نیشابوری ، مؤلف ترجمه ملخص تاریخ نیشابور تألیف امام حاکم ابو عبدالله محمد بن عبدالله بن محمد ابن حمدویه بن نعیم بن حکم ضبی معروف بحاکم ابو عبدالله بن ابیج مؤلف مستدرک و تاریخ نیشابور از اکابر علمای حدیث که در ۳۲۱ ولادت یافته در ۴۰۶ در ۸۵ سالگی در گذشته و کتاب تاریخ خود را نخست در رمضان ۳۸۹ پایان رسانیده و سپس در ۴۰۲ آنرا تکمیل کرده است و درین ترجمه حوادث سال ۸۳۳ را ضبط کرده است .

(۲۲۹) ابوالمکارم بن علاء الملك ، از بازماندگان احمد جزم ژنده پیل که در ۸۴۰ کتابی در مقامات وی بنام خلاصة المقامات تألیف کرده است .

(۲۳۰) سیدیحیی بن بهاء الدین شروانی ، در شهر شماخی ولادت یافت و پدرش مردی مالدار بود و در جوانی خوش صورت بود . روزی که با جوانان گوی بازی می کرد پیرزاده پسر شیخ حاج عزالدین خلوتی از مریدان شیخ صدرالدین خلوتی و از پیشوایان خلوتیان برو گذشت و چون او را پسندید دعوتش کرد و وی پذیرفت و وارد طریقه خلوتی شد که یکی از فروع نشیبندیان بوده است . سپس از شماخی ببا کورفت و در آنجا ماند و بارشاد مردم پرداخت و نوشتند نزدیک ده هزار تن برو گرد آمدند و مریدش شدند و خلفای خود را باطراف فرستاد و در ۸۶۸ در باکو در گذشت . وی از بزرگان طریقه خلوتی بوده و در باکو مسجد و مدرسه و خانقاه داشته و خلفای معروف او مولانا یوسف مخدوم و قاضی ضیای شروانی و وشه قباد شروانی و عبدالمجید شروانی بوده اند . از مؤلفات چند هم مانده است مانند اسرار الطالبین و شفاء الاسرار و اسرار الوحی و شرح گلشن راز .

(۲۳۱) ابویزید عبدالرحمن بن محمد بن علی بسطامی ، از بزرگان متصوفه زمان خود بوده و در ۸۵۸ در گذشته و کتابهای چند بفارسی و عربی در

تصوف نوشته است از آن جمله مناهج التوسل و شمس الافاق والادعیه و الفواتح المسکیه که در ۸۴۴ بیان رسانده و ظاهراً شرح فتوحات المکیه ابن العربیست .
(۲۳۲) عبدالکریم همدانی ، در دکن می زیسته و مرید و شاگرد خواجه محمد قاوان دانشمند معروف این زمان بوده و کتابی در تاریخ دکن بنام تاریخ محمودی برای خواجه محمود نوشته و کتاب دیگری در احوال خواجه محمود پرداخته است .

(۲۳۳) سعدالدین کاشغری ، نخست جامه فروش بود، از بزرگان مشایخ نقشبندی در زمان خود و از مریدان نظام الدین خاموش در گذشته هنگام نماز آدینه چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۶۰ و مدفون در خیابان هرات بوده و بسیاری از متصوفه آن زمان از آن جمله عبدالرحمن جامی باو معتقد بوده اند و در هرات می زیسته است . در ۸۴۴ با گروهی از دانشمندان حج رفته و هنگام نماز پیشین چهارشنبه ۷ جمادی الاخره ۸۷۰ در هرات در گذشته است. دودختر پسرش خواجه اکبر معروف بخواجه کلان یکی زن عبدالرحمن جامی و دیگری زن فخرالدین علی صفی پسر ملاحسین کاشفی بوده اند. اصحاب وی ملفوظات او را بنام تقریرات گرد آورده اند.

(۲۳۴) محمود پسیخانی ، از مردم پسیخان گیلان و نخست پیرو طریقه حروفی و از شاگردان فضل الله حروفی بود و فضل الله او را طرد کرد و در سال ۸۰۰ طریقه تقطوی را اعلان کرد . در باره اش اطلاع کامل نیست و بهمین اندازه معلومست که طریقه وی تا پایان قرن دهم در برخی از نواحی ایران رایج بوده و متشرعین آنرا کفر می دانسته اند و بسیاری از پیروانش را بهمین جرم کشته اند. معارف پیروان وی تشبیهی کاشانی و فهمی کاشانی و حیاتی کاشانی و میرسید احمد کاشانی و درویش کمالی و سلیمان طبیب ساوجی و ترابی و خسرو درویش و بذاق بیک استاجلو و یوسف ملحد معروف بترکش دوز بوده که در سال ۱۰۰۰ که اختر شناسان قران نحسین را پیش بینی کرده و خطری متوجه شاه عباس می دانستند وی را برای فریب ستارگان بتخت نشانند و نام سلطنت باو دادند و پس از گذشتن قران وی را کشتند . این طریقه

ازبک (۹۹۱-۱۰۰۶) در ماوراءالنهر بار دیگر مجالس التفاضل علیشیر نوآ
از ترکی جغتایی به فارسی ترجمه کرده است .

۱۸۵) عبدالصمد بن افضل محمد، از صوفیه عند مؤلف اخبارالاصفیا در
احوال مشایخ که در ۱۰۱۴ تألیف کرده است .

۱۸۶) عبدالوهاب بن جلال الدین محمد همدانی ، نیز از متصوفه این
زمان بوده و در ۹۷۴ مناقب العارفين افلاکی را بنام ثواقب تلخیص کرده است .

۱۸۷) محمد بن برهان الدین سمرقندی ، معروف به محمد قاضی ، از
مریدان عبیدالله احرار پیشوای معروف نقشبندیان بوده و در ۹۲۱ در گذشته و
تذکرة الاولیا و سلسله العارفين دو کتاب در احوال مشایخ نوشته است .

۱۸۸) ابوالحسن محمد باقر بن محمد علی ، مؤلف تاریخ سلسله نقشبندی
که در ۹۴۷ نوشته است .

۱۸۹) معین الدین منیری ، از مردم منیر از توابع دهلی و از متصوفه اواخر
قرن دهم مؤلف ریاض الاولیا .

۱۹۰) محمد صالح بن امیر عبدالله قادر ، معاصر عبدالؤمن خان ازبک
بوده و تاریخ مزارات بلخ را در ۱۰۰۶ پایان رسانده است .

۱۹۱) عبیدالله نقشبندی ، مؤلف سراج السالکین و لطایف العارفين در
مقامات شیخ لطف الله چشتی در گذشته در ۹۷۹ و کتاب صوفیه نقشبندی که در ۹۸۱
نوشته است .

۱۹۲) محمد امین حشری تبریزی ، نویسنده و شاعر بوده و در ۱۰۱۱ کتابی
بنام روضه اطهار در مزارات تبریز تمام کرده است .

۱۹۳) عبدالکریم بن محمود قاضی معروف بقاضی اختیار . در ۱۰۰۹
سفرهایی در ماوراءالنهر و خراسان کرده و سفرنامه خود را بنام عوالم الاسرار
فی غرایب الاسفار نوشته است .

۱۹۴) مولانا شمعی ، از دانشمندان خاگ عثمانی بوده و از احوالش اطلاعی

نیست و در حدود سال ۱۰۰۰ در گذشته و شرحی بر دیوان حافظ نوشته است .

۱۹۵) سودی بسوی، از مردم سرزمین بسنه یا بوسنه و یا بوسنی در بالکان بوده که در آن زمان جزو مستعمرات عثمانیان بشمار می رفته است و از جزئیات احوالش اطلاعی نیست جز آنکه در حدود ۱۰۰۶ در گذشته است. وی ترکی و تازی و پارسی را نیکو می دانسته و دو شرح مختصر و مفصل بر دیوان حافظ نوشته است .
بر صحیفه ۴۰۷ درباره کتابهای قرن نهم که نویسندگان آنها معلوم نیست این کتابها را هم باید افزود : شرح اشعار امام علی بن ابی طالب که مؤلف آن معلوم نیست و شاگرد نظام الدین عبدالحق بوده و پس از شرح میر حسین میبیدی این شرح خود را بنام امیر سید علی که در قاین و سیستان بوده تألیف کرده است .
دیگر کتابی بنام قانون نامه چین و ختا در تاریخ اقوام ترک که در ۹۲۲ تألیف کرده اند .



در باره شعر قرن دهم نخست بر صحیفه ۴۰۸ این نکته را باید افزود : نام و نسب قطب الدین حیدر زاوی بدین گونه است : قطب الدین حیدر بن تیمور بن ابوبکر بن سلطان شاه بن سلطان خان سالوری در گذشته در ۱۱۰ سالگی که تاریخ در گذشت وی را هم ۶۱۳ و هم ۶۱۸ نوشته اند. اما در باره حیدریان تردید دارم فرقه ای از صوفیه که در زمان صفویه با نعمتیان یعنی پیروان نعمه الله ولی در افتاده اند پیروان او بوده باشند زیرا که دشوار می نماید تا سیصد و چند سال پس از مرگش این همه پیروان در مرکز ایران داشته بوده باشد . بگمانم مراد از حیدریان پیروان طریقه صفوی و اتباع سلطان حیدر نواده صفی الدین اردبیلی یعنی حیدر بن جنید بن ابراهیم ابن علی بن صدر الدین موسی بن صفی الدین اردبیلی بوده باشند که پیش از شاه اسمعیل شافعی بوده اند و قهراً می بایست با صوفیه نعمه الهی که شیعه بوده اند اختلاف داشته باشند .

سپس این مطالب را در باره شاعران قرن نهم باید افزود :

ص ۴۱۲ ش ۱۱ : سجایی استرآبادی ، تاریخ در گذشت وی را برخی ۱۰۱۶ و شماره رباعیاتش را هفتاد هزار نوشته اند و پیدا است که مبالغه است .

ص ۴۱۵ ش ۱۹ : قاسم کاهی ، نخست در ۱۵ سالگی ببدخشان بدر بار عسکری میرزا رفته است . در دربار اکبر سمت ملك الشعرايي یافته و يك بار هزار تنگه صلۀ يك غزل باو داده است . وفاتش را در ۹۸۳ و ۹۸۴ نیز ضبط کرده اند و نوشته اند که صده وده یاصد و بیست سال عمر کرده است و او را معتاد بیاده خواری دانسته اند . در فتح پور در گذشته و سپس پیکرش را با گره برده و در آنجا بخاک سپرده اند . در علم ادوار نیز دست داشته است .

ص ۴۱۶ ش ۲۰ : حسین مروزی ، در حج تفسیر و حدیث را از ابن حجر مکی فرا گرفته و فیضی با او معتقد بوده است . سال در گذشتش را برخی ۹۷۹ و برخی ۹۹۹ نوشته اند و این روایت دوم درست نمی نماید . وی غزل را نیز نیکو می سرده است .

ص ۴۱۶ ش ۲۱ : حسین ثنایی ، در دربار اکبر زیسته و تا ۹۷۸ زنده بوده است . ص ۴۱۷ ش ۲۲ : عرفی شیرازی ، دیگر از آثار وی رساله نفسیه را باید دانست . ص ۴۱۸ ش ۲۳ : شیری لاهوری ، نام وی یا پدرش شیخ عبدالحی بوده که مردی دانشمند و قاضی شرع بوده است و خود از مداحان اکبر بوده و در جنگ افغانان با راجه بیریر یا بیریل که همراه وی بوده در افغانستان در گذشته و اقسام مختلف شعر می سروده است .

ص ۴۱۸ ش ۲۴ : قیدی شیرازی : تا ۹۸۴ زنده بوده است .

ص ۴۱۹ ش ۲۷ : زهائی خوافی ، نام وی ملا سعدالدین بوده و چون در هرات زیسته به روی نیز معروف بوده است . مثنوی منظوراً نظار را در برابر مخزن الاسرار بنام اکبر سروده است .

ص ۴۲۰ ش ۳۰ : میر حیدر معمای رفیعی ، نام وی میر رفیع الدین حیدر طباطبایی بوده و پسر دیگری داشته است میر ابوطالب کاشانی که ذکرش بجای خود

آمده است .

ص ۴۲۱ ش ۳۲ : میلی هروی ، در مالوه در گذشته است .

ص ۴۲۲ ش ۳۷ : محوی همدانی ، اصل وی از اسدآباد همدان بوده و مدتی

در نیشابور زیسته و بحج و از آنجا به بند رفته و نزد خان خانان مقرب بوده و در ۱۰۲۰ در گذشته است .

ص ۴۲۲ ش ۳۹ : روغنی ، باسترآبادی و هروی معروف بوده و پیداست که از

مردم استرآباد بوده و در هرات زیسته است . قلعه مالوگره که وی در روز آدینه ۲۳ جمادی الاولی ۹۸۰ در آن جا در گذشته از توابع سروین در گجرات است .

ص ۴۲۲ ش ۴۰ : نویدی نیشابوری ، با امیر قریش خویشاوندی داشته است .

ص ۴۲۳ ش ۴۱ : شکیبی اصفهانی ، از مریدان خواجه علاءالدین عطار نقشبندی

بوده و در نجوم و رمل دست داشته است .

ص ۴۲۳ ش ۴۲ : فارغی شیرازی ، در دربار جلال الدین محمد اکبر بوده

و نام پدرش را میر مرتضی نیز نوشته اند .

ص ۴۲۳ ش ۴۳ : انیسی شاملو ، کتابدار علینقی خان بوده و پس از کشته

شدن او بدست عبدالله خان از بک به بند گریخته است . تاریخ درگذشت وی را نزدیک ظهر شب ۲۴ صفر ۱۰۱۶ نیز نوشته اند و گفته اند که در برها نپور مدفون شده است .

ص ۴۲۴ ش ۴۵ : جدایی تبریزی ، نخست از نقاشان کتابخانه شاه طهماسب بود

و رنجشی پیدا کرد و از پای تخت بعراق و از آنجا به بند رفت و در آنجا باغزالی مشهدی

در افتاد و یک دیگر را هجو کردند . در هندوستان منصب امارت یافت و نادر الملک

لقب گرفت و سفری بزیارت حرمین رفت و به بند باز گشت .

ص ۴۲۵ ش ۴۸ : وقوعی نیشابوری ، از سادات اسحق آباد نیشابور بوده و

در زمان اکبر به هندوستان رفته و خان خانان یک بار بصله یک رباعی سه هزاره محمودی

باو داده است . خط شکسته را خوب می نوشته و در لاهور در گذشته است .

ص ۲۴۵ ش ۴۹ : قراری گیلانی ، نام و نسب وی نورالدین محمد بس

عبدالرزاق معروف بصدر گیلان و خود نیز از کار گزاران مقرب خان احمد خان و از شاگردان افضل الدین محمد تر که بود . هنگامی که خان احمد خان باصفویه در افتاد وی بقزوین رفت و ظاهراً پس از آن با برادرش امیر همایون بهند رفته است . ص ۴۲۵ ش ۵۰ : غیرتی شیرازی ، از سادات شیراز بوده و دوبار بهند رفته ، یار اول بمصاحبت امیر نورالدین محمد قراری و امیر همایون پسران مولانا عبدالرزاق صدر گیلان رفته و قصیده و غزل می سروده است .

ص ۴۲۵ ش ۵۱ : حیاتی گیلانی ، نخست در گیلان می زیسته و در آنجا میلی شاعر شمشیری بدست راست او زد و مجروحش کرد و وی عفو کرده و بکاشان و از آنجا بهند رفته است . در پایان زندگی نزد خان خانان بسیار مقرب شد و ثروت بسیار بهم زد و خان خانان يك بار او را بخزانة خود برد که هر اندازه اشرفی می خواهد بر دارد . سرانجام از ملازمان شاهزاده دانیال و سپس نورالدین جهانگیر شد و در ۱۰۱۵ هـ مرد . ص ۴۲۶ ش ۵۳ : فهمی طهرانی ، نامش طهمااسب قلی و از درباریان شاه طهماسب بوده است .

ص ۴۲۶ ش ۵۴ : سهمی بخاری ، در دستگاه پیرم خان خان خانان نیز بوده است . ص ۴۲۶ ش ۵۸ : درویش بهرام سقا ، برخی او را از مردم بخارا و برخی از مردم بلخ دانسته اند ، مردی سالك و مجتوب بود . نخست طالب علم بود و سپس وارد حلقه تصوف شد و بسقایی گرد جهان می گشت تا بهندوستان رسید . نیت کرده بود پسرنديب برود و در آنجا بماند . چون در تانده یکی از قصبات کور بصحبت شیخ بابویکی از بزرگان مشایخ هند رسید وی او را از رفتن بدانجا بازداشت و گفت باید در بردوان بمانی و در آنجا مدفون شوی . وی ببردوان رفت و جایی را که شیخ بابو با و نشان داده بود یافت و در آنجا ماند تا در ۹۸۲ در آنجا در گذشت . درویش محمد نام از مریدانش که برخاکش مجاور بود گفته است از ماوراءالنهر با او آمد و تازنده بود با او بودم و بمن دستور داد بر سر قبرش باشم و می گفت سبب شعر گفتن من

این بود که شبی قاسم انوار را در خواب دیدم که بر لب حوض مزار قثم بن العباس در سمرقند نشسته است و چون مرادید گفت دریش چیزی بخوان . من اشعاری خواندم . گفت : از خود بخوان . چون بیدار شدم در بدیبه غزلی سرودم و شاعر شدم و حال آنکه پدران من از اعیان بودند . مزارش در قصبه بردوان در ناحیه اوریسه بر سر راه بنگاله و سرندیب در زیر درخت املی بزرگ یعنی تمر هندی و در نزدیکی تالابی زیارتگاه است . وی در شعر فارسی و ترکی دست داشته و روزی که در حال جذب به بوده دیوان فارسی و ترکی خود را در آب انداخته است . بیش از سی هزار بیت غزل عارفانه بسبک غزلیات مولانا جلال الدین و قاسم انوار سروده و سقا تخلص می کرده

ص ۴۲۷ ش ۵۹ : حیدری تبریزی ، نخست تاج دوزی می کرد و با آنکه در هند توانگر شده بود در بازگشت از هند از آن کشور بدمی گفت . وحشی با او در افتاده و یک دیگر را هجو کرده اند . سه بار بهند رفته است و اکبر در برابر یک قصیده ده هزار روپیه و خلعت واسب با وصله داده است . تا پایان قرن دهم می زیسته و پسری داشته که سامری تخلص می کرده است و دیوان او شامل شانزده هزار بیت بوده است .

ص ۴۲۸ ش ۶۵ : شریف سرمدی اصفهانی ، نام درست وی ملا شریف و از سادات و در هند از ملازمان راجه مان سنگه بوده و در ۱۰۱۵ در گذشته است .

ص ۴۲۸ ش ۶۷ : تقی الدین محمد ششتری ، اکبر او را مأمور کرده است داستانهای شاهنامه را بنشر بنویسد اما عمرش باین کار وفا نکرده است .

ص ۴۲۹ ش ۶۸ : اسپری رازی ، پسر قاضی مسعود سیفی حسینی بوده و در ۹۸۲ در گذشته است

ص ۴۲۹ ش ۶۹ : نظیری نیشابوری ، از خان خانان یک باریک لك روپیه صله گرفته است . استادانش شیخ محمد سندوی و ملا حسین جوهری بوده اند و دیوانش را شامل نه هزار بیت نیز دانسته اند .

ص ۴۳۰ ش ۷۴ : عزیززی قزوینی ، باپهری نیز معروف بوده و در ۹۸۸ در گذشته است .

ص ۴۳۱ ش ۷۷ : طالب اصفهانی ، در ۱۰۳۰ رحلت کرده است .

ص ۴۳۱ ش ۷۸ : میراشکی قمی ، برادر میرعزیزالله حضوری قمی بوده و دو دیوان داشته و یکی از آنها را بطریق طرد و عکس پایان رسانده است .

ص ۴۳۲ ش ۸۲ : صالحی هروی ، بمشهدی نیز معروف بوده و نخست از منشیان دربار سلطان محمد خداپنده بشمار می رفته است .

ص ۴۳۳ ش ۸۵ : علاء الدوله کامی قزوینی ، از خاندان معروف سیفی سادات حسنی قزوین بوده که مدت های مدید دانشمندان نامی از آن برخاسته اند . پدرش میریحیی که در ۹۶۲ درگذشت و جدش میرعبداللطیف در طریقه تسنن تعصب بسیار داشته اند و بدین صفت معروف بوده اند . برادرش نیز میرزا عبداللطیف نام داشته است . پدرش میریحیی چون شاه اسمعیل بسلطنت رسید ماده تاریخ جلوس او را « مذهب ناحق » گفت و چون شاه از او بازخواست کرد گفت من « مذهبنا حق » گفته ام . پس از آن شاه طهماسب در صد آزار وی و خاندانش بر آمد و يك قورچی از آذربایجان بقرزین فرستاد که میریحیی و پسرش میرعبداللطیف را که پیشوایان اهل سنت در قزوین بودند دستگیر کند و بآذربایجان بفرستد و خانواده شان را باصفهان بفرستد . میرعلاء الدوله که در آذربایجان بود بشتاب قاصدی نزد پدر و برادر فرستاد و ایشان را آگاه کرد . میریحیی را که یحیای معصوم می گفتند قورچیان گرفتند و يك سال و نیم در زندان اصفهان ماند و در ۷۷ سالگی در رجب ۹۶۲ در زندان مرد . میرعبداللطیف از زندان گریخت و چندی در کوه های گیلان سرگردان بود و از آنجا بجلال الدین اکبر متوسل شد و او اجازه داد بهند برود و با برادرش میرعلاء الدوله در ۹۶۳ بهند رسید و هر دو برادر در دربار اکبر احترام بسیار یافتند و کبر دیوان حافظ و کتاب های دیگر را نزد میرعبداللطیف درس می خوانند و در ۵ رجب ۹۸۱ در فتح پور درگذشت و در بالای قلعه اجمیر در کنار قبر میرسید

حسین خنک سوارپیکرش را بخاک سپردند . برادرش علاء الدوله ظاهراً در ۹۸۲ در گذشته و وی را نیز در همان جا دفن کرده‌اند و دیگر از مؤلفات او صحیفه الارقام در علم خط و رساله در صنایع شعر را باید دانست .

ص ۴۳۳ ش ۸۷ : ملك قمی ، ملك الشعراى دربار نظامشاه بوده و بیشتر در احمدنگرمی زیسته است . در ۱۰۰۳ که اکبر دکن را گرفت وی در حصار احمدنگر بود و پس از چند روز بیرون آمد و باشاه مراد کبر و عبدالرحیم خان خان خانان مربوط شد و دستایش ایشان قصایدی سرود و بار دیگر گرفتار شد و چون ایشان بسرزمین برار رفتند وی از زندان بیرون آمد و بشهر بیجاپور نزد عادلشاه رفت و ملك الشعراى دربار او شد . بسیار کم سخن می‌گفت و تاریخ را خوب می‌دانست و يك مثنوی در برابر مخزن الاسرار نظامی سروده است .

ص ۴۳۴ ش ۸۸ : نوعی خوبشانی ، نام و نسب وی محمد رضابن محمود بوده است . در ۹۷۰ در خوبشان ولادت یافته و چون چندی در مشهد زیسته بمشهدی معروف شده و پس از ویرانی اورگنج و هرات از مشهد بباورد رفته و چندی در آنجا بوده و بهمین جهت برخی او را باوردی دانسته‌اند . در جوانی با پدر خود بکاشان رفت و در آنجا بشاعری آغاز کرد و محتشم او را گرامی می‌داشت . سپس برای دیدار خواجه ابوالقاسم سیری از خوبشاندان خود که مرد محتشمی بوده است با پدر بگجرات رفت . پس از چندی با پدر بمشهد برگشت و پدرش در آنجا درگذشت . وی در اندک زمانی میراث پدر را بخوش گذرانی تمام کرد و بار دیگر بهندرفت و در لاهور مصاحب میرزا یوسف خان رضوی از سادات مشهد و از اعرای چهار هزاری دربار اکبر شد و با وی بکشمیر رفت . در کمانداری بسیار ماهر بود چنانکه در يك روز پنج بار هدف را بتیر بود و بهمین جهت شاهزاده دانیال پسر خرد اکبر که در جوانی در ۱۰۱۳ در گذشت و شهرت او را شنیده بود وی را از میرزا یوسف خان خواست . دیوان وی شامل چهار هزار بیت و ساقی نامه اش شامل ۷۰۰ بیت است که خان خانان در برابر آن ده هزار روپیه صله داده است و سوزو گداز شامل ۵۰۰

بیت در بازه سنی شدن یعنی خود را سوزاندن زن هندو که دلدادۀ شوهر خویش بود در لاهور یا اکبر آباد بخواہش شاهزادہ دانیال سروده شدہ است .

ص ۴۳۴ ش ۸۹ : وحشی بافقی، نام وی کمال الدین محمد بوده است، وی را برخی از شاگردان شرف الدین علی یزدی دانسته اند و از دوستان محتمم بشمار می رفته و هنگام اقامت در کاشان با وی محشور بوده است . سبب مرگ وی را برخی حمای محرقہ دانسته اند و برخی گفته اند کہ بدست معشوقش کشته شدہ است و این درست نیست . تاریخ رحلت وی را ۹۶۱ و ۹۹۲ و ۹۹۷ نوشته اند و حتماً در ۹۹۱ در گذشتہ است . دیوان وی شامل ۵۳۰۰ بیت ، خلدبرین شامل ۵۹۲ بیت، ناظر و منظور شامل ۱۵۶۹ بیت و شیرین و فرهاد کہ ظاهراً در ۹۶۱ ناتمام مانده شامل ۱۰۲۰ بیتست . دنبالۀ آنرا کہ وصال شیرازی سروده نیز ناتمام مانده و آقا مهدی صابر شیرازی در گذشتہ پس از ۱۲۸۰ آنرا تمام کرده است .

ص ۴۳۶ ش ۹۱ . لسانی شیرازی ، لقب وی را کمال الدین ہم نوشته اند . نخست در خراسان ملازم سام میرزا صفوی بوده است . نوشته اند اشعارش با اندازه ای بود کہ نمی توانست ضبط کند و بہر شاعری کہ نزد اومی رفت از اشعار خود می بخشید تا بتخلص خود بخواند . روزی کہ دوستان را بطعام دعوت کرده بود پس از طعام ازیشان بحلی خواست و همان شب در صحبت ایشان در گذشت و در قبرستان سرخاب مدفون شد .

ص ۴۳۶ ش ۹۲ : فضولی بغدادی ، در گذشت وی را در ۹۷۶ نیز نوشته اند . در زبان تازی نیز دست داشته و رسالہ ای باین زبان بنام مطلع الاعتقاد نوشته است . ص ۴۳۸ ش ۹۴ : فخری هروی، مدتی نیز در دربار شاه حسن ارغون حکمران سند و تہ (۹۳۰ - ۹۶۱) بوده و کتاب صنایع الحسن و روضۃ السلاطین را در تذکرہ پادشاهان شاعر بنام وی نوشته و نیز چند مثنوی سروده است .

ص ۴۳۹ ش ۹۶ : قاضی شرف جهان ، از خاندان معروف سیفی قزوین و در ضمن از شاگردان غیاث الدین منصور و از دوستان و خویشاوندان میر عماد خوشنویس

روف و مردی نیکوکار بوده و آبادی بسیار کرده از آن جمله نهری در کربلا خته و دیوانش نزدیک ده هزار بیت بوده است .

ص ۴۴۱ ش ۱۰۱ : ملا احمد ایبوردی، وی در سمرقند از شاگردان ملا احمد می دانشمند معروف آن زمان و در هرات از شاگردان جامی بوده و از پیروان طریقهٔ نبندی بشمار می رفته است . کیسه زری که بازرگان نزد او برده محتوی ده هزار از بوده و گفته است که در سفر دریا نذر امام علی بن ابی طالب کرده بود . گذشت وی در ۹۵۰ سه روز پیش از رسیدن قورچی که از قزوین مأمور عقوبت او بود روی داده است . وی قصاید و غزلیات بسیار سروده است .

ص ۴۴۲ ش ۱۰۲ : ابوالحسن دانشمند ، کتاب مشارق را در هیئت نوشته و دیگر از مولفات او حاشیه بر هدایهٔ اثیریه است .

ص ۴۴۵ ش ۱۰۶ : مانی شیرازی ، نقاش ماهری بوده است ، نوشته اند دلدادۀ اسماعیل بوده و بهمین جرم کشته شده و دوستانش شفاعت کردند و شاه از او شت اما دیر شده بود و در تبریز کشته شده و در سرخاب او را بخاک سپرده اند .

ص ۴۴۵ ش ۱۰۷ : ظهوری ترشیزی ، در صلهٔ ساقی نامه ابراهیم عادلشاه فیل و مقداری نقد و جنس با او بخشیده است . ملک قمی داماد وی بوده و با عرفی به و مشاعره داشته و نیز نوشته اند در بیجاپور در گذشته است .

ص ۴۴۶ ش ۱۱۰ : ضمیری اصفهانی ، نامش کمال الدین حسین بوده است .
ص ۴۴۷ ش ۱۱۳ : قاضی احمد سیستانی ، معما و تاریخ را خوب می گفت و ۹۰ در گذشت .

ص ۴۴۷ ش ۱۱۶ : خلیفه اسدالله ، ملولی تخلص می کرد و خلیفه سلطان او بود .

ص ۴۵۲ ش ۱۲۳ : القاص میرزا ، در ۹۳۲ شاه طهماسب حکمرانی شروان داد . در ۹۵۵ بالشکریان عثمانی بایران آمد . پس از اقامت در مشهد در ۲۲

ربیع الاول ۹۵۶ در الموت زندانی شد . نوشته اند پس از شش روز دو سه تن که پدرانشان را کشته بود بقصاص وی را از آن قلعه بزرگ انداختند و کشتند ، اما این روایت درست نمی نماید زیرا که وی ظاهراً در ۹۸۴ در مشهد در گذشته است .

ص ۴۵۳ ش ۱۲۷ : انسی قندهاری ، نامش محمد شاه بوده است .

ص ۴۵۴ ش ۱۳۳ : بهرام میرزا صفوی ، ظهیرالدین لقب داشته و در ۹۳۶

حکمران هرات شده است . در گذشت وی را در ۳۳ سالگی در شب سه شنبه ۱۹ رمضان ۹۶۵ نیز نوشته اند . شاهزاده ای دانشمند و خوشنویس و دانش پرور بوده و امیر یحیی بن عبداللطیف قزوینی لب التواریخ را بنام وی نوشته است .

ص ۴۵۵ ش ۱۳۵ : بهرام خان ، نام وی را بیرم خان نیز نوشته اند .

ص ۴۵۷ ش ۱۳۸ : صادقی بیک افشار ، مثنوی قانون الصور او در قواعد نقاشی

و شامل ۲۱۰ بیت است .

ص ۴۵۸ ش ۱۳۹ : ولی دشت بیاضی ، چندی هم در قزوین زیسته است .

ص ۴۵۸ ش ۱۴۰ : طیفور انجدانی ، نوشته اند که یک بیت او را بملک قمی

نسبت می دادند و بنام وی معروف شده بود چون ملک قمی بهند می رفت وی در پی او براه افتاد و در لار باو رسید و ازو سند گرفت که آن بیت ازو نیست .

ص ۴۵۹ ش ۱۴۳ : فهمی کاشانی ، بامحتشم مهاجده کرده است .

ص ۴۶۳ ش ۱۵۷ : فهمی خبیصی ، در ۹۷۸ که شاه عباس در زمان پدرش

از هرات بشیراز می رفت در راه در خبیص نزد او رفت و مورد توجه شاه عباس شد و باو وعده کرد که از پدرش شاه محمد خدا بنده بخواهد منصب صدارت خود را باو بدهد و بهمین جهت او را از شیراز بدر بارخواستند و منصب صدارت را باو دادند . مردی دانشمند و بسیار پارسا بود و در ریاضیات و نجوم و رمل دست داشت و نویسنده و شاعر زبردست بود و بسیار بخشنده بود چنانکه نوشته اند نزدیک صد هزار تومان پول نقد و بهای خاک فیروزه را که از درآمدهای اوقاف و نذرها و خمس معادن فیروزه و جز آن در خزانه خود داشت در دوسه سال بسادات و علما و پرهیزگاران و تنگستان و طلاب

داد و مردی درویش مشرب بود و شعر خوب می گفت .

ص ۴۶۴ ش ۱۶۴ : شریف تبریزی ، شاگرد لسانی بوده و زندگی را بتنگ دستی گذرانیده و در پایان زندگی در اردبیل ملازم سام میرزا بوده است . وقتی قصیده‌ای در ستایش خواجه غیاث الدین علی معروف بکهره و کبود چشم مستوفی دیوان شاه طهماسب که چشمان کبود و موی و روی زرد داشته سروده بود و چون صله باو نداده بود ترکیب بندی در هجو او ساخت و شاه بخشم آمد و دستور داد او را بکشند . وی اجازه خواست آن اشعار را برای شاه بخواند و سپس هر حکم که روا باشد بکند . شاه چون آن ترکیب بند را شنید پسندید و از کشتن او گذشت بشرط آنکه از خواجه غیاث الدین دلجویی بکند . وی نیز اشعاری در هجو شاه نعیم الدین نعمه الله ثانی نواده شاه نعمه الله ولی و داماد شاه طهماسب سروده است . دیوانش را شامل نه هزار بیت دانسته‌اند . نوشته‌اند در ۹۵۶ باردیبل رفته و در آنجا بوبادر گذشته و در آنجا مدفون شده است . در زمان خود بسیار مشهور بوده و اشعار سست لسانی را مخمس کرده و مجموعه آنها را سهو اللسان نام گذاشته و وحید تبریزی بنام لسان الغیب پاسخی بر آن نوشته است .

ص ۴۶۵ ش ۱۶۵ : حیرتی کاشانی ، منظومه بهجه المباحج او شامل ۲۱۶۰۰ بیت بوزن خسرو و شیرین نظامی در شرح غزوات رسول و معجزات اوست که بنام شاه طهماسب در ۹۴۴ پایان رسانیده و آنرا کتیب معجزات نیز نام گذاشته است .

ص ۴۶۶ ش ۱۷۲ : حالتی ترکمان ، چندی در تبریز زیسته و در سال ۱۰۰۰ در گذشته است .

ص ۴۶۶ ش ۱۷۳ : حیرتی تونی ، مورد توجه شاه عباس و می‌خواهره بوده است .

ص ۴۶۷ ش ۱۷۸ : رشکی همدانی ، پسر حسن بیك لنگ اردو آبادی و از بزرگ زادگان همدان و مردی لایبالی بوده و عسش باشی تبریز شده و او پاش او را کشته‌اند .

ص ۴۶۷ ش ۱۸۲ : میرزا شاه حسینی اصفهانی ، پسر میرزا شاه بیك ، جدش امیر ذوالنون ارغون از جانب سلطان حسین بایقرا حکمرانی قندهار داشته و وی پس از کشته شدن نجم ثانی بوزارت رسیده است .

ص ۴۶۸ ش ۱۸۳ : شاهی مولوی ، تاریخ اتمام گلشن توحید را برخی در ۹۴۰ نوشته اند .

ص ۴۶۸ ش ۱۸۴ : شرف الدین علی بافتی ، ندیم سام میرزا صفوی بوده و بنام وی رساله‌ای در معما و رساله‌ای در حفظ الصحه و رساله‌ای در بحران نوشته است . برخی وفاتش را در ۹۷۴ ضبط کرده اند .

ص ۴۷۰ ش ۱۹۱ : یعقوب صرفی کشمیری ، در ۹۶۴ با شیخ سلیم پیشوای چشتیان هندوستان به حج رفته و درین سفر از ابن حجر مکی مفتی مکه اجازه روایت حدیث گرفته است . خمسۀ او بنام پنج گنج شامل مثنویهای مقامات پیرو و امق و عنذرا و لیلی و مجنون و مغازی النبی و مسالك الاخیار در برابر مخزن الاسرار است و دیوان اشعار خود را نیز فراهم کرده است .

ص ۴۷۰ ش ۱۹۲ : عالمی دارا بگردی ، میرزا سهراب نام داشته است .

ص ۴۷۰ ش ۱۹۶ : عشقی کاشانی ، عزالدین محمود نام داشته و از دوستان محتمم و عاشق پیشه بوده است .

ص ۴۷۱ ش ۱۹۹ : عبدی شیرازی ، نخست مفرد نویس دربار شاه ظهاسب و در سیاق و ترسل معروف بوده است .

ص ۴۷۵ ش ۲۰۳ : نصیرالدین همایون ، تاریخ در گذشت وی را هفتم ربیع - الاول نیز نوشته اند .

ص ۴۹۱ ش ۲۱۶ : سلطان ابراهیم میرزا ، ظهیرالدین ابوالفتح لقب داشته و تا ۹۷۹ حکمران خراسان بوده است . شمخال سلطان بدستور شاه اسماعیل دوم در روز شبۀ ۵ ذیحجه آن سال وی را با یازده تن دیگر از شاهزادگان صفوی کشته است . وی شاهزاده‌ای بسیار دانشمند بود ، در قرائت و تجوید شاگرد شیخ

حسنعلی طبسی و پسرش شیخ فخرالدین بوده و در علوم ادبی و منطق و معانی بیان و حکمت و رجال و حدیث و تاریخ و ریاضیات دست داشته و در موسیقی استاد بوده و چند آهنگ ساخته است و شعر فارسی و ترکی را خوب می سروده و سه هزار بیت دیوان داشته و تذکره ای بنام قزهننگ ابراهیمی نوشته است و خواجه حسین ثنائی و انیسی شاملو و قاسم قانونی موسیقی دان معروف دست پروردگان او بوده اند .

ص ۴۹۸ ش ۲۳۱ : راستی تبریزی ، نخست تولیت نصریه را داشته است .

ص ۵۰۰ ش ۲۴۰ : رجایی اصفهانی ، از بازماندگان کمال الدین اسمعیل

شاعر معروف بوده و در حساب و هندسه دست داشته و در ۹۶۲ در مشهد بدست یکی از اشرار کشته شده است .

ص ۵۰۰ ش ۲۴۳ : طهماسب قلی بیگ عرشی ، از کردان یزد یا از امیر

زادگان افشار کرمان و پسر دایه شاه اسماعیل دوم بود و از کار گزاران دربار شاه طهماسب بشمار می رفت . نخست عهده و سپس عرشی تخلص کرده و در ۹۸۹ کشته شده و در شعر شاگرد وحشی بافقی بوده و دوازده هزار بیت قصیده و اقسام دیگر شعر سروده است .

ص ۵۰۲ ش ۲۵۹ : محمد مؤمن استرآبادی ، پسر میرعلی حسینی استرآبادی ،

۲۵ سال وکیل شاه طهماسب بود و پس از مرگ سلطان حیدر بدکن رفت و محمد قلی قطب شاه پادشاه گلکنده وی را بسیار گرامی داشت و منصب صدارت را باو داد و در ۱۰۳۴ درگذشت . اشعارش را در ۱۰۰۷ بدستور محمد قلی قطب شاه جمع کرده و رساله ای در اوزان و مقادیر نوشته که بنام رساله مقداریه معروفست .

ص ۵۰۳ ش ۲۶۲ : میرمحمد کسکنی ، داماد میرشمس الدین علی ازمشاهیر

سادات سبزوار بوده و از کار گزاران دربار شاه طهماسب بشمار می رفته و در پایان زندگی توبه کرده است .

ص ۵۰۳ ش ۲۶۶ : میرمنهی ، در زمان اکبر بهند رفت و ملازم شاهزاده محمد

سلیم جهانگیر شد .

ص ۵۰۳ ش ۲۷۱ : صادق اردوبادی ، برادر زاده میرزا کافی از اهلیان دربار صفویه و چندی ساکن مشهد بوده و چون سادات آن شهر را هجو کرده او را از آنجا بیرون کرده‌اند و در ۹۷۰ بهند رفته و مرتضی نظامشاه در دکن منصب جاگیری باو داد و هنگام استیلای اکبر بر دکن در گذشت .

ص ۵۰۴ ش ۲۷۲ : معزالدین کاشانی ، از سادات کاشان بوده و در زمان اکبر بهند رفته و در موسیقی دست داشته و دلدادۀ نانوا پسری بوده است .

ص ۵۰۵ ش ۲۸۲ : میرابوالبقای ، تذکره‌ای از شاعران نوشته است .

ص ۵۰۵ ش ۲۸۶ : مقیمی ، برخی شکر اوغلی را نام جایی نزدیک مازندران نوشته‌اند و این درست نیست و نام طایفه است . وی تا ۹۸۰ در قزوین بوده و در ۹۹۸ وارد هندوستان شده و عبدالرحیم خان خان‌خانان با او خویشاوند بوده و یوسف و زلیخایی سروده است .

ص ۵۰۷ ش ۲۹۵ : مشربی تکلو ، در زمان شاه محمد خدا بنده بامسیب خان بدر بار اکبر رفت و در هند در گذشت .

ص ۵۰۹ ش ۳۰۴ : شجاع کاشانی ، چون حکمران کاشان از هجوی که در باره اش سروده بود خشمگین شد وی از کاشان گریخت و در ۹۸۱ کسان حاکم وی را در اصفهان کشتند .

ص ۵۰۹ ش ۳۰۶ : طوفی تبریزی ، چندی در گیلان زیسته است و عجزی و صبوری و حکیم ابوطالب از شاعران زمانه شاگرد او بوده‌اند و دیوانش نزدیک بیست هزار بیت میشده

ص ۵۱۰ ش ۳۰۸ : فگاری سبزواری ، قاضی قزوین بوده و بهمین جهت بقزوینی معروف شده است و اینکه برخی وی را سبزواری دانسته‌اند ظاهراً درست نیست .

مرد شیرین سخن حاضر جوابی بوده و تا ۹۸۴ در قزوین می‌زیسته و در پایان زندگی در مشهد معتکف شده و شاه محمد خدا بنده وظیفه برایش معین کرده است . در گذشت وی را در ۹۷۵ و ۹۸۹ نوشته‌اند و چون تا ۹۸۴ در قزوین بوده پیدا است که در ۹۸۹ باید

در گذشته باشد. برخی وی را باقاضی احمدغفاری قزوینی مؤلف نگارستان و نسخ جهان آرا اشتباه کرده اند.

ص ۵۱۱ ش ۳۱۴ : سایر نیاوندی ، برخی بخط او را دماوندی دانسته اند.

ص ۵۱۱ ش ۳۱۶ : نیکی اصفهانی ، در نظنر ولادت یافته و در اصفهان نشو

ونما کرده است . نخست حلاج بوده و سفر بسیار کرده و مدتی بامیرزا شرف جهان

ولسانی معاشر بوده و در رمضان سال ۱۰۰۰ در صد سالگی در سجده نماز بفجائده در گذشته

است . مثنوی زبده الاسرار را در برابر مخزن الاسرار سروده است .

ص ۵۱۱ ش ۳۱۸ : یحیی گیلانی ، در هند منصب کتابداری را باو داده اند و

در گذشت او ۱۰ در ۹۵۲ نیز نوشته اند .

ص ۵۱۲ ش ۳۲۰ : یمینی سمنانی ، معاصر شاه طهماسب بوده و در ۹۸۱ در گذشته

ص ۵۱۲ ش ۳۲۲ : عجزی تبریزی ، دیوان فغانی شیرازی را جواب گفت

و شاه عباس در پاداش این کار وظیفه در حقتش برقرار کرد .

ص ۵۱۲ ش ۳۲۵ : وقوعی تبریزی ، دیوانش راده هزار بیت دانسته اند.

ص ۵۱۳ ش ۳۲۷ : مظهری کشمیری ، دیوان خود را ترتیب داده است .

ص ۵۱۳ ش ۳۳۰ : هجری طهرانی ، دو برادر سلامی و کلامی مداحان او

بوده اند .

ص ۵۱۴ ش ۳۳۳ : فسونی تبریزی ، از سلسله خاکیه تبریز و نویسنده و

مستوفی فرمانروایان فارس بوده است .

ص ۵۱۵ ش ۳۳۸ : مالک دیلمی ، تا ۹۶۹ که خطوطی از او باقی مانده زنده

بوده است .

ص ۵۱۶ ش ۳۴۰ : مقصود خرده فروش ، برخی وی را از مردم قریه خرده

درکشان دانسته اند اما چنان می نماید که کلمه خرده فروش را بدین گونه تحریف

کرده باشند. باغیث الدین منصور بحج رفته و در یزد شبی دزدان بطمع مال در ۹۸۷

اورا کشته‌اند و تاریخ در گذشت وی در ۹۸۳ درست نیست .

ص ۵۱۷ ش ۴۳۷ : وحشی جوشقانی ، رحلت وی را در ۱۰۱۲ هم نوشته‌اند .

ص ۵۳۰ ش ۴۳۸ : طالب گیلانی ، طیب بوده و در ۹۶۷ از گیلان بسفارت

بدر بار شاه طهماسب رفته و از خود معالجه ناروا کرده و در همانجا در گذشته است .

ص ۵۳۶ ش ۴۸۳ : رضایی کاشانی ، با محتشم و ضمیری محشور بوده است .

ص ۵۳۷ ش ۴۶۸ : صوفی مازندرانی ، در آذربایجان و عراق و فارس هم سفر کرده و

چون بکفر متهم شده بود از ایران بهند رفت . در گذشتش را در ۱۰۳۲ هم نوشته‌اند .

ملا عبداللطیف عباسی گجراتی که تراجم شعر ارا بر تذکره بت‌خانه افزوده در ۱۰۲۱

این کار را کرده است .

ص ۵۴۰ ش ۴۹۹ : گدایی دهلوی ، نخست در بازار ابراهیم لودی صدر الصدور

بود و سپس بدر بار بابر رفت و با پیرام‌خان بسیار دوست شد و پس از کشته شدن او در

جیل میرسا کن شد و در دهلی در گذشت .

ص ۵۴۱ ش ۵۰۶ : ابوالفتح گیلانی ، در ۹۸۳ با حکیم همام و نورالدین قراری

وارد هند شده و در ۲۷ رمضان ۹۹۷ در راه کابل در حسن ابدال در گذشته است .

ص ۵۴۲ ش ۵۰۷ : آتشی قندهاری ، رحلتش را در ۹۷۶ هم نوشته‌اند .

ص ۵۴۲ ش ۵۰۹ : ابتری بدخشی ، بدهلوی نیز معروف شده و معاصر جلال‌الدین

محمد اکبر بوده است .

ص ۵۴۲ ش ۵۱۱ : بیاضی گرهی ، با کبر آبادی نیز معروف بوده و ظاهراً

بیاضی استرآبادی بوده است .

ص ۵۴۲ ش ۵۱۲ : نورالدین نوری ، نخست ندیم همایون بوده است .

ص ۵۴۳ ش ۵۱۴ : تردی بیکروده ، نام وی را ملا تردی روده سمرقندی نیز

ضبط کرده‌اند . مردی دانشمند بوده و در زمان اکبری چندی ملازم امرای گجرات

شده و چندی درد کن زیسته و سفری بحج رفته است . قصیده‌ای در مدح الدهم‌خان

اکبری از رجال دربارا کبر سروده بود و وی اورا مختار کرد هر قدر صله می خواهد بگوید وی يك لك تنگه خواست . الهم خان گفت پست همتی کرد ، اگر يك کرور می خواست می دادم . در گذشت وی را در ۹۷۷ هم ضبط کرده اند .

ص ۵۴۵ ش ۵۱۸ : جمیلی کالپی وال : ظاهرا نامش جمیل بوده است .

ص ۵۴۷ ش ۵۲۴ : خنجر بيك جفتایی ، در هندسه نیز استاد بوده است .

ص ۵۴۶ ش ۵۳۰ : سیاقی دهلوی ، مردی بسیار دانشمند و در عروض و معما و

قافیه بی نظیر بوده و اقسام مختلف شعر سروده است .

ص ۵۴۸ ش ۵۳۹ : علی طارمی ، نخست ندیم همایون بوده و در گذشت وی

را در اکبر آباد در ۹۸۱ هم نوشته اند و از مولفات او شرح مشکوة المصابیح و شرح فقه الاکبر را باید دانست .

ص ۵۴۸ ش ۵۴۲ : عارف کابلی ، برخی اورا هروی دانسته اند .

ص ۵۴۹ ش ۵۴۵ : عشقی خان ترك ، از بازماندگان اسمعیل تاش بوده و

مشوی خود را بر وزن حدیقه سروده و ده دیوان داشته و در ۹۹۱ در گذشته است

ص ۵۵۲ ش ۵۶۳ : پیر زاده لوایی ، رحلت وی را در ۹۷۶ و ۹۷۹ نیز ضبط

کرده اند .

ص ۵۵۳ ش ۵۶۹ : میرزاده علی خان ، نامش را میرزاد نیز ضبط کرده اند و ظاهرا

میرتخلص می کرده است .

ص ۵۵۳ ش ۵۷۰ : معزی هروی ، در گذشت وی را در ۹۸۰ هم نوشته اند .

ص ۵۵۳ ش ۵۷۱ : مرادی استرآبادی ، دارایی بسیار بهم زده و در سفر حج در

راه در گذشته است .

ص ۵۴۴ ش ۵۷۹ : محمد یوسف کابلی ، نام درست وی محمد یوسف بيك پسر

شاه بيك خان بود و در تاریخ رحلت اورا ۹۵۹ نیز نوشته اند .

ص ۵۵۵ ش ۵۸۷ : نشانی دهلوی ، از اعیان دربار اکبری و جهانگیر بوده و تاریخ درگذشت وی را باختلاف ۱۰۱۸ و ۱۰۲۰ و ۱۰۲۵ نوشته اند و گفته اند در مجلس سماع در حضور جهانگیر آهی کشید و جان سپرد .

ص ۵۵۶ ش ۵۹۲ : نیازی بخارایی ، نامش سید حسن و از سادات بخارا بوده و در دربار اکبر نیز می زیسته است .

ص ۵۵۶ ش ۵۹۴ : نظمی تبریزی ، نامش نظام الدین علی بوده و نوشته اند مردی ساده لوح بود و در دربار جلال الدین اکبر می زیسته است .

ص ۵۵۷ ش ۹۰۶ : هاشم قندهاری ، برادرزاده محمد شاه انسی بوده و پیرام خان در برابر غزلی هشت هزار تنگه باو داده و چهل هزار دیگر بر آن افزوده است . برخی نوشته اند در ۹۶۹ در اگره و برخی دیگر در ۹۷۰ در لاهور و برخی گفته اند در ۹۶۹ در اکبر آباد در گذشته است . نخست بسملی و سپس وافی و سرانجام هاشم تخلص کرده است .

ص ۵۵۸ ش ۶۱۰ : حالسی سبزواری ، برخی در گذشت وی را در ۹۳۷

ص ۵۵۸ ش ۶۱۳ : میر معصوم زیارتگاهی ، در لاهور می زیسته و بهمین جهت بلاهوری معروف بوده است و در آن شهر در گذشته و قبرش در آنجا زیارتگاه بوده است .

ص ۵۶۰ ش ۶۲۱ : جانی بخارایی ، رحلت وی را در ۹۸۵ هم نوشته اند و گفته اند که غلامش وی را زهر داده است .

ص ۵۶۲ ش ۶۳۱ : آگهی خراسانی ، در پایان زندگی گرفتار قرقس بوده است .

ص ۵۶۳ ش ۶۳۷ : واصلی مروزی ، در کابل می زیسته و بهمین جهت بکابلی معروف بوده است . در مرو با ملاحجانی معاصر خود در افتاده و جانی مدعی بوده که واصلی اشعارش را دزدیده است . حکمران مرو می خواسته است وی را سیاست

کند و وادار کند آب نمک بخورد اما ازو شفاعت کرده اند و در ۹۶۸ در گذشته

ص ۵۶۸ ش ۶۶۵: مشفق بخارایی . در گذشتش را در ۹۹۶ نیز نوشته اند و علم نجوم و رمل را خوب می دانسته است.

ص ۵۷۴ ش ۶۷۶: میرزا ابراهیم تیموری ، در ۹۴۱ ولادت یافته است.

ص ۵۸۰ ش ۷۰۵: قاسم ارسلان ، تا ۹۷۴ زنده بوده است .

ص ۵۸۰ ش ۷۱۳: صالح مشهدی ، نامش محمد میرک بوده است .

ص ۵۸۵ ش ۷۴۸: میربدیع هروی ، نامش میرمحمد بدیع بوده و خاندانش

از سادات عریضی بوده اند و قاضی هرات بود و مدتی در شهر کش در دارالسیاده تدریس کرده و تا ۹۶۷ زنده بوده است .

ص ۵۹۲ ش ۷۹۱: قاضی محنتی عیسی میانکالی ، بعیشی حصاری نیز معروف

بوده است.

ص ۵۹۶ ش ۸۱۳: نجمی کشمیری ، مداح سلطان اسفندیار نیز بوده است .

ص ۶۱۶ ش ۹۱۷: شاه عادل لاری ، برخی تاریخ کشته شدنش را در ۹۹۲ ضبط

کرده اند و درست نیست .

ص ۶۱۸ ش ۹۳۷: هاشمی بخارایی ، نزد عبداللّه خان ازبک مقرب بوده و در ۹۴۵

در گذشته است .

ص ۶۲۴ ش ۱۰۳۴: وفایی خوافی، ساکن اگره بوده و بهمین جهت با کبر

آبادی معروف شده و در دربار بآبرو همایون می زیسته و در معما و تاریخ استاد

بوده و تاریخ فتح هندوستان و نوادر آن زمان را نوشته و در کبر آباد در کنار رود

جمن مدرسه و مسجد عالی ساخته که هنوز هست و وی را در آنجا خاک سپرده اند .

ص ۶۴۲ ش ۱۰۹۲: علاءالدین اودی ، ترکیب بندوی چون در مصرع اول

مبارت «مامقیمان» آغاز می شده بما مقیمان معروف شده است و از متون فارسیست

که در مدارس هند درس می داده اند.

ص ۶۴۶ ش ۱۱۱۶ : عبدالغنی همدانی ، امیر عبدالغنی از سادات اسدآباد همدان در ۱۰۱۱ دزهند گشته شده است .

ص ۶۴۸ ش ۱۱۳۶ : موالی لاری ، بخراسان خان خراسانی معروف بوده است .

ص ۶۵۲ ش ۱۱۶۲ : سلطانعلی مشهدی ، دوسطری را که در باره وی آمده است چنین تصحیح کنید : یکی از معروف ترین خوش نویسان پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم و شاگرد حافظ حاجی محمد کاتب و درهرات می زیسته .

ص ۶۵۲ ش ۱۱۷۰ : سیری طهرانی ، عمزاده ملا فیهمی بوده است .

ص ۶۵۲ ش ۱۱۷۳ : شوقی یزدی ، مداح اعتمادالدوله حاتم بیگ و در تاریخ گوئی ماهر و صاحب دیوانی شامل شش هزار بیت از اقسام مختلف شعر بوده است .

ص ۶۵۳ ش ۱۱۷۴ : شوقی تبریزی ، از بازماندگان خواجه رشیدالدین فضل اللوزیر و استاد خط نسخ تعلیق بوده و در کابل در ۹۵۴ در گذشته و دیوانش شامل چهار هزار بیت می شده و دیوان علی بن ابی طالب را بنام سلطان یعقوب در ۸۸۵ بنظم فارسی ترجمه کرده است .

ص ۶۵۵ ش ۱۱۹۹ : احمد دهدار فانی ، نام وی را بخط محمد بن محمود نوشته اند . رجوع شود بشرح حال ابو محمد محمود دهدار در صحایف ۲۹۷ و ۶۵۵-۶۵۶ و ۷۴۲ دیگر از مولفات اوست حاشیه بر رشحات .

ص ۶۵۶ ش ۱۲۰۲ : فنایی مشهدی ، از سادات رضوی بوده است .

ص ۶۵۹ ش ۱۲۳۰ : میر حسین سهوی ، مولانا که ال الدین میر حسین در خط شاگرد مولانا محمد حسین خطاط بود . در ۲۰ سالگی بحج رفت . نخست در تبریز بود و در استیلای تر کمان عثمانی از آنجا رفت و در ۹۹۷ در کاشان بود و دوازده سال در آنجا می زیست . سپس بهند رفت و در آنجا در گذشت .

ص ۶۵۹ ش ۱۲۳۶ : مرتضی سمنانی ، نسبت او را برخی بخط سیوستانی ضبط کرده اند .

ص ۶۶۵ ش ۱۲۷۲ : وقایع هروی ، تخلص وی را برخی وفاضبط کرده اند .
برخی نوشته اند در زمان اکبر در اکبر آباد می زیسته و برخی گفته اند در زمان شاه
جهان از راه دریا وارد بنگاله شده است .

ص ۶۷۰ ش ۱۲۹۵ : حسین الهی ادرییلی ، کمال الدین لقب داشته است .

ص ۶۷۰ ش ۱۲۹۹ : صدرالدین اسکویی ، پسر مهتر امیر ابوالقاسم اسکویی از
سادات حسینی آذربایجان و از دانشمندان بوده است .

ص ۶۸۲ ش ۱۳۶۵ : شرف زردوز تبریزی ، چندی در شیراز و چندی در یزد
زیسته است .

ص ۶۸۷ ش ۱۴۱۰ : احمد فنایی خلخالی ، از شاگردان غیاث الدین منصور
و احمد ابیوردی و شمس الدین خفری و کمال الدین لاری در گذشته در ۹۸۵ بوده است .

ص ۶۸۸ ش ۱۴۱۸ : قوسی تبریزی ، نخست کمانگر بوده و در تبریز می زیسته
و سپس باصفهان رفته و در پایان زندگی شکسته شده بود و عاشق پیشه بشمار می رفت
و شش هزار بیت دیوان ترکی و فارسی از او مانده است .

ص ۷۰۷ ش ۱۵۵۴ : وحیدی تبریزی ، رساله دیگری بنام جمع مختصر
نوشته است .

ص ۷۱۰ ش ۱۵۷۸ : مجدالدین طالبه ، از مشایخ قرن هفتم بوده است ،
رجوع شود بصحیفه ۷۵۰ .



بر صحیفه ۲۱۱ و بر شاعران قرن دهم این چندتن را باید افزود :
(۱۶۰۰) سکندر لودی ، پسر بهلول شاه از نژاد افغان و دومین پادشاه این
سلسله بود که پس از پدر در ۸۹۴ بتخت سلطنت نشست . سلطنت خاندان خود را
قوام داد چنانکه از یک طرف تا پنجاب و اوده و جانیپور و بهار تا بنگاله و از طرف
دیگر تا ناگور قدرت بسیار بهم زد و مردی بسیار کار آمد و مدبر و دانش دوست و هنر-

پرور بود و بسیاری از دانشمندان از او برخوردار شدند . در ۹۲۳ در گذشت و زبان فارسی را بسیار دوست می داشت و آنرا رواج داد و در شعر فارسی استاد بود و مانند شعرای قدیم شعر استادانه فصیح می گفت و گلرخ تخلص می کرد .
 (۱۶۰۱) **مجدالدین هابری** . از شاهران نیمه اول قرن دهم هندوستان بوده و از شعرا و اندکی مانده است .

(۱۶۰۲) **دونگرمل** ، هندو بوده و شعر فارسی می سروده و بیشتر غزل سرا بوده و از شعرا و نیز کم مانده است .

(۱۶۰۳) **بهادر شاه گجراتی** ، پسر دوم مظفر شاه دوم بود . پس از زردخوردی با پندرش بدر بار ابراهیم سلطان لودی آخرین پادشاه سلسله لودی رفت و در لشکر کشی پانی پت همراه او بود . پس از مرگ پندرش و جلوس برادرزاده پترش سکندر بگجرات بازگشت و در راه خبر کشته شدن برادرش باو رسید . در زیقعه ۹۲۲ در گجرات به سلطنت نشست و چنان در انتقام خون برادرش سختگیری کرده است که بابر در بر نامه وی را خون خوار و دیوانه دانسته است و در هر حال مردی سخت گیر و سریع العملی بود . در جنگ با همایون در ۹۴۰ شکست خورد و پرتغالیان را بیاری خود خواند و چون همایون از گجرات رفت و وی دوباره به سلطنت رسید از آن کار پشیمان شد و کوشید پرتغالیان را از سر خود باز کند . نایب السلطنه پرتغال ناوگان خود را ببندر دیو برد و بهانه بیماری حاضر نشد پیاده شود و باوی دیدار کند . وی دلیرانه تصمیم گرفت بکشتی برای دیدار نایب السلطنه برود . روز سوم رمضان بود و بهادر شاه شاید روزه دار بوده است و چون در می خوارگی افراد می کرد شاید در خمار می خوارگی شب پیش بوده باشد . چون دید بیماری نایب السلطنه بهانه بوده است خواست از کشتی برود اما پرتغالیان نگذاشتند و زردخوردی در گرفت و در آن میان بهادر شاه و در ۹۴۳ کشته شد و پیکرش بندریا افتاد و پرتغالیان بندر دیو را که مردم از آنجا رفته بودند تصرف کردند و

تاریخ کشته شدن وی را «سلطان شهید البر لبحر» یافتند. وی با آنکه مرد سخت گیر خونخواری بوده است چون در پایان زندگی این دلاوری را به خرج داد مردم گجرات وی را محترم شمردند. وی زبان فارسی را خوب می دانسته و باین زبان شعر می گفته است.

(۱۶۰۴) نصیرمنشی همدانی، شاعر و خوشنویس خط نستعلیق بوده و از خطوطی که از زمانده برمی آید که تا ۹۴۸ زنده بوده است.

(۱۶۰۴) خواجه محمد یحیی، بسه واسطه نواده عبیدالله احرار پیشوای نقشبندیان و مردی دانشمند و طبیب معروف و خوشنویس بوده و شعر فارسی می گفته است.

(۱۶۰۶) درویش پاشا، پسر بایزید آقا از مردم شهر موستار در هرزک (هرز-گوین)، در کشور خود بنام درویش پاشا بایز اغیج یعنی پسر بایزید آقا معروف بوده است. در زمان سلطان سلیمان دوم که کشورش مستعمره آل عثمان بود با دسته ای که بنام عجم اغلان معروف بود بدر بار عثمانی رفت و نزد سودی شارح معروف دیوان حافظ و دانشمندان دیگر در سرای آت میدان درس خواند و ترکی و فارسی و عربی را موخت با اندازه ای که فرمان سلطان مراد منظومه ای از فارسی بترکی ترجمه کرد و در ۹۹۵ بدین کار آغاز کرد. مدتی هم حکمرانی سرزمین بوسنه را داشت و از کار گزاران محتشم در بار آل عثمان بود و سرانجام در جنگ بامجارستان و مراصره بود اوست در ۱۰۱۲ دلیرانه کشته شد. وی شعر ترکی و فارسی را خوب می سروده است.

(۱۶۰۷) بهاء الدین ابن تاج گیلانی، شعر را بروش قدما بسیار خوب می گفته و ابن تاج و ابن تاج گیل تخلص می کرده و چند غزل از زمانده است.

(۱۶۰۸) قاضی صفی الدین عیسی قزوینی، پسر دوم میر یحیی بن عبداللطیف سیفی قزوینی حسینی مورخ معروف و برادر مهتر امیر علاء الدوله کامی شاعر بوده

و در ۹۷۶ وارد هند شده و مانند برادرش از بهر فتاریهای صفویه با اهل سنت گریخته و بهند پناه برده و در اگره در ربیع الاول ۹۸۰ در گذشته است پسرش غیاث الدین علی احمد ملقب بنقلیب خان داماد میر محمود محوی و از ندیمان مقرب جلال الدین محمد اکبر بوده است . قاضی صفی الدین شعر فارسی را استادانه می سروده است .

(۱۶۰۹) **میر شکرالله شگری** ، پسر قاضی صفی الدین عیسی سابق الذکر متولد در ۹۴۲ که بیش ازین از احوالش آگاهی نیست نیز شاعر بوده است .

(۱۶۱۰) **حکیم شمس الدین محمد محقق خفری** ، از مردم خفر فارس ساکن کاشان و از شاگردان صدر الدین شیرازی و فقیه و حکیم معروف زمان خود بوده و در علوم دیگر نیز دست داشته و تا ۹۴۰ زنده بوده است . از جمله مؤلفات اوست : رساله در اثبات واجب ، منتهی الادراک در هیئت ، رساله در علم رمل ، رساله الهیات و شعر نیز می سروده است .

(۱۶۱۱) **امیر سید عبدالله برزش آبادی** ، پسر سید محمد عبدالحی بن سید علی طوسی و مرید ابو عبدالله حسام الدین حسین بن حیدر اصفهانی و او مرید رکن الدین حبشی بوده است . از مشایخ معروف زمان خود بوده و در خاک ختلان می زیسته و شعر عارفانه را استادانه می گفته و جزین از احوالش آگاهی نیست .

(۱۶۱۲) **درویش محمد بن دوست محمد بخاری** ، از اصحاب خواججه عبیدالله احرار در اواخر قرن نهم و اوایل قرن دهم بوده و در ذیحجه ۹۰۹ منتخبی از مثنوی مولانا جلال الدین فراهم کرده است .

(۱۶۱۳) **غنائی** ، از شاعران ماوراءالنهر بوده و در ۹۶۰ ولادت یافته و جزین در باره اش آگاهی نیست و منظومه ای در تاریخ ماوراءالنهر از او مانده است .

(۱۶۱۴) **امیر سلطان محمد رشتی** ، از شاهزادگان گیلان بوده و در زمان شاه طهماسب و بدستور وی چندی فرمانروای رشت بوده و غزل را استادانه می سروده است .

دیگر از آثار منظوم قرن دهم که سراینده آن معلوم نیست مثنوی میرووزیر
بروزن خسرو شیرین نظامی شامل ۵۵۰ بیت است که در ۹۵۱ پایان رسیده است .



بر صحیفه ۷۸۵ درباره نویسندگان قرن دهم این نکته را باید افزود :
ابوبکر طهرانی از تاریخ نویسان این دوره تاریخ جهان آرا را بنام شاه طهماسب
تا حوادث سال ۹۳۰ نوشته است .

فاطمنامه

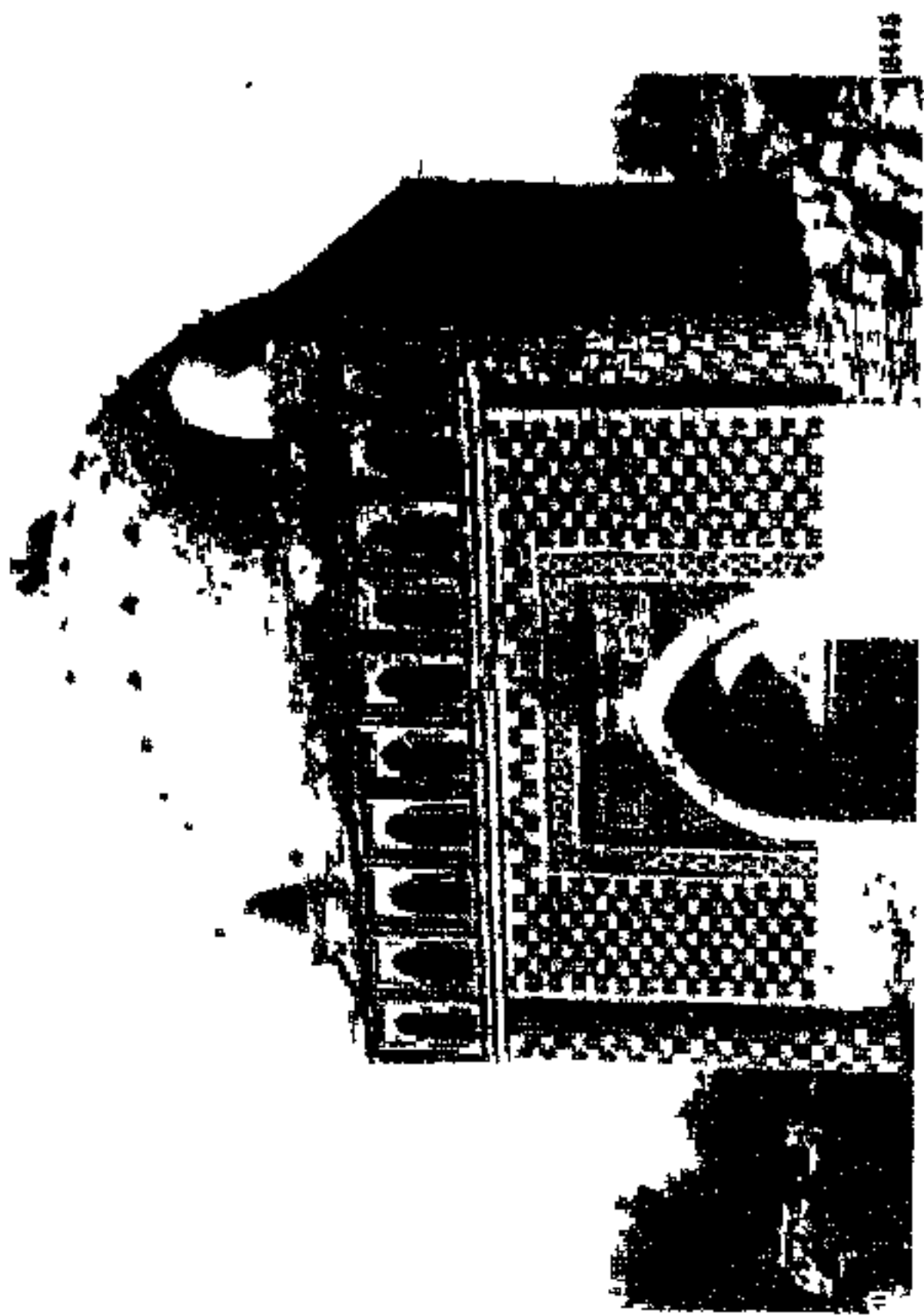
| صحیفه | سطر | نادرست | درست |
|-------|-----|--------------------------------|---------------------------------------|
| ۲۴ | ۹ | ابو لقاسم بن بشر | ابو لقاسم بشر |
| ۵۵ | ۳ | ۴۲۷ | ۴۶۸ |
| ۵۶ | ۵ | بخط | بخطا |
| ۶۰ | ۳ | ابو حفص | ابو حفص |
| ۶۰ | ۱۰ | ابو المظفر | ابو حاتم مظفر |
| ۷۱ | ۷ | ابو طاهر حسن | ابو طاهر محمد بن حسن |
| ۷۶ | ۲۴ | حالی | حالی و سپس بنایی |
| ۹۴ | ۵ | منکبرنی | منکبرلی |
| ۹۹ | ۲ | رض | رضی |
| ۱۰۵ | ۲ | ۵۵۲ | ۵۵۹ |
| ۱۰۵ | ۱۲ | نامہ را کہ | نامہ کہ |
| ۱۱۱ | ۱۲ | زبدۃ الحقایق معروف بتمہیدات | زبدۃ الحقایق بعربی و تمہیدات فارسی |
| ۱۱۱ | ۲۰ | البازل | البادل |
| ۱۲۹ | ۲ | ابو نصر | ابو نصر |
| ۱۳۳ | ۱۸ | منکبرنی | منکبرلی |
| ۱۴۱ | ۱۴ | نجیب الدین | ضیا الدین ابو النجیب |
| ۱۵۲ | ۱۵ | ۶۴۳ | ۵۴۳ |
| ۱۵۲ | ۱۵ | ۶۷۲ | ۵۴۹ |
| ۱۵۳ | ۱۸ | قراختنانی | قراختنایی |
| ۱۵۳ | ۲۵ | جسہ | جشتی |
| ۱۵۴ | ۲۳ | صدرالہ | صدر |
| ۱۶۹ | ۵ | نزهۃ المجالس | طرب المجالس |
| ۱۷۰ | ۱۶ | ۷۳۰ | ۷۵۲ |

| صحیفہ | سطر | تادریست | درست |
|-------|-----|------------|-----------------|
| ۱۷۴ | ۲۲ | مظفر | مظہر |
| ۱۷۵ | ۶ | ظاہر | طاہر |
| ۱۶۹ | ۹ | پہین | یمین |
| ۱۶۹ | ۲۱ | سلجوقشاہ | سلجوقشاہ |
| ۱۸۴ | ۱۰ | نخجواذ | نخجوانی |
| ۱۸۶ | ۲۲ | اینجور | اینجو |
| ۱۸۷ | ۴ | اولہ ماہ | اولیاء |
| ۱۹۲ | ۱۷ | نظنری | نظنری |
| ۱۹۶ | ۵ | صایف | صحایف |
| ۱۹۸ | ۲۴ | یمقوب | یمقوب |
| ۱۹۹ | ۲۱ | وادر | رادر |
| ۲۰۴ | ۱۶ | دوسال | درسال |
| ۲۰۵ | ۱۳ | متوقی | متوقی |
| ۲۰۹ | ۲۳ | محمود | محمد |
| ۲۱۰ | ۱۸ | حن | حسن |
| ۲۰۲ | ۱۶ | پشر | پسر |
| ۲۰۲ | ۲۰ | برسرخ | برسر |
| ۲۱۵ | ۱۰ | ودرہ | کہ در دوشنبہ ۱۵ |
| ۲۱۷ | ۱۲ | ۷۹۷ | ۵۹۷ |
| ۲۲۰ | ۱۵ | نیزاز | پیر و طریقہ |
| ۲۲۱ | ۱۱ | تایباد | تایبادی |
| ۲۳۲ | ۲ | ۸۲۴ | ۸۴۲ |
| ۲۳۲ | ۱۶ | ۹۱۲ | ۹۱۲ یا |
| ۲۳۷ | ۵ | مووسر نامہ | بوسہ نامہ |
| ۲۳۷ | ۷ | اجمد | احمد |
| ۲۳۹ | ۱۳ | خاوندشامن | خاوندشاہ بن |
| ۲۴۰ | ۱۲ | ۹۲ | ۹۱۲ |
| ۲۴۰ | ۲۳ | لاخبار | الاخبار |
| ۲۴۲ | ۲۲ | امادراء | ماوراء |
| ۲۴۸ | ۹ | شہور | شہور |
| ۲۴۸ | ۱۶ | حک | جنک |
| ۲۴۸ | ۲۰ | جماق | چقماق |
| ۲۴۹ | ۲۱ | ۸۴۱ | ۸۴۱ |

| صحیفہ | سطر | نادرست | درست |
|-------|-----|-----------|---------------------|
| ۲۵۱ | ۲۱ | یقطان | یقطان |
| ۲۵۲ | ۳ | آغار | آغاز |
| ۲۵۲ | ۱۱ | داشتہ | داشته |
| ۲۵۲ | ۱۳ | مکاتلیز | مکاتلیبر |
| ۲۵۳ | ۸ | ۸۶۱ | ۸۲۶ |
| ۲۵۶ | ۱۵ | ددربارہ | دربارہ |
| ۲۶۱ | ۶ | مجی | محبی |
| ۲۴۲ | ۲۴ | ور | در |
| ۲۴۳ | ۴ | المغربین | المغربین |
| ۲۶۹ | ۱۹ | ۸۲۳ | ۸۴۲ |
| ۳۰۴ | ۲۱ | رمصادرہ | ومصادرہ |
| ۳۱۰ | ۲ | باسکندر | اسکندر |
| ۳۱۵ | ۴ | اسدی | امیدی |
| ۳۱۹ | ۱۴ | تور بخشید | نور بخشید |
| ۳۴۶ | ۲۰ | دیلمی | دیلمی |
| ۳۵۸ | ۱۷ | سکھر | پھکر |
| ۳۸۱ | ۱۳ | روز بہان | فضل الہ بن روز بہان |
| ۳۸۵ | ۸ | پری جان | پری خان |
| ۳۸۵ | ۱۱ | درست | در دست |
| ۳۹۹ | ۲۱ | مظفر بن | مظفر بن |
| ۴۰۳ | ۸ | لقایی | بقایی |
| ۴۲۲ | ۲۰ | ابو گرہ | مالو گرہ |
| ۴۳۲ | ۱۰ | گجرا ب | گجرات |
| ۴۳۹ | ۳ | ۹۱ | ۹۱۱ |
| ۴۴۳ | ۱۴ | پری جان | پری خان |
| ۴۵۳ | ۵ | باہلی | کاہلی |
| ۴۵۶ | ۱۲ | ۹۸۶ | ۹۶۸ |
| ۴۶۳ | ۱۹ | ۹۳۳ | ۹۹۳ |
| ۴۶۸ | ۲۱ | امرسد | امیرسید |
| ۴۷۵ | ۱۷ | ۹۶۲ | ۹۵۳ |
| ۴۷۶ | ۳ | دوم | چهارم |
| ۴۷۶ | ۹ | چیچک | ہاہ چیچک |
| ۴۹۱ | ۱ | جک | جنک |

| صحیفہ | سطر | فادرست | درست |
|-------|-----|----------------|----------------|
| ۴۸۶ | ۱۲ | سرا انجام | سرا انجام |
| ۴۸۷ | ۲۴ | سرا انجام | سرا انجام |
| ۴۸۸ | ۱۰ | درباریا پیش | درباریا پیش |
| ۴۷۹ | ۲۰ | سلسلہ | سلسلہ دا |
| ۴۹۴ | ۱۱ | انتظار | انتظار |
| ۵۰۸ | ۲۲ | غازی | قاضی |
| ۵۱۰ | ۲ | درباریان | درباریان |
| ۵۱۰ | ۲ | درضمن | درضمن |
| ۵۱۰ | ۱۲ | ناہیدہ | ناہید |
| ۶۱۸ | ۲۰ | استراپای | استراپادی |
| ۵۵۷ | ۱۴ | ایقایی | ایقانی |
| ۵۵۷ | ۱۶ | ایقایی | ایقانی |
| ۵۵۸ | ۹ | حسن | حسین |
| ۵۶۱ | ۱۸ | قاسم | قاسم |
| ۵۶۹ | ۱۲ | جو انمرد | جو انمرد علی |
| ۵۶۹ | ۱۲ | ابوسید | ابوسعیدہ |
| ۵۹۴ | ۲۲ | لقایی | بقایی |
| ۵۹۵ | ۲۴ | امیری | امینی |
| ۵۹۹ | ۶ | ۹۷۱د | در ۹۷۱ |
| ۶۰۳ | ۵ | محمود | محمد |
| ۶۰۴ | ۶ | لقایی | بقایی |
| ۹۰۶ | ۲۱ | جو نپور پادشاہ | جو نپور پادشاہ |
| ۶۰۸ | ۴ | میرزا | میرزا |
| ۶۱۳ | ۵ | مونا | مولانا |
| ۶۲۴ | ۱۴ | مری | مردی |
| ۶۲۷ | ۱ | خسرو | حسرو |
| ۶۴۱ | ۱۱ | عبداللہ | عبدالوہاب |
| ۵۴۵ | ۲۱ | رفنہ | رفنہ |
| ۶۵۹ | ۴ | میر حسن | میر حسین |
| ۶۶۰ | ۹ | ۱۰۴۰ | ۱۰۰۴ |
| ۶۶۳ | ۱۱ | اللہ سلام | تہ سلام |
| ۶۶۳ | ۱۱ | امامت و شرح | امامت شرح |

| صحیفہ | سطر | فادرست | درست |
|-------|-----|-----------|----------------|
| ۶۶۸ | ۱۳ | متل | میل |
| ۶۷۱ | ۱۶ | میرا | میررا |
| ۶۷۹ | ۲۱ | فرماندار | فرمان سردار |
| ۶۷۹ | ۲۳ | سیبی | شلیک |
| ۶۸۰ | ۲۰ | قیچاق | قیچاق |
| ۶۸۴ | ۲۰ | سیلی | سیری |
| ۶۷۴ | ۲۲ | صفر قلی | صفی قلی |
| ۶۰۳ | ۱۱ | سرح | سرع |
| ۷۰۸ | ۱۲ | نقل | نقل |
| ۷۰۹ | ۱۰ | کالیسی | کالیپی |
| ۷۰۳ | ۱۴ | امیر طاہر | امیر محمد طاہر |
| ۷۱۸ | ۲۱ | سهران | ایران شاہ |
| ۷۲۶ | ۱۰ | سرور | سروار |
| ۷۲۳ | ۶ | حدابندہ | حربندہ |
| ۷۲۳ | ۸ | سلح | سلخ |
| ۷۳۳ | ۹ | حدابندہ | حربندہ |
| ۷۲۳ | ۱۱ | حدابندہ | حربندہ |
| ۷۳۴ | ۱۶ | ملخص | ملخص |
| ۷۳۶ | ۷ | حانہ | حان |
| ۷۴۲ | ۱۷ | تدیس | تدیس |
| ۷۵۲ | ۲۳ | تدیس | تدیس |
| ۷۵۲ | ۱۷ | ص ۱۹۶ | ص ۱۹۳ |



اسم ل م دھارا

18445



۲- تصویر رودکی که گراسیموف دانشمند شوروی
از روی چمچه اوساخته است



۲۔ تصویر رومی کی کندہ کاری روی چوب کاری کی از هنرمندان تاجیک



۴- تصویر خیالی رودکی از آقای حسین بهزاد

۵- وضع کتونی قهیر رود کی در پینج روه ک نزدیک پنج کت در تاجیکستان





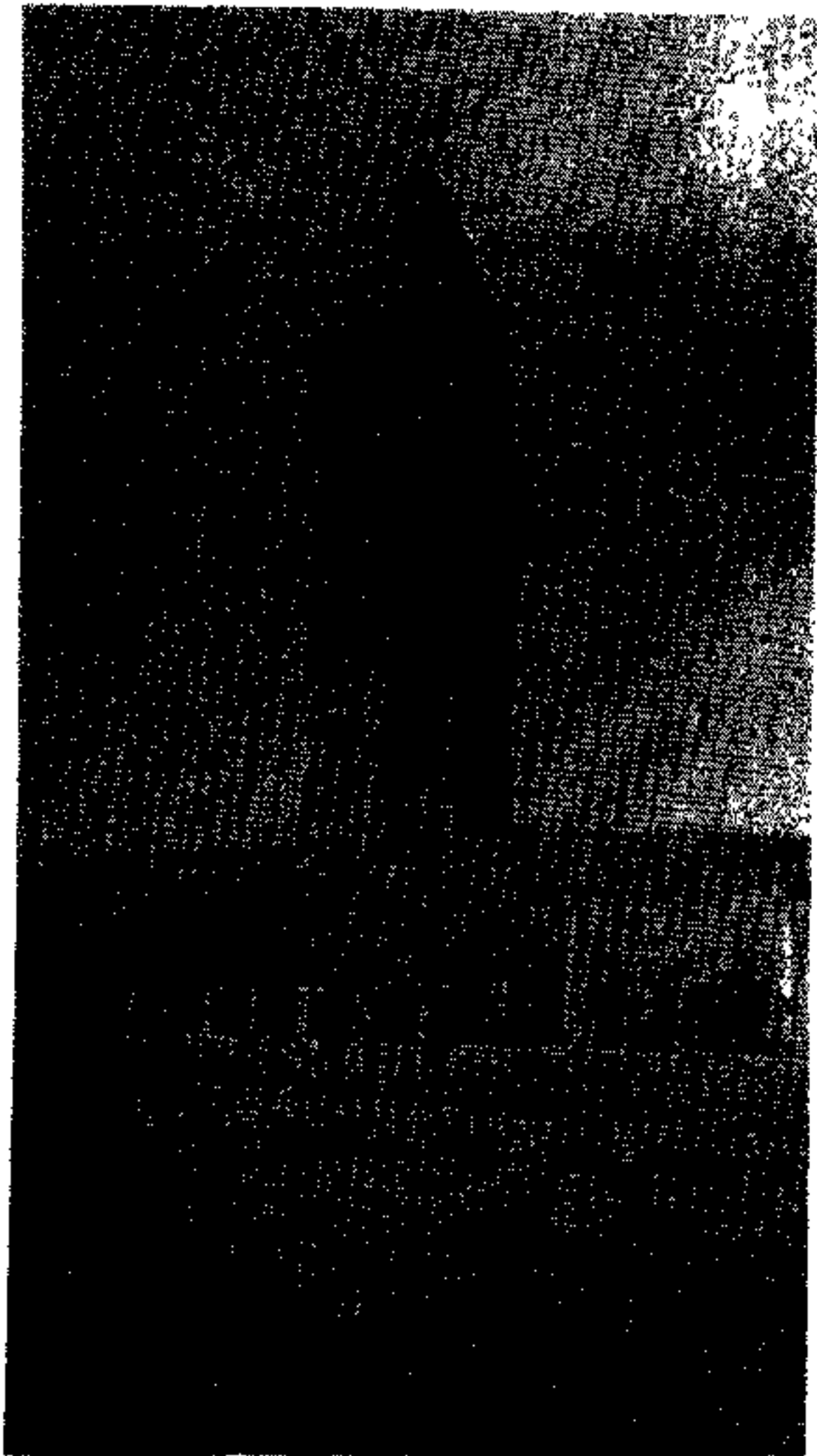
- قبراوسعيد ابوالخير در شيرمېنه در ترکمنستان



۷- قهیر باباطاهر، عریان دره‌مدان، عکس از آقای مرتضوی، سته‌هی



۸- قبر ابوعلی دقاقدر محل معروف بمقبره بیرون شور نسا در ترکمنستان



۹- گنبد قابوس - قبر قابوس بن وشمگیر